

احوال پیامبر ﷺ والرؤساء

در حج

تألیف: فیصل بعدانی

ترجمہ:

قریب اللہ مطیع

فهرست

- تقریظ بقلم عالم فاضل دکتور عبدالرحمن المحمود.....(۱)
پیشگفتار(۱۱)
مقدمه مؤلف(۱۵)

فصل اول

- احوال پیامبر اکرم ﷺ با پروردگار در حج.....(۲۲)
۱- پیامبر اکرم ﷺ در زمینه توحید توجه جدی(۲۴)
۲- تعظیم مشاعر و مراسم دینی(۳۰)
۳- اظهار بیزاری از مشرکان و تصمیم بر مخالفت آنان(۴۹)
۴- دعا و نیایش و اظهار عاجزی پیامبر خدا ﷺ(۶۱)
۵- خشم و غضب بنحاطر خداوند و باز ایستادن در حریم(۶۸)
۶- فروتنی و آرامش و وقار(۷۵)
۷- خیرخواهی و پیشبرد آن(۷۹)
۸- اعتدال در کارها(۸۶)
۹- زهد و بی میلی بادنیای(۹۱)

فصل دوم

- احوال پیامبر خدا ﷺ با خانواده و اقارب شان در حج.....(۱۰۳)

- ۱- آموزش احکام حج به آنان (۱۰۵)
- ۲- بکارگماشتن خانواده در امور حج قبل از (۱۰۹)
- ۳- حرص و تلاش بر رفع مسئولیت در برابر اواد خانواده (۱۱۰)
- ۴- تشویق آنان بر انجام امور خیر (۱۱۴)
- ۵- طلب کمک و یادی از آنان (۱۱۷)
- ۶- حمایت و نگهداری آنان از فتنه ها (۱۲۰)
- ۷- بازداشتن آنها از منکرات و زشتی ها (۱۲۸)
- ۸- نرمی و مهربانی و آسانگیری بر آنان (۱۳۰)
- ۹- صبر و حوصله آنحضرت ﷺ در برابر اهل و (۱۳۴)
- ۱۰- مراعات احوال و یادی دادن آنها (۱۳۸)
- ۱۱- لطف و مهربانی و خوش رفتاری آنحضرت ﷺ (۱۴۱)
- ۱۲- احسان و نیکی با آنان (۱۴۴)
- ۱۳- حمایت و پاسداری از حقوق آنان (۱۴۷)

فصل سوم

- احوال پیامبر اکرم ﷺ با امت شان در حج (۱۴۹)
- ۱- تعلیم امت (۱۵۰)
 - *- آموزش احکام و (۱۶۰)

- ۲- فتوا (۱۶۳)
- ۳- پند و نصیحت (۱۷۷)
- ۴- پرورش امت بر پیروی شریعت و فراگیری (۱۹۶)
- ۵- سعی بروحلت و یکپارچی امت (۲۱۱)
- ۶- رهبری کامیاب و برخورد نیک بامردم (۲۲۱)
- ا- آنحضرت ﷺ الگو و قدوهٔ حسنه بودند (۲۲۲)
- ب- آنحضرت ﷺ به انجام کارهای نیک فرمان و (۲۲۸)
- ج- تواضع و فروتنی پیامبر ﷺ بامردم (۲۳۶)
- د- شفقت و مهربانی پیامبر اکرم ﷺ نسبت به مردم (۲۴۱)
- ه- نیکی و احسان پیامبر ﷺ به مردم (۲۴۸)
- و- صبر و شکیبایی پیامبر اکرم ﷺ در برابر مردم (۲۵۶)
- ز- نرمی و مالایمت پیامبر اکرم ﷺ بامردم (۲۶۲)
- ح- برخی دیگر از اموریکه پیامبر اکرم ﷺ در رهبری مردم آنرا مراعات می نمودند (۲۷۴)
- *- ترتیب و تنظیم نمودن مردم (۲۷۴)
- *- تشویق خدمت گذاران حجاج (۲۷۶)
- *- حمایت از حقوق مردم (۲۷۷)

- * - جرأت در حق (۲۷۹)
- * - ترک سرزنش خطاکار (۲۸۲)
- * - احتساب از زحمت و سختگیری بر مردم (۲۸۵)
- * - محبت و مهربانی با مردم (۲۸۶)
- * - سنگی، وقار و مظهر خوب پیامبر اکرم ﷺ (۲۸۸)
- خاتمه (۲۹۱)
- فهرست (۲۹۳)

بسم الله الرحمن الرحيم

تقریظ به قلم عالم فاضل دکتور عبدالرحمن المحمود

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على اشرف الأنبياء و المرسلين، نبينا محمد و على آله و صحبه اجمين و بعد:

حج یکی از بناهای بزرگ و ارجمند پنجمانه اسلام بشمار می‌رود، مسلمانان سالانه چشم براه این موسم عظیم بوده باشوق و شورو علاقه بسیار آنرا پذیرایی مینمایند، تا بتوانند طاعت و عبادت خداوند جل جلاله را در روزهای محدود و زودگذر این موسم جلیل القدر، با سایر مسلمانانی که از سرزمین های دور و نزدیک حضور یافته اند، گرد کعبه مشرفه، با شور و شوق فراوان به بیت عتیق، سپری نمایند، شکی نیست که در این روزهای پر فیض هر مسلمانی در هر جای دنیا با شوق فراوان آرزو می کند که ای کاش من هم مشغول ادای این فریضه بزرگ می‌بودم، و کاش اینک در این مراسم مقدس حضور می‌داشتم، کاش چشمم به بیت عتیق می افتاد که به شدت آنرا دوست می دارم. زیرا همه مسلمانان جهان با بیت الله الحرام رابطه عمیق و پیوند نا گسستنی دارند.

کتب و تألیفات بسیاری در رابطه به این رکن عظیم واحکام آن با حجم های متفاوت و روشهای مختلف نگاشته شده که همه مورد استفاده مسلمانان قرار گرفته است و ما از خداوند جل جلاله برای خدمت گذاران علم و دانش پاداش بیشماری استدعا داریم.

اما این رساله ارزشمند که برادر عزیز ما استاد فیصل بن علی البعدانی آنرا تهیه و ترتیب نموده و بنام {احوال النبی ﷺ در حج} نامگذاری نموده است، با سایر کتاب های تألیف شده درباره حج تفاوت و امتیاز دارد که میتوان مزیت و برتری این کتاب ارزشمند و پر منفعت را در نکات ذیل یاد آورشد:

اول: این کتاب روش جدیدی را در موضوع حج پیشکش می نماید که نمی توان آنرا احکام متعلق به حج نامید، و نه هم برخی از فتاوی مر بوط به مسایل حج شمرد، بلکه سفری دلپسندی با پیامبر اکرم ﷺ است که از لابلای ماخذ موثوق کتب سنت برگزیده و گرد آورده شده است که حجاج را با تاسی و پیروی پیامبر اکرم ﷺ با خود همراز و همسفر ساخته، کیفیت واحوال

آنحضرت ﷺ را با پروردگار و خانواده و امت ایشان واضح و آشکار می سازد.

دوم: این کتاب جوانب پنهان و غیر معروف حج نمودن آنحضرت ﷺ را منعکس می سازد که شاید بسیاری از مردم از آن آگاهی نداشته باشند، زیرا اکثر مردم در مورد حج پیامبر اکرم ﷺ جز احکام فقهی، از دیگر مسایل آن آگاهی ندارند، که البته این مسایل نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است، لکن آنعده امور و مسایل مفصل و شامل حج آن حضرت ﷺ که ارتباط و تأثیر بسزایی در ادای این فریضهٔ پر فیض، و نقش برجسته در زندگی مسلمان دارد، لازم است بیان و توضیح گردد، تا بندهٔ مسلمان از پند های آموزنده، درسهای مفید و مؤثر، و فواید بزرگ آن در تمامی عرصه ها، در عقیده، عبادات، اخلاق و غیره توشه ای برای آخرت خود برگیرد.

از جمله امور و مسایل پنهان و نهفته ای که شاید برخی از آن آگاهی نداشته باشند بطور مختصر و با ذکر چند نمونه ای از آن اکتفا می کنیم:

۱- هنگامیکه پیامبر اکرم ﷺ می خواستند آب بنوشند حضرت عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه خواست تا از خانه آب مخصوصی برای نوشیدن آنحضرت صلی الله علیه و آله بیاورد، لکن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مانع شده فرمودند: (ضرورتی به آن نیست، از آبی برایم بدهید که همه مردم از آن می نوشند) که این خود بیانگر تواضع و فروتنی آنحضرت صلی الله علیه و آله است.

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول مدت ایام حج با امت خویش آمیخته و پیوسته بودند و آنان را از تعالیم دین آگاه مینمودند، و کسی مانع دیدار از ایشان نشده و در اطراف ایشان نگهبانانی وجود نداشته تا مردم را از ایشان با ضرب و طرد و فشار دور نمایند، و یا هم بگویند از آنحضرت صلی الله علیه و آله فاصله بگیرید.

۳- آنحضرت صلی الله علیه و آله فرصت حج و اجتماع مردم را غنیمت می شمردند تا به آنان پند و اندرزهای ارزشمند و گرانبهای خویش را تقدیم نموده و بزرگی و عظمت پروردگار عالم را به آنها یاد آور شوند، چنانکه در عرفات و در اثنای سیرشان صلی الله علیه و آله در بین مشاعر حج ، و روز عید قربان در منا، و ایام تشریق، اندرزها و موعظه

های متنوعی را به مردم ایراد نمودند، آنحضرت ﷺ در عرفات قبل از غروب نمودن آفتاب مردم را مخاطب قرار داده فرمودند: (ای مردم! از دنیای تان نسبت به آنچه که گذشته باقی نمانده است جز به اندازه زمانی که از این روز شما نسبت به آنچه که از آن گذشته، باقی مانده است) همچنان آنحضرت ﷺ در جمع انبوه مردم چنین فرمودند: (یقیناً خداوند ﷻ در این جمعیت انبوه شما فضل و کرم خویش را ارزانی داشته، و مردمان بدکردار شما را بخاطر نیکان تان بخشیده، و به نیکوکاران شما هر آنچه که از او تعالی خواستند، عطا نموده است، پس بنام خداوند ﷻ حرکت نماید).

چنانکه آنحضرت ﷺ بشر بن سحیم رضی الله عنه را فرستادند تا در روز های تشریق به مردم اعلان و ابلاغ نماید که: (جزء مؤمن کسی دیگر وارد بهشت نخواهد شد).

و هنگامیکه از ایشان رضی الله عنه پرسیده شد که چگونه در روز های حج نیکی و احسان نماییم؟ فرمودند: (به مردم طعام بدهید و به آنان سخن نیک بگویید).

همچنان پیامبر اکرم ﷺ در روز های حج در مورد زنان سفارش نمودند، و از دروغ بستن بر ایشان هشدار داده و به تبلیغ و رساندن فرموده های ایشان به مردم امر نموده فرمودند: (شاد دارد خداوند ﷻ شخصی را که سخن مرا شنیده و آنرا درست درک کرده سپس آنرا به دیگران تبلیغ نموده است). همچنان از غلو و افراط در دین بر حذر داشتند و امر فرمودند تا از والیان امر اطاعت صورت گیرد و ترغیب نمودند تا با والدین احسان و خوبی نموده و روابط با خویشاوندان را پیوسته نگه دارند.

بناءً موسم حج، موسم پر فیض و برکت، و فرصت خوبی برای دعوت بسوی خداوند ﷻ می باشد.

۴- همچنان آنحضرت ﷺ در روز های پر فیض و برکت حج به چنگ زدن به قرآن کریم و سنت مطهر سفارش نموده فرمودند: (من در میان شما دو چیز را گذاشتم تا لحظه که به آن چنگ زنید و تمسک جویند هرگز گمراه نمیشوید، کتاب خدا ﷻ و سنت من).

همچنان آنحضرت ﷺ بر دوری جستن از امور نو پیدا و بدعتها در دین تأکید ورزیده فرمودند: (آگاه باشید! من قبل از شما بر حوض حاضر میشوم و شما را مشاهده میکنم، و کسانی از میان واردشدگان ربوده میشوند، من میگویم: ای پروردگار! آنها یاران (از امت من اند) به من گفته میشود: تو آگاهی نداری که آنها بعد از تو چه چیزهای - در دین- ایجاد کردند!) و امر فرمودند تا مسلمانان همدست و یکپارچه باشند، و از تفرقه و اختلاف بر حذر داشته فرمودند: (بعد از من کافر نشوید، که برخی از شما گردن برخی دیگر را بزند) و فرمودند: (شیطان نا امید شده که مسلمانان در جزیرهٔ عرب او را بپرستند، ولیکن در فاسد نمودن و دگرگون ساختن دلها و ایجاد ترک دوستی و محبت میان شان می کوشد).

۵- در این حج پیامبر خدا ﷺ هدایات و رهنمودهای بسا بزرگی را در مورد زندگانی خانوادگی شان (همسران ایشان) به امت گذاشتند، در این موسم بزرگ همسران و سایر اهل خانوادهٔ آنحضرت ﷺ نیز همسفر ایشان بودند که آنحضرت ﷺ را در

بسیاری از امور یاری و کمک می نمودند، و درعین زمان آنها را از شر و فتنه حفاظت می نمودند، بطور مثال، هرگاه همسران پیامبر خدا ﷺ با مردان روبرو میشدند، چادرهای سرشان را بر روی خویش رها می کردند. چنانکه آنحضرت ﷺ هنگامی متوجه شدند که فضل بن عباس رضی الله عنه بسوی زنی نگاه می کند، گردن وی را برگرداندند. همچنان به ام سلمه رضی الله عنها فرمودند: (از عقب مردم طواف کن). وعایشه رضی الله عنها دور از مردان طواف می نمود. همچنان بعد از ادای حج به همسران خویش فرمودند: (از این به بعد زمان خانه نشینی تان فرا می رسد)، آنحضرت ﷺ بر اهل خانواده خویش نرم، پر لطف، مهربان، فروتن و با حوصله بودند.

سوم: امتیازی دیگری که این کتاب بر سایر کتابهای تألیف شده در مسایل حج دارد آنست که جوانب اعتقادی مربوط به حج را مورد بحث قرار داده، درسها و فواید مؤثر در این عرصه را بیان و آشکار ساخته است، همچنان در مورد اعلان برائت از مشرکین و مخالفت با آنان را که بوسیله برخی از صحابه اعلان داشتند اشاره

نموده است و در مورد دعا نمودن ایشان ﷺ با دو شق مهم آن که عبارت از دعای طلب و دعای عبادت است، و تعظیم نمودن ایشان ﷺ از شعایر و مقدسات دینی و غیره را منعکس ساخته است. خلاصه حج آنحضرت ﷺ در تمام عرصه هایش، مدرسه تربیتی و ایمانی بزرگی بود که مؤمنان و پرهیزگاران از آن منافع بزرگ و درسهای متنوع و پندهای مؤثری که دلها را زنده می کند و ایمان را پرورش داده و تقویت می بخشد، استفاده نمودند.

چهارم: این کتاب بشکل آسان و ساده و دور از تکلف در آورده شده که همه میتوانند از آن استفاده نمایند، و هیچ طالب علم از آن بی نیاز شده نمی تواند، زیرا مؤلف با حرص و کوششهایش مضامین آنرا از مآخذ و مصادر معتبر و موثق جمع آوری نموده و هر موضوع را در جای مناسب آن گنجانیده است، و با روش زیبا و دلپسند توانسته است هدایات و ارشادات والای آنحضرت ﷺ را بطور ساده و آسان به خواننده گان تقدیم نماید. و ما از خداوند جل جلاله برای مؤلف این کتاب، و کارکنان محترم انجمن اسلامی، و هرکسی که در راه پخش و نشر دانش و معارف

اسلامی سعی می ورزد، پاداش بزرگ را استدعا داریم. و صلی الله
علی نبینا محمد و آله و صحبه و سلم.
عبدالرحمن الصالح المحمود

پیشگفتار

الحمد لله الذي شرع لعباده حج بيته العتيق، و هو - سبحانه وتعالى - الغنى عن العالمين، و الصلاة و السلام على نبينا محمد ﷺ قدوة الحجيج، و أسوة المعتمرين، و على آله و صحبه الغر الميامين، و من اقتدى بهم و سلك نهجهم إلى يوم الدين، و بعد:

حج فريضة شرعی و مناسبتی است که در طول عمر یکبار بر مسلمان قادر و توانمند فرض میگردد، و بخاطر رسیدن به این نعمت بزرگ راهها و سر زمین های مختلفی را پیموده با شوق فراوان، زحمات و تکالیف این سفر را بدون احساس خستگی متحمل می گردد. وی در این راه، خانه، فرزند و دوستان را رها نموده، با مال و ثروت دست داشته خود که شاید سالها قبل آنرا بخاطر ادای این فريضة پس انداز نموده بود، از خانه بیرون آمده و ندای ابراهیمی را لبیک می گوید

طوریکه به همه آشکار است، جهل و نادانی و غفلت دامنگیر بسیاری از فرزندان این امت شده که آثار این نادانی در بسا موارد، چه در امور اعتقادی یا علمی و یا عدم آگاهی آنان از

پدیده های تمدن عصر حاضر در میان جمعیت حجاج بیت الله بطور چشمگیری به نظر می خورد، برخی از این عارضه ها که آمیخته با شرک و بدعت می باشد انسان را تکان میدهد، چه بسا دیده میشود که حاجی از احکام عبادات و آداب آن بویژه حج، آگاهی نداشته و مرتکب گناہانی میگردد که انتظار آن نمیرفت، همچنان علایم عقب ماندگی مسلمانان و دوری آنها از تمدن امروزی، و عدم آشنایی آنها با اسباب و وسایل روز، انسان را به حیرت در آورده و در عین وقت اندوهگین و متأثر می سازد. لیکن چیزی که بیشتر از همه بر غم و اندوه انسان می افزاید آنست که برخی از مردمان دنیا پرست، بخاطر بدست آوردن منافع دنیوی و محقق ساختن آرزو های شان، این موسم عظیم را فرصت طلایی شمرده و از جهل و نادانی حجاج بیت الله الحرام سوء استفاده نموده و یا در ادای مناسک آنها خلل ایجاد می نمایند، که انسان با درک، خویش را در همچو احوال، بیشتر از پیش مسؤل میدانند.

انجمن اسلامی که در راستای دعوت اسلامی و نشر علم و دانش شرعی توجه و اهتمام جدی بخرج داده و می‌دهد، همچنان در مناسبات و برنامه های همیشگی و متکرر اسلامی، بمنظور توضیح و بیان موقف شریعت اسلامی در مورد این برنامه ها، و آگاه ساختن فرزندان امت اسلامی سخنی داشته است، تا بتوانند از فرایض و واجبات دینی شان بطور درست و دقیق آگاهی یافته، و در عین زمان به هدایات و رهنمود های پیامبر بزرگ اسلام ﷺ اقتدا نمایند، و با دانستن این مسایل مهم، از بدعت ها و منکرات منتشر در جامعه اجتناب ورزند. فریضه حج در رأس این مناسبت و برنامه ها قرار دارد، زیرا یگانه رکنی از ارکان اسلام که در یک زمان و در یک مکان عملی می‌گردد، حج است، و این خود اهمیت و عظمت این مناسبت را ثابت ساخته و بر مسلمان لازم می‌گرداند تا با احکام و آداب این فریضه پر فیض آشنایی درست و صحیح پیدا نماید، و یگانه راه آشنایی به احکام و آداب حج و آگاهی احوال آنحضرت ﷺ در این روز های میمون، دانستن هدایات و ارشادات پیامبر اکرم ﷺ می باشد که برادر ارجمند ما در این

کتاب ارزشمند، بعد از جستجو و تلاش و کوشش های پیهم در کتب احادیث و غیره، آنرا گرد آورده، و با صورت زیبا و رسا آنرا ترسیم نموده است، طوریکه حاجی محترم را در یک عالم روحانی برده و با روش و چگونگی حج پیامبر ﷺ ارتباط مستقیم داده، تا گام بگام در خط سیر رسول اکرم ﷺ حرکت کرده و مطابق سنت ایشان عمل نماید.

و در پایان از ذات اقدس الهی مسئلت داریم که این رساله ارزشمند و پربها را به درگاه خویش پذیرفته، و آنرا مورد قبول برادران حجاج قرار دهد، تا از آن بهره وافر ببرند.
و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحبه اجمعین.

انجمن اسلامی

مقدمه مؤلف

الحمد لله رب العالمين، و الصلاة و السلام على نبينا محمد و على آله و صحبه، و من اقتفى أثره و نهج سبيله إلى يوم الدين، و بعد:

الله ﷻ بندگان را به پیروی و اطاعت پیامبر گرامی اش ﷺ امر نموده و می فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ الحشر: ۷

(و هر چه پیامبر ﷺ به شما بدهد، آنرا بگیرید و از هر آنچه شما را منع کند، از آن باز ایستید)

و ایشان ﷺ را الگوی نیکو و شایسته برای بندگان قرار داده و می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ الأحزاب: ۲۱

(یقیناً برای شما در رسول خدا سر مشقی نیکوست، برای آن کس که به خدا و روز آخرت امید دارد و خدا را بسیار یاد می کند)

چنانکه خداوند ﷻ پیروی از آنحضرت ﷺ را، نشانه محبت ایشان خوانده می فرماید:

﴿ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ

رَحِيمٌ ﴿ آل عمران: ۳۱

(ای محمد! - به مدعیان دوستی من - بگو اگر خدا را دوست دارید (راستگو هستید) پس از من پیروی کنید تا خداوند دوستانه بدارد و گناهان شما را ببامرزد و خداوند آمرزندهٔ مهربان است).

خداوند ﷻ بیان داشته است که پیروی و اطاعت پیامبر ﷺ در

حقیقت پیروی او تعالی میباشد، طوریکه میفرماید: ﴿ مَنْ يُطِيعِ

الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ﴿ النساء: ۸۰

(هرکس از پیامبر ﷺ اطاعت کند، در حقیقت از خداوند ﷻ

اطاعت کرده است، و هرکس رویگردان شود، پس ترا نگهبان ایشان نفرستاده ایم).

و پاداش بزرگی را برای کسانی که از ارشادات آنحضرت ﷺ پیروی نموده و آنرا عملی نماید، آماده ساخته است، قسمیکه

میفرماید: ﴿ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ

الْتَّيِّبِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءَ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا ﴿٦٩﴾

النساء: ۶۹

(و کسانی که از خدا و رسول اطاعت کنند، در زمره کسانی هستند که خداوند ﷻ بر آنان انعام نموده است، از- همراهی - پیامبران و صدیقین و شهیداء و صالحین، و اینان رفیقانی نیک هستند).

حج در میان سایر عبادات، عبادت روشن و آشکاراست، که پیروی و اقتدا به آنحضرت ﷺ بصورت واضح در آن هویدا است، برخی از دانشمندان و طالبان علم در این عصر توجه خاصی در مورد احکام و مسایل متعلق به حج نموده اند که از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و توانسته اند راه های که شاید بدعتی از آن به دین رخنه نماید، بسته اند، و در راه نشر و پخش علم و معارف اسلامی، بویژه آنچه که مربوط به مناسک حج میگردد، تأثیر بزرگی داشته است.

لیکن جانب مهمی دیگری که باید به آن توجه و اهتمام خاصی صورت گیرد، آنست که ارشادات و هدیایات و احوال پیامبر ﷺ در این مناسبت پرفیض بصورت واضح و مفصل بیان

گردد، تا برادران مسلمان ما که عزم حج را دارند، با آن آشنایی پیدا نموده و درخط سیر آنحضرت ﷺ گام نهاده، این فریضه پرفیض را بصورت درست و مطابق روش آنحضرت ﷺ ادا نمایند. اهمیت دانستن این مسایل را که برای هر مسلمان، بویژه حاجی بسیار مهم است میتوان در نکات ذیل بیان نمود.

*- آموزش و آگاهی این مسایل، سپس عملی نمودن آن، حکمت واهداف حج را واضح ساخته، پرستش وبنده گی پروردگارجهان را محقق می سازد.

*- بسیاری از مسلمانان از احوال پیامبر ﷺ درحج آگاهی کامل ندارند، از اینرو کوشش آنها تنها در جهت آموختن احکام فقهی این مناسک بوده، و به آن خشنود و قانع میگردند.

*- بسیاری مسلمانان از احوال پیامبر ﷺ درحج، از جمله: معانی، مقاصد واهداف آن آگاهی ندارند، حتی برخی از طالبان علم که در زمینه سنت نبوی وغیره امورشرعی سروکار دارند، این امراز آنها پنهان مانده و عملی نمیگردد.

*- حج در میان سایر عبادات سلیقه و روش خاصی را بخود دارد، بنابراین پیامبر اکرم ﷺ با توده ها واقشار مختلف مردم برخورد و تعامل داشتند. ایشان با گروه های مختلف مردم دیدار نمودند که شاید اینچنین فرصت مناسبی در زمان و مکان دیگر امکان پذیر نمیبود، و شاید هم برخی از مردم جز در همین مناسبت بزرگ، دیگر موفق به دیدار آنحضرت ﷺ نمیشدند، از اینرو در این کنفرانس بزرگ و تاریخی، گوشه های زیادی از برخورد و تعامل آنحضرت ﷺ با گروه های مختلف مردم، و رسیدگی و توجه به احوال آنان آشکار می گردد که دیگر موقع مناسبی، جز حج در موقع دیگر امکان پذیر نبود.

* - در این سفر آنحضرت ﷺ همسران و همه افراد خانواده خویش، اعم از ناتوان و توانمند آنها را با خود همراه نمودند که این خود گوشه دیگری از رهنمود های ایشان ﷺ را در برخورد و رفتار با آنان واضح میسازد، که قبلاً صورت نگرفته بود .

لذا در این تحقیق و بررسی کوشیده شده تا کیفیت و چگونگی حج پیامبر ﷺ بطور شامل و مفصل و جامع ترسیم، و احوال

آنحضرت ﷺ در این حج بصورت واضح به تصویر کشیده شود، تا باشد که سرمشق و الگویی برای اقتدا کنندگان و پیروان خط آن حضرت ﷺ گردد.

چون کتب و رساله های بیشماری در مورد حج و احکام آن نگاشته شده است، بناءً ما در این کتاب پیرامون آن بحث نخواهیم کرد، بلکه به جوانب دیگر این فریضهٔ پر فیض، اشاره خواهیم کرد، زیرا این موضوع به بررسی و تحقیق مفصل نیاز داشته، اینچنین گذر کوتاه و مختصر، تشنگان سنت مطهر نبوی را سیراب نخواهد کرد چون موضوع شاخه ها و فروع بسیار دارد، پس بخاطر نزدیک ساختن مسایل و یکجا نمودن پراکندگی، آنرا به سه فصل تقسیم نمودیم:

فصل اول: احوال پیامبر ﷺ با پروردگار شان در حج.

فصل دوم: احوال پیامبر ﷺ با خانوادهٔ ایشان در حج.

فصل سوم: احوال پیامبر ﷺ با امت شان در حج.

و از خداوند عزوجل استدعا می نمایم که این کتاب را برای حجاج و معتمرین، سودمند گردانیده، و اقتدا کنندگان راه و روش

آنحضرت ﷺ را در پیمودن مسیر شان توفیق داده و آنرا در درگاه بزرگ خویش بپذیرد.

و از برادرانی که در تهیه و نگارش این کتاب همکاری نموده اند، ابراز شکر و امتنان نموده، اجر و پاداش بزرگ را از خداوند ﷻ برای آنان خواهانم.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه اجمین.

فصل اول

احوال پیامبر ﷺ با پروردگارشان در حج

یگانه سرمایه ناتمام و بی پایان بندگان راستین الله ﷻ، همانا پیوند محکم و ناگسستنی، و ارتباط قوی با الله ﷻ می باشد، حج یکی از مهمترین مناسبات و گردهم آیی است که الله ﷻ بندگان مؤمن را در سایه رحمت خود قرار داده و آنان را بر تقوا و بندگی واقعی پرورش میدهد، که بوسیله آن رابطه عمیق میان بنده و پروردگار سبحان تقویت می یابد، همچنان حج مدرسه ایمانی بزرگی است که به مسلمانان در عرصه های مختلف، درسهای بزرگ و فواید ارزشمند و اندرزهای مفید می آموزد، و آنان را به مقام و منزلت والای بندگی الله ﷻ مشرف می سازد.

مسلمان در این مناسبت عظیم در مقابل پروردگارش با فروتنی ایستاده و سر تسلیم و اطاعت را به او تعالی فرود می آورد.

پیامبر گرامی ما ﷺ در حج نیز مانند همیشه، بیش از دیگران خداوند ﷻ را یاد نموده و می پرستیدند، همچنان ارتباط ایشان با الله ﷻ با وجود همه مشغولیت ها و مسؤلیت های که بر دوش

داشتند، مانند همیشه قوی و محکم بود. ایشان در این موسم بزرگ و گردهم آیی تاریخی حجاج بیت الله را رهبری نموده آنها را به امور دین شان آگاه می ساختند، همچنان توجه خاص به همسران خویش داشتند و در مورد آنان از صبر و تحمل کار گرفته با آنها احسان و رویه نیکو داشتند. با وجود این همه مشغولیت و مسؤولیت ها، در ارتباط ایشان با پروردگار سبحان هیچ گونه تفاوت یا تکاسل و یا تأخیری صورت نگرفته و ایشان را از تواضع و شکستگی در مقابل پروردگار باز نمی داشت.

و اگر بخواهیم شمایل و چگونگی تواضع و شکسته نفسی آنحضرت ﷺ را با پروردگارشان در موسم حج، و منظر و نمای پیروی و اطاعت ایشان را یک یک بشماریم، گنجایش آن در این مقام امکان پذیر نیست. بنابر این در این فصل مهمترین و بارزترین نمونه های از شمایل و اوصاف و احوال ایشان را با پروردگار شان قرار ذیل مورد بحث و مطالعه قرار میدهم:

۱- پیامبر اکرم ﷺ در زمینه توحید و یگانه پرستی خداوند جلّ و علا، توجه جدی بخرج داده آنها را محقق ساختند:

توحید یا خداوند ﷻ را به یگانگی پنداشتن از بارزترین مسایل بنیادی است که آنحضرت ﷺ در راه محقق ساختن و حمایت آن توجه جدی نمودند، تا طاعت پروردگار بزرگ جهان را بصورت درست و دقیق بجا آورده و فرموده الله ﷻ را عملی نمایند: ﴿وَأَتِمُّوا

الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ البقرة: ۱۹۶

(و برای خدا ﷻ حج و عمره را به تمام رسانید) یعنی حج و عمره را با رعایت همه حقوق، و بدون کاستن چیزی از مناسک آن، به وجه مطلوب شرعی آن، و با اخلاص برای خداوند ﷻ و نداشتن قصد منفعتی دنیوی، پایان برسانید.^۱ و هرگاه با دقت به اعمال آن حضرت ﷺ دیده شود، اخلاص ایشان به خداوند ﷻ، و به اتمام رساندن شروط و افعال حج، بصورت آشکار به نظر می خورد که میتوان برجسته ترین نکات آنرا ذیلا یاد آور شد:

*- تلبیه گفتن، شعار حج است و این کلمات قواعد و فواید مهمی مانند: اخلاص عمل و یگانگی پنداشتن خداوند ﷻ، و تعهد به دوام

۱- تیسیرالکریم الرحمن از سعدی: ۹۰

عبودیت و پایدار بودن در آن، عاجزی و انقیاد در برابر خداوند ﷻ، اعتراف به نعمت های خداوند ﷻ را در برداشته، و متضمن رد بر تمام باطل پرستان و دشمنان توحید است. چنانکه جابر ﷺ از پیامبر بزرگ اسلام روایت نموده است که: (آنحضرت ﷺ حج را با توحید - تلبیه گفتن - با آواز بلند آغاز نموده فرمودند: (لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، ان الحمد والنعمه لک و الملک لا شریک لک).^۱ یعنی (حاضر م ای الله، گوش بفرمانم، تو شریکی نداری، همانا ستایش و نعمت، ملک و سلطنت از آن توست و شریکی نداری).

و در حدیثی که ابوهریره ﷺ آنرا روایت کرده آنحضرت ﷺ چنین فرمودند: (لبیک اله الحق، لبیک).^۲ یعنی (من بر طاعت تو همیشه حاضر م و پایدار خواهم بود، ای پروردگار حق! گوش بفرمانم)

* - پیامبر گرامی ما ﷺ توجه جدی بر آن داشتند که عبادات شان خاص به رضای خدا ﷻ باشد و خواهان آن بودند تا حج ایشان

۱- متفق علیه .

۲- سنن ابن ماجه (۲۹۲۰) با تصحیح البانی (۲۳۶۲).

وسیله ریا و شهرت و افتخار بر دیگران قرار نگیرد طوریکه از انس رضی الله عنه روایت شده که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: (خداوندا! حجبی را آرزو دارم که ریا و شهرت در آن نباشد)^۱. این درسی است برای امت ایشان صلی الله علیه و آله و سلم تا حج و تمامی عبادات را خالص برای خداوند جل جلاله انجام داده و از شهرت و افتخار بر دیگران اجتناب ورزند. زیرا آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم از هرگونه ریا کاری و شهرت طلبی دور و مبرا بودند.

*- همچنان قرائت سوره (کافرون و اخلاص) در دو رکعت طواف، دلیل آشکار بر دقت و توجه ایشان صلی الله علیه و آله و سلم به یگانه پرستی او تعالی است، قسمیکه از جابر رضی الله عنه روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در دو رکعت طواف دو سوره توحید و اخلاص را تلاوت نمودند: (قل یا ایها الکافرون) و در روایتی دیگر: (در دو رکعت طواف دو سوره اخلاص را قرائت نمودند: (قل یا ایها الکافرون) و (قل هو الله احد)^۲.

۱- سنن ابن ماجه (۲۸۹۰) با تصحیح البانی (۲۶۱۷).

۲- سنن ابو داود (۱۹۰۹) و ترمذی (۸۶۹) با تصحیح البانی (۶۸۹).

*- آنحضرت ﷺ هنگامیکه بر صفا و مروه بالا می رفتند، خداوند جل جلاله را به یگانگی یاد می نمودند قسمیکه در حدیث جابر رضی الله عنه روایت شده که:

(آنحضرت ﷺ در آغاز بر کوه صفا بر آمدند تا آنکه خانه کعبه را دیدند و رو به قبله، خداوند جل جلاله را به یگانگی یاد نموده و (الله اکبر) گفته فرمودند: (لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك وله الحمد، و هو علی کل شیء قدیر، لا اله الا الله وحده.....) یعنی (معبود برحق جز الله نیست که یکی است و شریکی برایش نیست، ملک و ثنا و ستایش خاص از آن اوست و او بر هر چیز تواناست) سه بار تکرار نمودند، و نیز هنگامیکه بر کوه مروه رفتند ایستاد شدند همین دعا را خواندند).^۱

*- همچنان آنحضرت ﷺ در روز عرفه این کلمه بزرگ و با عظمت را به کثرت تکرار می نمودند. چنانکه فرموده اند: (بهترین دعا، دعای روز عرفه است و بهترین سخنانی که من و پیامبران قبل از من فرموده اند: (لا اله الا الله وحده لا شریک له ، له الملك

وله الحمد وهو على كل شى قدیر) است.^۱ ودر روایت دیگر چنین آمده است: (بیشترین دعای پیامبر ﷺ در روز عرفه (لا إله إلا الله) بود. ودر لفظی (بیده الخیر) آمده است. یعنی: (خیر همه بدست او تعالی می باشد).^۲ پس روز عرفه روز دعاست، و بهترین ذکر (لا إله إلا الله) است، و پیامبر خدا ﷺ در بهترین روز، بهترین ذکر ورد زبان مبارک شان بود.

اما اگر امروز به شکل عام به وضع نا گوار مسلمانان و بطور خاص به حجاج نظر بیندازیم - با تأسف - انواع جهل و نادانی را که مربوط به حقوق خداوند ﷻ بر بندگان است، مشاهده خواهیم کرد. مفهوم عبادت و پرستش که همانا نیایش، تعظیم، فرمانبرداری و احترام و اجلال خداوند ﷻ در آشکار و پنهان می باشد، از برخی مسلمانان امروزی رخت بر بسته است، دامنه خرافات، بدعت، و امور شرکی چنان میان مسلمانان وسعت یافته که جلوگیری آن کاریست، دشوار! بنابر این بردعوتگران و اهل

۱- سنن ترمذی با تحسین البانی (۲۸۳۷).

۲- مسند احمد (۶۹۶۱) حسن لغیره .

علم و دانش مسئولیت بس بزرگی قرار دارد - بویژه در این مناسبت بزرگ - تا مردم را از اساسات دین اسلام آگاه ساخته، حقیقت یگانه پرستی را که کلیه پیامبران به آن دعوت می نمودند، به آنان بیان کرده و از شرک و بدعت و خرافات و گمراهی بر حذر شان دارند. چنانکه هویداست اولین ارشاد آنحضرت ﷺ به مردم توحید و یگانه پنداشتن اوتعالی بود که آنرا بر سایر ارکان اسلام مقدم میدانستند، و هنگامیکه ایشان معاذ ﷺ را به یمن گماشتند بوی دستور داده فرمودند:

(آنها را دعوت کن تا گواهی دهند که معبود بر حق جز الله نیست، و اینکه من رسول و فرستاده خدا ﷻ می باشم. اگر آنها در این امر از تو پیروی کردند آنها را آگاه کن که خداوند ﷻ در هر شب و روز پنج وقت نماز برایشان فرض نموده است و اگر آن ها در این امر از تو پیروی کردند، آنان را آگاه کن که الله تعالی بر آنها صدقه ای فرض نموده که از ثروتمندان شان گرفته شده و به فقرای شان باز گردانده میشود ...)^۱

۱- صحیح بخاری (۱۳۹۵).

پس حاجی محترم! حالا که خداوند ﷻ ترا شایسته این فریضه پرفیض و بزرگ دیده و از میان میلیون ها مسلمان هموطنت ترا به این سر زمین پاک مشرف ساخته است، باید با خدایت عهد ببندی که جز ذات یکتای او، چیزی دیگر را نمی پرستی، فرایض او را ترک نکرده، و برای زنده کردن سنت پیامبر ﷺ در همه عرصه های زندگی ات تلاش می ورزی، ظلم بر کسی نکرده، و حق کسی را تلف نخواهی کرد، دروغ نخواهی گفت، و قرآن را مهجور نخواهی گذاشت، اگر خود نتوانی، فرزندان را برای خدمت قرآن آماده خواهی کرد.

۲- تعظیم مشاعر و مراسم (مناسک) دینی:

خداوند ﷻ به بندگانش امر فرموده تا شعایر و مراسم متعلق به دین را با عظمت شمرده و از آن تعظیم و تجلیل به عمل بیاورند، و در راه حفظ و نگهداشت حرمت و قداست آن با هر وسیله سعی ورزند. زیرا خداوند ﷻ تعظیم حرمت خویش را جزو اساسی تقوا، و شرطی از شروط بنده گی خوانده است، تا بنده بوسیله آن بتواند به ثواب و پاداش بزرگی که برای مؤمنان راستین آماده

نموده است نایل آمده و هنگام لقاء باوی از خیر وافر برخوردار گردد. خداوند ﷻ میفرماید: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمَ شَعْبِرَ

اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ الحج: ۳۲

(این است - حکم - و هر کس شعایر خدا را تعظیم کند پس در حقیقت این - تعظیم - از تقوای دلهاست) همچنان الله ﷻ میفرماید:

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمَ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ﴾ الحج: ۳۰

(این است حکم و هر کس حرمت خداوند را تعظیم کند پس این برایش نزد پروردگارش بهتر است). همچنان آنحضرت ﷺ که مبلغ اوامر خداوند ﷻ به بندگانش هستند، می فرمایند: (از محرمات خداوند ﷻ بپرهیز، تا از عابدترین بندگان خداوند ﷻ باشی).^۱

در مقابل بزرگداشت از حرمت، و از سبک شمردن شعایر دینی و پایمال شدن حرمت آن، و تجاوز از حدود تعیین شده، و تمسخر و شوخی و استهزاء به امور دین بر حذر داشته است. خداوند ﷻ در

۱ - سنن ترمذی (۲۳۰۵) با تحسین البانی (۱۸۷۶).

مورد حرمت و قدسیت بیت الله الحرام چنین میفرماید: ﴿وَمَنْ

يُرِدَّ فِيهِ بِالْحَكَامِ يُظْلَمَ نَذِقَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ الحج: ۲۵

(وهر کس بخواد در آن از سر ستمگری الحاد کند - جرمی را مرتکب شود - او را از عذابی درد ناک می چشانیم).

همچنان میفرماید: ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ

فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ البقرة: ۲۲۹

(اینها ست حدود الهی، پس از آن تجاوز نکنید، و کسانی که از حدود احکام الهی تجاوز کنند، آنان همان ستمگارانند).

و خداوند ﷻ میفرماید: ﴿وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ

حُدُودَهُ، يَدْخُلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ النساء: ۱۴

(و هر که الله ورسول او را نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز کند، خداوند ﷻ او را در آتشی در آورد که جاودانه در آن است و او را ست عذاب خفت بار و رسوا کننده).

لذا برگزیدگان خداوند ﷻ، عارفان و عاقلان به آن پی

بردند و از تجاوز حرمت خداوند ﷻ باز ایستادند، که در رأس

آنان، امام مرسلین و سرور و سردار عالمیان و پرهیزگارترین مردمان جهان قرار دارد، ایشان شعایر خداوند ﷻ را تعظیم و توقیر می نمودند و حرمت و حدود مقرر الهی را مراعات نموده از آن حفاظت و حمایت می نمودند و از تجاوز و پایمال شدن مقدسات و حرمت او تعالی بدور بودند. در موسم حج به همه ثابت و آشکار گردید که آنحضرت ﷺ شعایر حج و حدود تعیین شده الله ﷻ را چقدر تعظیم و توقیر و رعایت می نمودند، و در حفظ و حمایت حرمت های دینی به کدام پیمانانه حرص داشتند، که ما گوشه از نمونه های برجسته آنرا خدمت خوانندگان گرامی به عرض می رسانیم:

*- آنحضرت ﷺ قبل از آنکه احرام بر تن مبارکشان نمایند، غسل نمودند، سپس موهای مبارکشان را با صمغ یا حنا با هم چسبانیدند تا از پراکندگی و ژولیدن موها جلوگیری نماید، و با بهترین عطر جسم خویش را خوشبو نمودند، قسمیکه از زید بن ثابت رضی الله عنه روایت است که فرمود: (پیامبر خدا ﷺ را دیدم که غسل

نمودند و احرام بستند.^۱ همچنان از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرمود: (شنیدم که آنحضرت صلی الله علیه و آله نیت احرام نمودند در حالیکه سر ایشان (ملبد) بود).^۲ ملبد یا تلبد: عبارت از چسپاندن موی سر ذریعۀ صمغ و یا حنا و یا ختمی است، و سبیش آن است که موی ها باهم بچسپد و پراکنده نشود. و در روایتی که از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت شده، میفرماید: (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را قبل از اینکه احرام ببندند، با بهترین عطر خوشبو می نمودم).^۳ و در روایت دیگر چنین آمده: (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را با بهترین عطری که داشتند خوشبو می ساختم، تا آنکه درخشش عطر را بر سر و ریش ایشان مشاهده می کردم).^۴

*- نمونه ای دیگری از تعظیم نمودن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از شعایر خداوند جل جلاله آنست که ایشان صلی الله علیه و آله از ذی الحلیفه، میقاتگاه اهل مدینه، شترانی را بخاطر شکرانه خانۀ خدا جل جلاله با خود بردند، و این

۱- سنن ترمذی (۸۳۰) با تصحیح البانی (۶۶۴).

۲- صحیح بخاری (۱۵۴۰).

۳- صحیح مسلم (۱۱۸۹) و سنن دارمی (۱۸۰۱).

۴- صحیح بخاری (۵۹۲۳).

خود بزرگترین تعظیمی به یکی از شعایر الهی است، چنانکه خداوند ﷻ میفرماید ﴿ وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ ﴾ الحج: ۳۶

(وشران فربه را برای شما از جمله شعایر خدا ﷻ قرار دادیم) آنحضرت ﷺ قبل از عزیمت بسوی مکه، با دست شریف شان برگردن برخی از شتران قلاده (گردن بند) انداختند و کوهان آنها را با شمشیر زخمی نمودند تا آنکه خون بیرون آمد، - اینکار بخاطری است تا دانسته شود که آنها شتران قربانی است - قسمیکه از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که: (آنحضرت ﷺ نماز چاشت را در ذی الحلیفه ادا نمودند، سپس شتر خویش را طلب نموده و روی کوهان راستش را با شمشیر بریدند تا آنکه خونش ریخت و دو قلاده را بر آن آویختند).^۱ ابن کثیر رحمته الله میفرماید: (از این حدیث آشکار می گردد که رسول اکرم ﷺ علامت گذاری و قلاده گذاشتن را بر این شتر با دستان شریف شان شروع نمودند، سپس علامت و قلاده گذاشتن باقی شتران را یاران ایشان به عهده

۱- صحیح مسلم (۱۲۴۳).

گرفتند)۱، و مصداق آن روایت دیگر است که چنین آمده: (وآنحضرت ﷺ امر فرمودند تا همه شتران قربانی با بردن کوهان راست و گذاشتن قلاده بر گردن آنها مشخص گردند)۲. همچنان ایشان صاحبان شتران قربانی را از سوار شدن بر آنها منع نمودند، چنانکه جابر رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت ﷺ فرمودند: (اگر ناچار شدی، به نیکویی بر آن سوار شو تا آنکه وسیله سواری بیابی)۳.

* - نشانه دیگر از تعظیم نمودن آنحضرت ﷺ و بزرگداشت ایشان از شعایر خدا ﷻ تلبیه گفتن ایشان از اولین نقطه عزیمت در مدینه تا آنکه بر جمره بزرگ سنگ ریختند، می باشد. ابن عباس رضی الله عنه در این مورد می فرماید: (پیامبر خدا ﷺ تلبیه گفتن را ترک نکردند تا آنکه بر جمره عقبه سنگ پرتاب نمودند)۴. همچنان ابن مسعود رضی الله عنه میفرماید: (سوگند به ذاتی که محمد ﷺ را

۱- سیرت نبوی از ابن کثیر (۴ / ۲۲۸) .

۲- صحیح ابن خزیمه (۲۶۰۹) اسنادش صحیح است.

۳- صحیح مسلم (۱۳۲۴) .

۴- سنن ابن ماجه (۳۰۴۰) با تصحیح البانی (۲۴۶۴) .

برحق فرستاده است! من با رسول خدا ﷺ از منا تا عرفه همراه بودم، ایشان تلبیه گفتن را ترک نکردند تا آنکه بر جمره بزرگ سنگریزه ریختند، و در میان تلبیه گفتن (لا إله إلا الله) را نیز ذکر می نمودند.^۱

چنانکه ایشان ﷺ تلبیه را با آواز بلند می گفتند حتی که اصحاب ایشان آنرا می شنیدند، ابن عمر رضی الله عنهما می فرماید: (پیامبر خدا ﷺ در حالی که موی سرشان ملبد^۲ بود نیت احرام نموده فرمودند: (لیک اللهم لیک^۳). همچنان از عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که آنحضرت ﷺ فرمودند: (جبریل نزد آمد و امر فرمود تا تلبیه را با آواز بلند بگویم).^۴ همچنان ابوسعید رضی الله عنه می فرماید: (ما با رسول خدا ﷺ برای حج برآمدیم و نعره^۵ - لیک - می کشیدیم).^۱

۱- مستدرک حاکم ۱ / ۴۶۱ و صحیح ابن خزیمه (۲۸۰۶) باسنادحسن.

۲- معنای ملبد در صفحه (۳۴) گذشت.

۳- متفق علیه.

۴- مسند احمد (۲۹۵۰). همچنان پیامبر ﷺ یارانسان را امر فرمودند تا به آواز بلند و رسا تلبیه و تکبیر بگویند، زیرا حضرت جبریل رضی الله عنه آمده و به ایشان فرمود که به اصحاب امر فرمایند تا (تلبیه) ویا (لا اله الا الله) را با آواز بلند بگویند) نزد بیهقی با تصحیح البانی (۱۳۸۴) همچنان پیامبر ﷺ میفرمایند: (هیچ تلبیه گویی نیست هنگامیکه تلبیه می گوید مگر اینکه هر چیزی که در راست و =

*- همچنان نشانه تعظیم و توقیر آنحضرت ﷺ از شعایر خداوند ﷻ در این حج، غسل نمودن ایشان قبل از ورود به مکه مکرمه است تا آثار سفر و ژولیدگی آن برطرف گردد، سپس ایشان کعبه را معظم دانسته آغاز به طواف نمودند، چنانکه نافع رضی الله عنه نقل می کند که: (ابن عمر رضی الله عنهما هنگام ورود به مکه شب را در منطقه ذی طوی می گذشتند و بامداد آن روز غسل نموده وارد مکه مکرمه می گردید و می فرمود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین عمل می نمودند)^۱، و چنانکه حضرت عایشه رضی الله عنها فرمود: (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگام قدوم به مکه اولین کاری که انجام دادند وضو بود، سپس طواف نمودند)^۲.

*- آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم با دیدن حجرالاسود مسرور و شادمان گردیدند و آنرا در برگرفته و بوسه زدند، و سرمبارکشان را بر آن گذاشته به

=چپش اعم از سنگ و درخت و گل و خاک قرار دارند باوی تلبیه می گویند تا آنکه زمین از اینجا و آنجا پاره گردد) سنن ابن ماجه با تصحیح البانی (۲۳۶۳).

۱- صحیح مسلم (۱۲۴۷).

۲- صحیح مسلم (۱۲۵۹).

۳- صحیح بخاری (۱۶۱۵).

خداوند ﷺ سجده نموده و به گریه شدند، همچنان رکن یمانی را با کف دست مبارکشان مسح کردند، چنانکه از سوید بن غفله رضی الله عنه روایت است که فرمود: (عمر فاروق رضی الله عنه را دیدم حجرالاسود را بوسه کرده آنرا در برگرفت و فرمود: من رسول خدا ﷺ را دیدم که با دیدن تو شادمان و خرسند میشدند)؛ و از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که فرمود: (عمر فاروق رضی الله عنه بر رکن - حجرالاسود - خمیده فرمود: (من خوب میدانم که توسنگی هستی، اگر رسول خدا ﷺ را ندیده بودم که ترا بوسه و مسح می نماید، هرگز ترا بوسه و مسح نمی کردم).^۱

و در روایتی دیگر چنین آمده: (عمر فاروق رضی الله عنه را دیدم که حجرالاسود را بوسه زد، و سرش را بر آن گذاشته و به خداوند ﷺ سجده نمود، سپس فرمود: من رسول خدا ﷺ را دیدم این چنین کردند، و من هم به پیروی از ایشان اینکار را کردم).^۲

۱- صحیح مسلم (۱۲۷۱).

۲- مسند احمد (۱۳۱) .

۳- مسند طرابلسی: ۷۴/۵ با اسناد حسن، و سنن بیهقی: ۷۴/۵ با روایت از ثقات.

و از جابر رضی الله عنه روایت است که فرمود: (پیامبر صلی الله علیه و آله طواف را از حجر الاسود آغاز نموده آنرا لمس کردند و چشمان ایشان پر از اشک گردید).^۱

و از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرمود: (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در هر طواف، بر رکن یمانی و حجر الاسود دست می کشیدند).^۲

*- دیگر نشانه تعظیم آنحضرت صلی الله علیه و آله از شعایر خداوندی، نماز گزاردن ایشان در پشت مقام ابراهیم علیه السلام و آغاز نمودن سعی از کوه صفا و ایستادن ایشان بر آن و همچنان کوه مروه، که همه بمنظور ذکر خداوند جل جلاله و دعا بود، چنانکه در حدیث جابر رضی الله عنه روایت شده که: (سپس بسوی مقام ابراهیم رفته این آیت را

تلاوت نمودند: ﴿وَأَخَذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ﴾ البقره: ۱۲۵

(واز مقام ابراهیم نماز گاهی بسازید) و مقام را میان خویش و کعبه شریفه قرار دادند، سپس از دروازه بسوی صفا بیرون رفتند، و

۱- سنن بیهقی: ۷۴/۵ ابن کثیر فرمود: اسنادش خوب است .

۲- سنن ابو داود (۱۸۷۶) با تحسین البانی (۱۶۵۲).

هنگامیکه به کوه صفا نزدیک شدند این آیت را تلاوت نمودند :

﴿ إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ ۗ ﴾ البقرة: ۱۵۸

(در حقیقت صفا و مروه از شعائر الهی است) و فرمودند: از جایی آغاز می کنم که خداوند ﷻ در کلامش آغاز نموده است - یعنی از صفا - و بر کوه صفا بلند رفتند تا آنکه خانه خدا ﷻ برایشان نمایان شد، و روبسوی قبله، خداوند ﷻ را به یگانگی یاد نموده تکبیر گفتند و این دعا را خواندند: (لا إله إلا الله وحد لا شریک له، له الملك و له الحمد وهو على كل شیء قدير، لا إله إلا الله وحده، انجز وعده، و نصر عبده، و هزم الأحزاب وحده) یعنی: (به جز الله، معبود دیگری بحق وجود ندارد، یگانه است و شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، و ستایش مخصوص اوست، او بر هر چیز تواناست، بجز او معبود دیگری بحق وجود ندارد، یگانه است، اوست که وعده اش را تحقق بخشید، و بنده اش را پیروز کرد، و به تنهایی گروه ها را شکست داد). این دعا را سه بار تکرار کرده و در هر بار خیر دنیا و آخرت را برای امت خواستند، سپس از کوه صفا پایین آمده و به طرف کوه مروه رفتند و آنچه را که در کوه

صفا انجام داده بودند، آنرا تکرار کردند).^۱ و در روایت دیگر چنین آمده است: (سپس به مقام ابراهیم آمدند و این آیت را تلاوت نمود: ﴿وَأَتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ البقرة: ۱۲۵) (و از مقام ابراهیم نمازگاهی بسازید) و در حالیکه مقام ابراهیم میان ایشان و خانه کعبه قرار داشت، دو رکعت نماز ادا نمودند).^۲

*- همچنان پیامبر اکرم ﷺ با پیروی از فرموده خداوند جل جلاله در معشر الحرام زمان طولانی به ذکر و دعا ایستادند، خداوند جل جلاله میفرماید: ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن

رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ﴾ البقرة: ۱۹۸

یعنی: (بر شما گناهی نیست که در طلب روزی پروردگار تان برآیید، و چون از عرفات - بسوی مزدلفه - رخت بستید، خدا را

۱- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

۲- سنن ترمذی (۸۵۶) با تصحیح البانی (۶۷۹).

در مشعر الحرام یاد کنید، و یادش کنید به شکرانه آن که شما را هدایت نموده است، هر آینه پیش از این، از گمراهان بودید). ایشان در مشعر الحرام خداوند ﷻ را بسیار یاد کردند و با عاجزی و تذلل، امید و توجه، انابت و توکل و دعا و طلب بیارگه ذات یکتا رو آوردند، حضرت جابر رضی الله عنه شب مشعر الحرام را چنین به تصویر می کشید: (بعد از اینکه روشنی صبح (صادق) آشکار شد، پیامبر ﷺ با یک آذان و اقامت نماز فجر را ادا نمودند، سپس بر شتر خویش سوار شدند، تا اینکه به کوه مشعر الحرام رسیدند و روبسوی قبله کرده دست به دعا شدند، و تکبیر و تهلیل (لا اله الا الله) و خداوند ﷻ را به یگانگی، بسیار یاد نمودند، و تا زمانی به دعا و ذکر خداوند ﷻ ادامه دادند که فضا کاملاً روشن شد و قبل از طلوع آفتاب از مزدلفه بسوی منا حرکت کردند).^۱

*- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز دهم ذوالحجه یا یوم نحر، بعد از آنکه تحلل اول نمودند، عطر و خوشبویی استعمال نمودند و به سوی کعبه معظمه رهسپار شدند تا طواف افاضه را ادا نمایند،

۱- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

چنانکه از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را در منا، پیش از آنکه به خانه کعبه طواف نمایند عطر آگین نمودم).^۱

*- همچنان یکی از مظاهر تعظیم آنحضرت صلی الله علیه و آله از زمان و مکان نسک و شعایر خداوند جل جلاله آنست که ایشان در خطبه خویش فرمودند: (همانا خونها و مالهای شما در میان شما حرام است همچو حرمت این روز شما در این ماه شما و در این شهر شما)^۲، همچنان صلی الله علیه و آله فرمودند: (ارجمندترین روزها در نزد خداوند جل جلاله، روز نحر (عید قربان) سپس روز بعد آن یوم قر (روز استقرار) می باشد)^۳، یوم قر یعنی: روز یازده هم ذی الحجه یا روز دوم عید قربان است زیرا حجاج بعد از انجام اعمال روز عید، در منا استقرار یافته راحت می گیرند.

همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله میفرماید: (روز عرفه و روز نحر و ایام تشریق، روزهای عید ما اهل اسلام است، و این روزهای خوردن

۱- صحیح ابن خزیمه (۲۹۳۴)، و صحیح ابن حبان (۳۸۸۱) با اسناد صحیح .

۲- صحیح مسلم (۱۲۱۸) .

۳- سنن ابو داود (۱۷۶۵) با تصحیح البانی (۱۵۵۲) .

و نوشیدن می باشد)¹. چنانکه آنحضرت ﷺ حجاج را بر حفظ حرمت این روز های پرفیض و عدم پایمال نمودن حرمت آن ترغیب و تشویق نموده فرمودند: (وحج مقبول مکافاتی جز بهشت ندارد)²، همچنان فرمودند: (کسی که حج کند و فحش گویی نکرده و فسق ننماید، مانند روزی که مادرش او را تولد کرده بود، بی گناه) باز میگردد)³. این بیان مانند فرموده خداوند ﷻ است که میفرماید ﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ ۖ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ وَتَكْرَدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ البقره: ۱۹۷

(حج در ماهای معینی است، پس هرکس در این ماه ها، حج را بر خود لازم گردانید، پس - در حج - نه رفتی است (مقاربت با همسرو یا هرسخنی در باره آمیزش با زنان) و نه فسوقی و نه جدالی است درحج، و هر کارخیری که انجام می دهید،

۱- سنن ترمذی (۷۷۳) با تصحیح البانی (۶۲۰).

۲- متفق علیه.

۳- متفق علیه.

خداوند ﷻ آنرا میداند ، و توشه بگیرید که در حقیقت بهترین توشه تقوی است، و ای خردمندان! از من بترسید). اما اگر در حج امروزه با دقت دیده شود، اشکال و انواعی از بی حرمتی های آشکار به محرمات و حدود خداوند ﷻ و سبک شمردن اعمال حج - از بسیاری حجاج - رخ میدهد که همه نتیجه عدم قدردانی حرمت و عظمت خداوند ﷻ چنان که باید و شایسته عظمت اوست، می باشد. قسمیکه علامه ابن القیم رحمته الله در این مورد سخنی نفیسی فرموده که: (خداوند ﷻ را چنان که سزاوار اوست، قدر نگذاشتن، به این معناست: آنانیکه اوامر او تعالی را سبک و حقیر شمرده اند، راه نافرمانی و ارتکاب نواهی او را در پیش گرفته و حقوق و واجباتی که بر آنهاست ضایع نمودند، از جانب دیگر خداوند ﷻ را فراموش کرده و دلهایشان از ذکر وی غافل شده تا بلاخره هوی و هوس را بر خوشنودی الله ﷻ مقدم دانستند و طاعت مخلوق را بهتر از طاعت الله ﷻ شمردند، تا آنکه حقوق پروردگار در کردار و گفتار، و علم و عمل و مال شان مسأله بی

اهمیت و پسمانده گردیده، زیب و زینت دنیا را هدف آخری و غایت زندگی قرار داده اند).^۱

پس برادر عزیز! بر من و تو لازم است حدود، حرمت و حریمی را که الله ﷻ تعیین کرده رعایت نموده همه کردار و گفتار خویش را مطابق و موافق فرامین الله ﷻ و رسولش در همه عرصه های زندگی خویش، اعم از فرایض، واجبات، سنن و مستحبات عیار سازیم، زیرا عمل صالح و مقبول آنست که موافق شریعت باشد، و اخلاص در عمل آنست که انگیزه آن رضا و خوشنودی الله ﷻ باشد.

برادرم! در این روز های مبارک و پرفیض از ارتکاب گناه بپرهیز و باید سعی و تلاشت برانجام فرایض و مناسک با صبر و شکیبایی بوده و دیگران را نیز بر آن توصیه و سفارش کن، چون راه نجات و رستگاری در چهار خصلت خلاصه شده: ایمان، عمل صالح، توصیه به حق، و توصیه به صبر.

ولی متأسفانه امروز بسیاری از مسلمانان دوخصلت اخیر را کاملاً ترک نمودند، و در دوخصلت اولی نیز کوتاهی مینمایند.

۳- اظهار بیزاری از مشرکان و تصمیم مخالفت با آنان:

اسلام و شرک دو اندیشه متضاد است که با رسیدن یکی، دومی آن می‌کوچد، مثل شب و روز، آفتاب و مهتاب، ازینرو اولین اقدام مسلمانان بعد از برقراری امنیت وثبات در مکه، پاک‌کاری و برچیدن مظاهر و آثار شرک بود، بلکه پیامبر ﷺ این موضوع را جدی گرفته و با شتاب بخاطر محو آن دست بکار شدند، و در فتح مکه هنگامیکه وارد آن شدند در گرداگرد خانه کعبه سید و شصت بت نصب شده بود، با چوبی که در دست داشتند بر آن بتان می‌کوبیدند و این آیه کریمه را می‌خواندند:

﴿ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ ﴾ الإسراء: ۸۱ (وبگو! حق آمد و باطل نا بود شد) همچنان این آیه را نیز می‌خواندند: ﴿ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبَدِّئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴾ سبأ: ۴۹ (بگو- ای محمد به آنان - حق آمد (اسلام و توحید و قرآن) و دیگر باطل از سر نمی‌گیرد و بر نمی‌

گردد).^۱ و آنحضرت ﷺ از داخل شدن به کعبه امتناع ورزیدند تا زمانی که بتها را از آن بیرون آوردند، عبدالله ابن عباس رضی الله عنه فرمود: (هنگامیکه پیامبر خدا ﷺ وارد مکه شدند از داخل شدن به خانه کعبه خودداری نمودند، زیرا داخل آن بتها وجود داشت، سپس امر فرمودند تا بتها بیرون آورده شود).^۲ سپس هنگامیکه خداوند جل جلاله این آیت را نازل کرد: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ

نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَكَذَا

التوبة: ۲۸

(ای مؤمنان! حقیقت این است که مشرکان نجس اند، پس نباید که به مسجد الحرام نزدیک شوند بعد از این سال) آنحضرت ﷺ به اطاعت امر خداوند جل جلاله مبادرت ورزیده به ابوبکر صدیق رضی الله عنه امر فرمودند تا به مردم اعلان نماید که: (بعد از این سال (سال نهم هجرت) مشرک حق ندارد حج کند).^۳ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این حج سعی ورزیدند تا با مشرکین بطور علنی مخالفت خویش را اعلان

۱- صحیح بخاری (۴۲۸۷).

۲- صحیح بخاری (۱۶۰۱).

۳- متفق علیه .

داشته، و با پیروی از خط مشی ابراهیم عليه السلام اسلام را در بسیاری از شعایر و احکام حج بیاماید، و در یکی از خطبه هایشان به مردم اعلان نمودند که: (راه و روش ما با آنها (مشرکان) مخالف است).^۱ سپس از اعمال و کردار مشرکین اظهار برائت نموده، در خطبه روز عرفه چنین فرمودند: (آگاه باشید! هر آنچه از امور جاهلیت است در زیر دو گامم نهاده شده است و خونهای جاهلیت هدر است و اولین خونی را که از خونهای دوره جاهلیت بی اعتبار می شمارم، خون ربیعہ بن الحارث است که در قبیله بنی سعد برای شیرخوارگی داده شده بود و بوسیله قبیله هذیل بقتل رسید، و سود زمان جاهلیت بی اعتبار است و نخستین سود از سودهای مان در دوران جاهلیت را که بی اعتبار می شمارم، سود عباس بن عبدالمطلب است که همه اش را بی اعتبار اعلان میکنم).^۲ مخالفت آنحضرت ﷺ با مشرکین آشکار بود، ایشان بر این نکته تأکید می

۱- سنن بیهقی: ۱۲۵/۵، مستدرک حاکم: ۳۰۴/۲ و فرمود: مطابق شرط شیخین است و ذهبی با وی موافق است.

۲- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

ورزیدند که دین و آیین مسلمانان با ملت حق گرای ابراهیم علیه السلام یکی بوده و اختلافی وجود ندارد، بنابراین ایشان ابن مربع رضی الله عنه را به عرفات فرستادند تا به مردم اعلان بدارد که: (ای مردم بر مشاعر تان - در عرفه - باقی بمانید، زیرا شما بر سنت و طریقت ابراهیم علیه السلام قرار دارید).^۱ چون قریش وقوف در مزدلفه را اختراع نموده بودند. همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بخاطر اظهار مخالفت با مشرکین اعلان نمودند که امت ایشان از تاریخ شکوهمند و عظیمی توحید برخوردار اند که مردمان برگزیده و یکتا پرست خداوند جل جلاله در ادای این نسک پیشقدم بودند از اینرو در چند مقام، حج انبیای پیشین را از کعبه مشرفه یاد آور شدند از جمله: زمانیکه آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم از وادی ازرق می گذشتند پرسیدند: (این کدام وادی است؟ گفتند: این وادی ازرق است آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: (مثل اینکه من موسی علیه السلام را می بینم که از گردنه کوه پایین می آید و با تلبیه به درگاه خداوند جل جلاله تضرع و زاری می کند) سپس آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بر کوه هرشا آمده پرسیدند: این کدام

۱- سنن ابن ماجه (۳۰۱۱) با تصحیح البانی (۲۴۳۸).

کوه است؟ گفتند: کوه هرشا. فرمودند: مثل اینکه یونس بن متی را نگاه می‌کنم که بر شتر سرخ پر پشم سوار است و پیراهنی از پشم بر تن دارد، و افسار شترش از لیف خرماست، تلبیه می‌گوید.^۱ همچنان آنحضرت ﷺ فرمودند: (قسم بذاتیکه جانم در دست او است! عیسی بن مریم از فج الروحاء نیت احرام حج یا عمره، و یا هر دو را با همدیگر خواهد بست)^۲، اما شعایر و اعمالی که ایشان ﷺ از روی قصد، بخاطر مخالفت با مشرکین انجام دادند، عمده‌ترین آنها ذیلا یاد آور می‌شویم:

*- تلبیه: مشرکان عهد جاهلیت تلبیه را با کلمات شرکی آمیخته نموده می‌گفتند: (الاشریکا هولک، تملکه و ما ملک).^۳ یعنی: (مگر شریکی داری که در ملکیت تو قرار دارد و مالک چیزی نیست). اما تلبیه ای که پیامبر خدا ﷺ به امتشان تعلیم دادند، تعهد به دوام عبودیت و عاجزی و ذلت، اخلاص، و اعتراف به

۱- صحیح مسلم (۱۶۶) و کوه هرشا در راه مدینه و شام، نزدیک جحفه قرار دارد.

۲- صحیح مسلم (۱۶۶) با شرح نووی.

۳- متفق علیه .

یگانگی و عظمت خداوند جلّ و علا را در بر دارد، پس شعار توحید، روح و مقصد تمامی عبادتهاست، و تلبیه کلید این عبادت بزرگ است که فقط با آن میتوان به حج داخل شد.

*- پیامبر ﷺ با حضور یافتن شان در موقف بزرگ عرفات مخالفت خویش را با کفار و مشرکین قریش اظهار نمودند، زیرا قریش و قبایل هم کیش آن، قبلا در مزدلفه وقوف می کردند و می گفتند: ما (اهل الله) و حرم نشینان او هستیم، و جز از داخل حدود حرم، از جای دیگر به سوی منی روانه نمی شویم.^۱

*- همچنان پیامبر خدا ﷺ بخاطر مخالفت با مشرکین، از عرفه بعد از غروب آفتاب روانه مزدلفه، و از مزدلفه بسوی منی قبل از طلوع آفتاب روانه شدند، زیرا مشرکین عهد جاهلیت، عرفه را قبل از غروب آفتاب ترک می نمودند و مزدلفه را بعد از طلوع آفتاب، چنانکه از مسور بن مخرمه رضی الله عنه روایت شده که فرمود: (پیامبر خدا ﷺ در عرفه خطبهٔ بما ایراد نمودند. ایشان رضی الله عنهم در این خطبه بعد از ثنا و ستایش خداوند جلّ و علا چنین فرمودند: (همانا

مشرکین و بت پرستان از اینجا (عرفه) نزدیک غروب آفتاب، هنگامیکه آفتاب بر سرکوه ها مانند عمامه که بر سر مردان می باشد، حرکت می نمودند پس روش ما با آنها مخالفت دارد، و از مشعر الحرام هنگام طلوع خورشید از بالای کوه ها که مانند عمامه سر مردان می باشد، روانه منا می شدند، پس راه و روش ما با آنها مخالف است).^۱

در روایت عمرو بن میمون چنین آمده که فرمود: (ما با عمر فاروق رضی الله عنه حج نمودیم، هنگامیکه می خواستیم از مزدلفه روانه منا شویم فرمود: مشرکین می گفتند: (ای آفتاب! بر کوه ثبیر بتاب تا بسوی منا بشتابیم) و روانه منا نمی شدند تا آنکه آفتاب طلوع میکرد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنها مخالفت شان را اعلان نموده قبل از طلوع آفتاب بسوی منا حرکت نمودند).^۲

۱- سنن بیهقی: ۱۲۵/۵ و مستدرک حاکم: ۳۰۴/۲ حاکم فرمود: این حدیث مطابق شروط شیخین

میشود. وهیثمی در مجمع الزوائد ۲۵۵/۳ فرموده: راویانش، راویان صحیح اند.

۲- صحیح بخاری (۱۶۸۴)، و سنن ابن ماجه (۳۰۲۲).

*- چنانکه آنحضرت ﷺ بعد از ادای حج، ام المومنین عایشه رضی الله عنها را عمره دادند، تا با رسم و رواج مشرکان مغایرت صورت گیرد، زیرا مشرکان عمره بعد از حج را روا نمی دیدند تا آنکه ماه صفر داخل گردد. قسمیکه از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: (سوگند به خداوند! آنحضرت ﷺ عایشه رضی الله عنها را در ماه ذی الحجه بمنظور مخالفت با مشرکان عمره دادند، زیرا قریش وهم کیشان شان می گفتند: هرگاه پشم شتران بسیار گردد، وزخمهای پشت آنها عافیت یابد، و ماه صفر داخل گردد، پس از آن عمره برای کسیکه بخواهد، روا گردد، آنها عمره را در ماه ذی الحجه و محرم، حرام می دانستند).^۱

*- همچنان پیامبر خدا ﷺ بمنظور به خشم آوردن مشرکین، در اماکنی که آنها به خداوند جل جلاله و پیامبرش کفر ورزیده و اعلان دشمنی نموده بودند، شعایر و مراسم دین اسلام را بر پا و عملی نمودند، طوریکه در منا فرمودند: (فردا در خیف بنی کنانه از وادی محصب فرود خواهیم آمد، جایی که مشرکان قریش و بنی کنانه

۱- سنن ابو داود (۱۹۸۷) با تحسین البانی (۱۷۵۰).

گرد آمده و بر ضد بنی عبدالمطلب با هم پیمان بستند که با آنان خویشاوندی نکنند، و خرید و فروش ننمایند، تا آندم که رسول خدا ﷺ را برای کشتن به آنان تسلیم نمایند.^۱ لیکن خداوند عزوجل نه تنها نیرنگ و توطیئه مصمم گشته آنان علیه رسول اکرم ﷺ را محو و نا بود ساخت، بلکه برنامه و دسیسه های شان را دگرگون ساخته و ناکام و نا امید شده به مقصود نرسیدند. سپس پیامبر خویش را نصرت بخشید و کلمه توحید را بلند و دین و آیین راست و مستقیم خود را کامل نمود. ابن قیم رحمته الله میفرماید: (آنحضرت ﷺ همیشه سعی می ورزیدند تا در جاهایی که مراسم و شعایر کفر به اجرا در می آمد، شعار توحید را بلند و پا برجا نمایند، چنانکه امر فرمودند تا در موضع بتهای لات و عزی در طایف، مسجد بنا گردد)^۲. مخالفت با مشرکین منحصر به اعمال پیامبر ﷺ نبوده بلکه اصحاب کرام را نیز در مواردی که به آنها ارتباط می گرفت امر می فرمودند، مانند امر ایشان به مسلمانان

۱- صحیح بخاری (۱۵۹۰).

۲- زاد المعاد: ۲/ ۱۹۴.

غیر قریش اینکه احرام ببندند تا با فرامین مشرکین که آنرا خود پدید آورده بودند، مخالفت صورت گیرد، زیرا مشرکان قریش مردمان غیر قریش را که برای طواف می آمدند امر مینمودند تا با لباسهای شان طواف نمایند و اگر کسی احرام بر تن میداشت اجازه طواف را نداشت، مگر اینکه برهنه طواف نماید!

لیکن پیامبر ﷺ در سال نهم هجرت امر فرمودند تا در حج اعلان گردد که (بعد از امسال نباید شخصی برهنه به خانه کعبه طواف نماید).^۱

همچنان آنحضرت ﷺ به آن عده یارانشان که قربانی را با خود نبرده بودند امر فرمودند تا حج تمتع نمایند، تا مخالفت با نسک و مراسم مشرکین صورت گیرد، زیرا مشرکین عمره نمودن در ماه های حج را از زشت ترین گناهان و گستاخی با ماه های حج می شمردند.^۲ چنانکه پیامبر ﷺ انصار را امر نمودند تا میان صفا و مروه مخالف با رسم جاهلیت، سعی نمایند: (میان صفا و مروه

۱- صحیح بخاری (۱۶۲۲).

۲- صحیح بخاری (۷۲۳۰).

سعی نمایید زیرا خداوند جل و علا آنرا بر شما لازم گردانیده است).^۱ انصار در عهد جاهلیت چنین عادت داشتند که در وقت اراده حج، بنام بت های شان نیت حج می کردند و سعی میان صفا و مروه را گناه می شمردند، چنانکه ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها این موضوع را به عروه بن زبیر بیان نمود: (عروه بن زبیر رضی الله عنه به خاله اش حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها گفت: بنابر این آیه (کسی که بین صفا و مروه سعی ننماید، بروی گناهی نیست) باکی نیست که بین این دو طواف ننمایم، عایشه رضی الله عنها فرمود: خواهر زاده عزیزم! اگر معنای آیه طوری که تو تأویل نمودی می بود، چنین می گفت: (باکی نیست که طواف ننماید)، ولی این آیه در باره انصار نازل گردید که پیش از مسلمان شدن، در وقت اراده حج به نام بت (منات) که یکی از معبودان آنها بود، و روی تپه بلندی قرار داشت، نیت حج می کردند، و از سعی نمودن بین صفا و مروه خود داری نموده آنرا گناه می شمردند، هنگامی که مسلمان شدند، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم از حکم سعی بین صفا و مروه پرسیده گفتند: یا رسول الله!

۱- صحیح ابن خزیمه (۲۷۶۴) این حدیث صحیح است.

ما از سعی نمودن میان صفا و مروه احساس گناه می کردیم، و همان بود که این آیت مبارکه نازل گردید: ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ

سَعَاءِ اللَّهِ ط﴾ البقرة: ۱۵۸

(درحقیقت صفا و مروه از شعایر الهی است). همانا خداوند جل جلاله حج و عمره کسی را که میان صفا و مروه سعی نکند، کامل نمی گرداند).^۱ لذا ابن قیم رحمه الله نگاشته است: (شریعت اسلام در همه امور بویژه مناسک، بر مخالفت مشرکین انجام یافته است).^۲

پس خوشا به حال کسیکه راه و روش پیامبر ﷺ را سرمشق زندگی خویش قرار داده در هر قدم پیرو سنت ایشان بوده و از واقع شدن در مخالفت با ایشان بشدت حذر کرده و از پیروی یا مشابهت با مشرکین اجتناب می نماید، زیرا آنحضرت ﷺ در تمام امور زندگی با مشرکان مخالفت نموده و فرموده اند: (کسیکه از قومی تقلید کرد پس وی از آنهاست).^۳ همچنان آنحضرت ﷺ

۱- متفق علیه.

۲- حاشیه ابن قیم بر سنن ابو داؤد: ۱۴۶،/۵

۳- سنن ابو داود (۴۰۳) با تحسین و تصحیح البانی (۳۴۰۱).

فرموده اند: (کسیکه مردمی را دوست بدارد با آنها حشر خواهد شد).^۱

۴- دعا و نیایش و اظهار عاجزی پیامبر خدا ﷺ در برابر پروردگار ﷻ:

دعا مقام و منزلت رفیع و شأن والایی دارد، زیرا بنده مسلمان در دعایش حضور قلب داشته، خشوع و شکستگی و عاجزی ببارگاه خداوند ﷻ را اظهار می نماید، پس بنابر منزلت بزرگ و مقامی که دعا میان سایر عبادات دارد، پیامبر ﷺ آنرا عبادت واقعی و حقیقی خوانده میفرمایند: (دعا خودش عبادت است).^۲ یعنی: رکن اساسی عبادت دعاست، زیرا بنده در دعایش تنها از خداوند ﷻ مسألت و طلب نموده، جز الله ﷻ از هیچکس استعانت، نصرت و شفا نمی جوید، چنانکه آنحضرت ﷺ فرموده

۱- مستدرک حاکم ۱۹/ ۳ بدون سند، لیکن حاکم بر صحت آن تاکید ورزیده است، و شاهدی که آنرا تقویت می بخشد حدیثی که در بخاری به شماره (۶۱۶۹) ذکر است (شخصی همراه کسی است که دوستش میدارد) وحدیثی دیگر: (تو در روز قیامت همراه کسی حشر میشوی که دوستش میداری) متفق علیه.

۲- سنن ترمذی (۲۹۶۹) با تحسین و تصحیح البانی (۲۵۹۰).

اند: (هیچ چیزی گرمی و ارجمند در نزد خداوند ﷻ مانند دعا وجود ندارد).^۱

پیامبر گرمی ﷺ در حج با جدیت کامل به اطاعت و عبادت پروردگار مشغول بودند و برای حصول رضا و خوشنودی او تعالی بشدت تلاش می نمودند. ایشان در طواف^۲ و در هنگام ایستادن بر کوه صفا و مروه، و در روز عرفه به زاری و التماس با اوقات طولانی به خداوند ﷻ پرداختند. آنحضرت ﷺ در روز عرفه در حالیکه بر شتر شان سوار بودند، دستان مبارکشان را نزدیک به سینه شان بلند نموده مانند مسکینی که طعام بخواهد، از آغاز ایستادن در موقف عرفات، بعد از ادای نماز ظهر تا غروب آفتاب رو به سوی قبله دعا می کردند، چنانکه آنحضرت ﷺ در مزدلفه و مشعرالحرام، بعد از ادای نماز صبح آنقدر دعا کردند تا اینکه هوا روشن شد، قبل از اینکه آفتاب طلوع کند.^۳ و در ایام

۱- صحیح ابن حبان (۸۷۰) با اسناد حسن.

۲- سنن ابو داود (۱۸۹۲) با تحسین البانی (۱۶۶۶).

۳- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

تشریح نیز ایشان بعد از سنگ انداختن بر جمره کوچک و وسطی، جلو رفته فاصله می گرفتند و آنگاه رو به طرف قبله ایستاده دستان شان را بلند می کردند و تا مدت دیر دعا می نمودند.^۱ ابن قیم رحمته الله علیه می فرماید: (آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم به اندازه تلاوت سوره بقره ایستاده و دعا می کردند).^۲ این روایاتی است که در مورد دعای طلب حاجات از الله جل جلاله، از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است، اما دعا های متعلق به ذکر و ثنا و ستایش پروردگار که از ایشان روایت شده بسیار زیاد است و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم هیچگاهی آنرا ترک نکرده اند، چنانکه ثابت است که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم از اولین گامی که از میقات ذی الحلیفه برداشتند تا آخرین لحظات برگشت و ورود به مدینه نبوی در تمام این مدت، زبان مبارک شان به ذکر خداوند جل جلاله، با گفتن ثنا و ستایش پروردگار طوری که شایسته آن است، و تلبیه و تکبیر و تسبیح و ذکر (لا إله إلا الله) و (الحمد لله)

۱- صحیح بخاری (۱۷۵۱).

۲- زاد المعاد: ۲/ ۲۸۵، شاید استنادی وی فعل عبد الله ابن عمر رضی الله عنهما که بیهقی آنرا نقل نموده است

باشد: از وبره نقل است که فرمود: (ابن عمر رضی الله عنهما بعد از سنگ ریختن به جمره در پهلو چپ آن

ایستاد دعا نمود، به اندازه که اگر میخواستی، سوره بقره را تلاوت می کردی) سنن بیهقی ۵/ ۱۴۹.

مشغول می بود، خلاصه در همه حالات چه سوار و یا پیاده، ذکر خداوند ﷻ را رها نکرده اند، و هر که در صفات حج آنحضرت ﷺ دقت نماید، به این نکته پی خواهد برد.^۱ و نکته مهمی دیگری که باید یاد آور شد آنست، آنچه که از دعا و ثنا و ستایش و نیایش پیامبر ﷺ با پروردگار شان نقل شده است، نسبت به سایر امور حج بسیار کم است، زیرا این امر متعلق به رابطه و پیوند سری بنده با پروردگارش بوده و هر کسی با خداوند ﷻ راز و نیاز و طلب حاجاتی داشته و بوی محتاج است، لیکن آنحضرت ﷺ بمنظور تعلیم امت بعضی از دعاها را جهراً خوانده اند تا سرمشق همیشگی به امت گردد، قسمیکه حدیث جابر رضی الله عنه براین امر دلالت می کند که: (آنحضرت ﷺ این آیت را ﴿وَأَتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ رَبِّهِمْ مُصَلًّى﴾ با آواز بلند تلاوت نمودند تا مردم بشنوند).^۲

۱- بطور مثال به احادیث زیر مراجعه شود: صحیح بخاری شماره های: ۱۵۴۴، ۱۵۵۰، ۱۷۵۰،

۱۷۵۱، ۱۷۹۷. و صحیح مسلم (۱۲۱۸)، و سنن ترمذی (۳۵۸۵) با تصحیح البانی (۲۸۳۷).

۲- سنن نسایی (۲۹۶۱) با تصحیح البانی (۲۷۷۱).

و آشکار است که هدف از برپا نمودن مراسم حج، ذکر خداوند ﷻ است طوری که آیت کریمه ذیل به آن اشاره نموده است، خداوند ﷻ میفرماید:

وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱۹۹﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن خَلْقٍ ﴿۲۰۰﴾ وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۲۰۱﴾ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿۲۰۲﴾ وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَن تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ

وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿البقرة: ۱۹۹-۲۰۳﴾

(پس چون مناسکتان را ادا نمودید، پس همان گونه که پدران تان را یاد می کنید یا بهتر و بیشتر از آن، خداوند ﷻ را یاد کنید. پس از مردمان کسانی هستند که میگویند: پروردگارا در همین دنیا به ما عطا کن و حال آنکه، برایش در آخرت نصیبی نیست، و از آنان

کسانی هستند که میگویند: پروردگارا! به ما در دنیا بهره نیک و در آخرت هم بهره نیک عطا فرما و ما را از عذاب دوزخ در امان بدار، اینانند که از - جنس - آنچه که به عمل آورده اند، آنان را بهره ای است و الله سریع الحساب است، و خداوند ﷻ را در روزهایی معین یاد کنید) یعنی در ایام تشریق. همچنان فرموده او تعالی: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ

مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنْ بَهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ ۗ﴾ الحج: ۲۸

(تا شاهد منافی برای خویش باشند و تا نام خداوند ﷻ را در روزهای معلومی یاد کنند بر ذبح آنچه که الله به آنان از چهار پایان مواشی روزی داده است). بلکه همه اعمال و شعایر حج بمنظور ذکر خداوند ﷻ وضع شده است، قسمیکه حدیث عایشه رضی الله عنها بر این موضوع گواه است: (همانا طواف به کعبه و میان صفا و مروه، و سنگ پرتاب کردن بر جمره ها از برای ذکر خداوند ﷻ است).^۱

۱- جامع ترمذی (۹۰۲) با تصحیح و تحسین ترمذی، و سنن ابی داود (۱۸۸۸)، و مستدرک حاکم: ۱/ ۴۵۹ با تصحیح حاکم و موافقت ذهبی با وی، و مخالفت البانی با آنها بر تضعیف آن (۲۰۵۶).

و حدیث نبیشه الهدلی رضی الله عنه که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرموده اند: (ایام تشریق روزهای خوردن و نوشیدن و ذکر خداوند جل جلاله است).^۱

ملاحظه می گردد، دعاهاى که از پیامبر صلی الله علیه و آله در حج روایت شده همه دعاهاى جامع و عام است مانند دعای ایشان میان دو رکن (یمانی و حجر الأسود): (ربنا آتنا فى الدنيا حسنة وفى الآخرة حسنة و قنا عذاب النار).^۲ یعنی: (پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا فرما و ما را از عذاب دوزخ نجات ده) لذا خوشبخت و رستگار کسی است که خود را ملزم به پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله دانسته و اعمال خویش را با سنت ایشان مزین کند، و با حضور قلب و توجه کامل، و خشوع و شکستگی، و اظهار بیچاره گی و ذلت و عاجزی به بارگاه پروردگار روی آورده و قبل از عرض حاجاتش توبه و استغفار صادقانه کرده و با اصرار شدید حاجتش را از خداوند جل جلاله خواسته و به اسماء و صفات گرانقدرش به پیشگاه او توسل بجوید، و از ضایع نمودن اوقات در امریکه

۱- صحیح مسلم (۱۱۴۱).

۲- سنن ابی داود (۱۸۹۲) با تحسین البانی (۱۶۶۶).

سودی بوی نمی رساند اجتناب ورزیده و در دعای خویش، زحمت، مشقت و سختی های دنیا را از خداوند طلب نکند.^۱

۵- خشم و غضب بخاطر خداوند ﷻ و بازایستادن

در حریم ارزشهای شرعی:

خشم در راستای دفاع از دین خداوند ﷻ، و حیثیت، جان، مال و سایر ارزشهای مسلمان، و توقف نمودن وی در حریم تعیین شده شرعی، علامه ایمان، تقوای عالی، صدق، اخلاص و کمال بندگی بشمار می رود، پیامبر خدا ﷺ که پرهیزگارترین مردمان بودند، بخاطر حفظ حرمت دین خشمگین می شدند و در عین زمان آگاه ترین مردمان به حدود و حرمت دینی بودند. در رابطه با خشم و غضب پیامبر خدا ﷻ بخاطر خدای ﷻ و حفظ حرمت و ارزشهای دینی، نمونه های از مواضع ایشان در حج هویدا شده است که به برخی از این مواضع اشاره می نمایم:

۱- در تفسیر ابن کثیر ۵۵۹/۱ اثری از انس رضی الله عنه در مورد عدم طلب نمودن سختی در دنیا ذکر است که به آن مراجعه شود.

*- آنحضرت ﷺ در میقاتگاه ذوالحلیفه یک شبانه روز کامل را سپری نمودند تا کسانیکه عزم حج را دارند به ایشان پیوندند، و همچنان به امر پروردگار سبحان نماز بگذارند، قسمیکه از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که فرمود: (از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در وادی عقیق شنیدم که می فرمودند: (شب گذشته جبریل علیه السلام از جانب پروردگار آمد و فرمود: در این وادی مبارک نماز بخوان، و نیت کن که اعمال عمره را با اعمال حج یکجا انجام دهی).^۱ زیرا نظر به قول برگزیده شده، آنحضرت ﷺ روز شنبه بعد از آنکه نماز ظهر را در مسجد شان چهار رکعت خواندند، رهسپار ذوالحلیفه میقات اهل مدینه شدند، و روز یکشنبه بعد از ادای دو رکعت نماز مسافرانۀ ظهر، بسوی مکه مکرمه حرکت نمودند.^۲ ابن کثیر رحمته الله چنین فرموده است: (چنان ظاهر می گردد که امر شدن ایشان صلی الله علیه و آله و سلم به نماز در وادی عقیق، در حقیقت امری از جانب خداوند جل جلاله بر

۱- صحیح بخاری (۱۵۳۴)، وادی عقیق از شهر مدینه چهارمیل فاصله دارد، همچنان از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرمود: (هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در ذوالحلیفه استراحت کرده بودند، در خواب دیدند که کسی برایشان گفت: تو در وادی مبارکی قرار داری) صحیح بخاری (۱۵۳۶).

۲- سیرت نبی ابن کثیر: ۲۱۵/۴، و زاد المعاد ۲/۱۰۲.

اقامت گزیدن آنحضرت ﷺ بود تا نماز ظهر روز بعدی را نیز ادا نمایند، زیرا امر به نماز در وادی عقیق در شب صورت گرفت، و ایشان اصحاب را بعد از نماز صبح آگاهی دادند، که در این صورت جز نماز ظهر، نماز دیگری در پیشرو نبود، لذا خداوند عزوجل بوسیله جبریل امر فرمود تا این نماز را در آن وادی مبارک ادا نمایند).^۱ پس درچنین توقف و انتظار طولانی، زحمت و مشقت آشکارا بر مسافری که ده ها هزار نفر را در رکاب دارد هویداست.

* - آنحضرت ﷺ در مکه از احرام بیرون نیامدند، زیرا ایشان قربانی را با خود برده بودند، لیکن بخاطر رعایت حال اصحاب، کسانی را که با خود قربانی نبرده بودند، دستور دادند تا بعد از ادای عمره، از احرام بیرون آیند، و بجای نیت حج، نیت عمره نمایند، ولی برخی از اصحاب پیامبر ﷺ در اجرای امرایشان تاخیر نمودند، به این گمان که مسأله شاید اختیاری باشد، حتی بعضی از آنان نظر به بی رغبتی شان در بیرون آمدن از احرام گفتند: (ما به منا میرویم درحالیکه از ذکرهای ما منی بچکد!) یعنی: اگر از احرام

۱- سیرت نبی از ابن کثیر : ۴ / ۲۲۲ .

بیرون بیایم و سپس با همسران مان همبستر شده جماع نمایم چگونه میشود که متصل به این عمل، نیت حج نموده وبه طرف منا برویم، زیرا انسان در وقت حج باید از انجام دادن چنین اعمالی دور باشد، با شنیدن همچو عبارات و عدم تنفیذ دستور ایشان، آنحضرت ﷺ بنخاطر خداوند جلّ و علا، که چون ایشان فرستاده اوست و از ایشان نا فرمانی صورت گرفته است، از میان اصحاب برخوردار بر ام المؤمنین عایشه صدیقه کبریّه داخل شدند، در حالیکه در چهره مبارک شان آثار خشم و غضب دیده میشود، حضرت عایشه کبریّه فرمود: (ای رسول خدا! چه کسی شما را خشمگین و ناراحت نموده است، که با این کار وارد دوزخ خواهد شد؟!)

آنحضرت ﷺ فرمودند: آیا ندانستی که مردم را به کاری دستور دادم، لیکن در تنفیذ آن متردد هستند، و اگر آینده کارم را می دانستم اینچنین نمی کردم، - قربانی نمی آوردم - و آن را عمره قرار می دادم، و قربانی را از مکه خریداری می کردم، سپس مانند

آنها از احرام بیرون می آمدم).^۱ آنحضرت ﷺ بیرون آمدند و میان اصحاب کرام ایستاده فرمودند: (چنانکه خوب میدانید، من با تقوا ترین و صادق ترین و نیکو ترین بنده خدا نسبت به همه شما هستم، اگر من هدی (قربانی) را با خود نمی آوردم، همین کاری را که به شما میگویم، انجام می دادم، پس از احرام خارج شوید).^۲ صحابه رضی الله عنهم چون این سخن را شنیدند، موافق دستور پیامبر خدا ﷺ عمل نمودند .

* - همچنان آنحضرت ﷺ هنگامیکه از عادت ماهانه ام المومنین صفیه رضی الله عنها آگاه شدند، درحالیکه ایشان رضی الله عنهما نمیدانستند که صفیه رضی الله عنها در روز نحر (عید) طواف فرضی را انجام داده است، وبعد از آن قاعده - معذور - شده است، آنحضرت ﷺ فرمودند: آیا او حبس کننده و نگهدارنده ما - از بر گشتن به مدینه - است؟^۳

۱- صحیح مسلم (۱۲۱۱) .

۲- متفق علیه .

۳- صحیح بخاری (۱۷۷۲) .

زیرا اگر اینکار میشد، مسلمانان در تنگنا شدید قرار می گرفتند، چون بخاطر وی (صفیه رضی الله عنها) باید همه مردم انتظار مانده و مشقت بزرگی را تحمل می شدند.

پس ای بنده خدا! بهترین مردمان روی زمین حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را قدوة و سر مشق امور خویش گردان، و از جمله کسانی باش که هنگام پایمال شدن حرمت و ارزشهای دینی، بخاطر خوشنودی خداوند جل جلاله خشمناک می شوند و از حریم خداوندی و اوامر و نواهی او تعالی سر نمی پیچند و از عمل به طاعت وی صلی الله علیه و آله و سلم سر باز نمی زنند، پس از این چنین اعمال زشت پرهیزکن، زیرا یکی از اسباب هلاکت و درفتنه واقع شدن بنده مسلمان میگردد، طوریکه خداوند جل جلاله فرموده است: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ النور: ۶۳ (پس کسانی که از فرمان او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) تمرد می کنند، باید برحذر باشند از آن که، فتنه ای به ایشان رسد یا به عذابی درد ناک گرفتار شوند).

و اگر خواهان پیروزی و رستگاری در دنیا و آخرت هستی پس در همه برنامه های زندگی از فرامین و دستاویز پیامبر ﷺ فرمانبرداری نموده و آنرا سرمشق زندگی خویش قرار ده، چنانکه پیامبر ﷺ فرموده اند: (از آنچه شما را منع کردم پرهیز نمایید و به آنچه شما را دستور داده ام آنرا بجای آورید تا اندازه که توانایی آنرا دارید، که همانا کسانی که پیش از شما بودند، بسبب سوال های بسیار و اختلاف شان بر پیامبران شان نیست و نابود شدند).^۱ و وصیت عارف را هیچگاه فراموش مکن که فرموده است: (هرگاه به این عبارت در کتاب خداوند ﷻ برخوردی (یا ایها الذین آمنوا) (ای مومنان) پس به آن گوش فرا داده و دقت نما که ترا به خیری امر می کند، و یا اینکه از شری ترا باز می دارد).^۲ و مبادا از آن غافل شوی، زیرا غفلت و روی گردانی از آن، یکی از اسباب بدبختی، و محروم شدن بنده از سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت است.

۱- متفق علیه

۲- این سخن از فرموده های عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه می باشد: سنن سعید بن منصور (۸۴۸).

۶- فروتنی، آرامش و وقار:

حضور و سکون قلب، در متانت اعضا و وقار انسان آشکار میگردد، زیرا ظاهر بنده نمایندگی از باطن وی می کند، پیامبر خدا ﷺ در حج با این دو صفت حمیده آراسته بودند، ایشان ﷺ با قلب آرام و بدون اندیشه و نگرانی به مناسک خویش را با کمال بنده گی به خداوند جلّ و علاه و درانتهای شکسته نفسی و اظهار عاجزی به خداوند سبحان، و با چشمان پر از اشک، و گریه و ناله و زاری به بارگاه الله تبارک و تعالی، با دستان بلند به دعا و ثنای خداوند و ایستادن طولانی^۱، انجام دادند که روایات متعددی در این مورد ذکر شده است از جمله: فرموده حضرت جابر رضی الله عنه که حالت آنحضرت ﷺ را در وقت طواف چنین بیان نموده است: (پیامبر خدا ﷺ بعد از لمس نمودن حجرالأسود، در حالیکه اشک از چشمان شان جاری بود، سه دور

۱- فتح الباری از ابن حجر: ۲ / ۲۶۴ .

۲- روایات زیادی در این مورد ذکر شده بطور مثال: صحیح بخاری شماره (۱۷۵۱) و صحیح مسلم شماره (۱۲۱۸) .

طواف را شتابان، و چهار دور طواف دیگر را با رفتار عادی انجام دادند، و هنگامیکه از طواف فارغ شدند، حجرالاسود را بوسیدند و دستان شان را بر آن گذاشتند سپس بر روی مبارکشان مسح نمودند.^۱

همچنان از سالم ﷺ نقل شده که ابن عمر رضی الله عنهما جمره کوچک را به هفت سنگریزه می زد و با زدن هر سنگریزه تکبیر می گفت، بعد از آن پیش می رفت تا به همواری می رسید، در آنجا روی به قبله، مدت طولانی دست هایش را بالا کرده دعا می نمود. بعد از آن جمره میانه را با سنگریزه می زد، بعد از آن طرف شمال را می گرفت تا به همواری می رسید، در اینجا نیز روی به قبله مدت طولانی دست هایش را بالا کرده و دعا می کرد، بعد از آن جمره عقبه را از قسمت پایانی وادی رمی می کرد، و در آنجا توقف نمی کرد، بلکه بر می گشت و می فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که

۱- سنن کبری از بیهقی: ۷۴/ ۵، و ابن کثیر رضی الله عنه در سیرت نبی فرموده: اسناد آن جید است ۳/ ۳۱۷.

همین طور می نمودند).^۱ چنانکه آنحضرت ﷺ با متانت و وقار، و آرامش خاطر و اعضا، با سیر نرم و آرام، مناسک را ادا نمودند، قسمیکه جابر رضی الله عنه روایت نموده است که آنحضرت ﷺ درحالی روانه منا شدند که سکون و آرامش برایشان هویدا بود).^۲

فضل بن عباس رضی الله عنه نیز روایت نموده که: (هنگامیکه پیامبر خدا ﷺ از عرفه حرکت نمودند با سکون و آرامی سیر می نمودند تا آنکه به مزدلفه رسیدند).^۳

همچنان عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت نموده که وی در روز عرفه با پیامبر خدا ﷺ به طرف مزدلفه می آمد، در این هنگام

۱- صحیح بخاری (۱۷۵۱، ۱۷۵۳)، ابن قیم رحمته الله علیه در مورد عدم توقف آنحضرت ﷺ بعد از زدن جمره عقبه فرموده است: شاید بخاطر تنگی مکان در وادی منا توقف نکردند، و گفته شده است: آنحضرت ﷺ براین عادت بودند که در وسط عبادت دعا می نمودند و ثابت نشده که بعد از فارغ شدن از عبادت دعا نموده باشند و هرکسی روایت کرده که ایشان رضی الله عنه بعد از فارغ شدن از عبادت دعا نموده اند، مرتکب اشتباه بزرگی شده است، زاد المعاد: ۲/ ۲۸۶.

۲- سند احمد با اسناد صحیح (۱۸۱۶).

۳- صحیح بخاری (۱۶۷۱)، عمر بن عبد العزیز رضی الله عنه از این حدیث استدلال نموده در خطبه روز عرفه به مردم فرمود: (پیشی گرفتن در تیز رانی اسپ و شتر نیست، بلکه سبقت کسی جسته که مورد عفو خداوند ﷻ قرار گرفته باشد) فتح الباری: ۵۲۲/۳.

پیامبر خدا ﷺ از پشت سر هیاهوی مردم و زدن شتران را شنیدند، ایشان ﷺ با تازیانه که بدست داشتند، به سوی مردم اشاره نموده و فرمودند: (ای مردم! آرام و با وقار باشید، ثواب و خیر در شتاب و تیز رفتن نیست).^۱

پس برادر عزیز، حاجی محترم! سعی و تلاشت این باشد که حج و سایر عبادات صرف برای خدا ﷻ و مطابق سنت رسول اکرم ﷺ باشد، و در ادای مناسک حج از شتاب اجتناب نموده، وقار و آرامش، و اطمینان و حضور قلب را فراموش مکن، و در کردار و گفتار خویش دقت نموده معنا و هدف آنرا درست درک کن، زیرا اینکار باعث می شود تا در همه اعمالت حکیمانه تصرف نموده و باطل را از حق تمیز نمایی.

حج را با راحت خاطر انجام بده و از اعمال مردمان جاهل که میخواهند هرطور شود ولی زودتر مراسم حج را بپایان برسانند و به خانه های شان برگردند، در حذر باش، زیرا زبان حال آنها چنین می گوید که: پروردگارا! ما را از این مراسم به راحتی بیار، و نمی

گویند که: پروردگارا! با برپا داشتن مراسم حج، بما اطمینان و راحت خاطر نصیب فرما.

۷- خیرخواهی و پیشبردن آن:

الله ﷻ بندگان را به تقوا و سبقت جستن در امور خیر تشویق و

ترغیب نموده است، چنانکه خداوند ﷻ میفرماید: ﴿وَتَكَزَّوْا

فَائِكِ حَيْرَ الزَّادِ النُّفُوى﴾ البقرة: ۱۹۷

(وتوشه بگیرید که در حقیقت بهترین توشه تقواست) همچنان

خداوند ﷻ میفرماید: ﴿وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ

عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ آل عمران: ۱۳۳

(وبشتابید بسوی آمرزشی از جانب پروردگار خویش و بهشتی که

پهنای آن مانند عرض آسمانها و زمین است، برای پرهیزگاران

آماده شده است).

و همچنین آنحضرت ﷺ براساس پیشی گرفتن در امور خیر و

عهده دار شدن آن مانند همیشه، در ایام حج نیز بر آن تلاش می

ورزیدند، که چند مظهر از مظاهر آنرا خدمت تان پیشکش می
نمایم:

*- حرص، دقت و تلاش جدی پیامبر ﷺ در عملی نمودن
مستحبات نسک حج مانند: غسل نمودن برای احرام، خوشبو
کردن جسم مبارکشان قبل از نیت احرام و بعد از بیرون آمدن از
آن، و بریدن کوهان شتران قربانی و آویختن قلاده بر آنان، و تلبیه
گفتن ایشان با صدای بلند تا آنکه به جمره بزرگ رسیده و
سنگریزه ریختند، و معظم شمردن کعبه و آغاز مناسک از آن که با
طواف آغاز یافت، و دویدن آرام ایشان در سه دور اول طواف،
و لمس کردن رکن یمانی، و ادا نمودن دو رکعت نماز بعد از
طواف، پشت مقام، و دعای ایشان بر کوه صفا و مروه، و سرعت
ایشان در همواری وادی میان کوه صفا و مروه، و ذکر خدا گفتن
ایشان هنگام لمس کردن رکن یمانی و حجر الاسود، و هنگام

پرتاب نمودن سنگریزه بر جمره ها^۱، و سایر سنت های حج که بسیار اند.

*- همچنان پیامبر خدا ﷺ در حرکت از مزدلفه بسوی منا قصدا تأخیر نمودند تا اینکه فضا قبل از طلوع آفتاب کاملا روشن شد، هرچند که میتوانستند بخاطر وجود خانواده و ضعیفانی که همراه داشتند، قبلا حرکت کنند.^۲

*- چنانکه آنحضرت ﷺ بخاطر سبقت در کارهای خیر، صد شتر را قربانی نمودند، هرچند میتوانستند در هفتم حصه^۳ یک شتر یا گاو شریک شوند، و یا یک گوسفند را قربانی نمایند، لیکن حرص شدید ایشان نسبت به اعمال خیر بود که تعداد زیاد شتران را قربانی نمودند.^۳

۱- صحیح بخاری شماره های (۱۵۳۹) و (۱۵۴۵) و (۱۶۹۷) و (۱۶۱۵) و (۱۷۵۱). و صحیح مسلم شماره های (۱۱۸۴) و (۱۲۱۸) و جامع ترمذی شماره های (۸۳۰) و (۸۵۶) با تصحیح البانی (۶۶۴) و (۶۷۹) و مسند احمد (۴۶۸۶).

۲- متفق علیه .

۳- صحیح بخاری (۱۶۸۸)، زاد المعاد: ۲۲۱/۲، و حجه الوداع از ابن حزم (۱۳۹).

نکته قابل ملاحظه اینست که آنحضرت ﷺ همه مناسک و مراسم حج را خودشان پیش بردند و در اموری که امکان وکالت و یا نیابت وجود هم داشت، باز هم خود ایشان آنرا انجام میدادند، مگر اینکه ضرورتی ایجاب می کرد، طوری که در ذبح قربانی، بعد از آنکه خود ایشان با دست مبارکشان شصت و سه شتر را ذبح کردند، علی رضی الله عنه را قایم مقام خویش در ذبح شتران باقیمانده برگزیدند^۱، و در روایتی آمده است که آنحضرت ﷺ را رضی الله عنه علی رضی الله عنه را در قربانی با خود شریک نموده بودند^۲، که در این صورت علی رضی الله عنه قایم مقام نه، بلکه بخاطر شراکت در قربانی با ایشان، ذبح باقی شتران را بعهده گرفت.

پس وقتی که آنحضرت ﷺ همه مناسک را خود پیش برده و قایم مقامی در مناسک شان اختیار نمودند، پس ایرادی نیست که در بعضی از امور خدمتگاران برگزینند مانند، بریدن کوهان شتران

۱- سنن ابن ماجه تا تصحیح البانی (۲۴۹۴).

۲- متفق علیه .

قربانی^۱، و نصب نمودن قبه در نمره عرفات، و جمع آوری سنگریزه از مزدلفه برای ایشان ﷺ^۲، و نگهداشت و توجه به شتران سواری آنحضرت ﷺ^۳ و غیره، زیرا این اعمال از دو حالت خالی نیست: یکی اینکه این اعمال اصلاً مربوط به نسک نیست، و یا اینکه اموری است که به ایشان تعلق نمیگیرد.

لیکن اگر حج آنحضرت ﷺ با دقت، بررسی و پیگیری شود، در خواهیم یافت که ایشان با سعی و کوشش جدی و رغبت شدید، و با وجه احسن و اکمل، اعمال حج را انجام می دادند، ایشان تلاش می ورزیدند تا اعمال افضل را عملی نموده و از مفضل اجتناب ورزند، مگر در حالات خاصی که مصلحت بزرگی در آن نهفته می بود مانند طواف نمودن ایشان دورخانه کعبه، و سوار شدن ایشان در سعی میان صفا و مروه در حالت سوار بر شتر، و یا

۱- صحیح ابن خزیمه (۲۶۰۹) با اسناد صحیح و سیرت نبی از ابن کثیر: ۲۲۸/۴.

۲- سنن ابن ماجه (۳۰۲۹) با تصحیح البانی (۲۴۵۵).

۳- مسند احمد (۲۷۲۹۰) هیشمی در مورد این حدیث فرموده: اسناد آنرا کسی تجریح و یا توثیق نکرده است.

لمس کردن حجرالاسود با عصای که سرش کج بود، این همه اعمال را بخاطری سوار بر شتر انجام دادند، چون مردم دور و پیش ایشان را گرفته بودند و هریک پرسش داشت و همه میخواستند آنحضرت ﷺ را تقلید کنند، و بسیاری از اصحاب بار اول بود که حج میکردند، بدین ملحوظ خواستند تا به مردم نمایان شده به سوالات آنها پاسخ گویند و آنها مناسک را از ایشان ﷺ بیاموزند.

پس برادر عزیز! در این مراسم پرفیض با عزم راسخ به اعمال خیر سبقت بجو، و تا توان داری اعمالی که ترا بخداوند ﷻ نزدیک می سازد انجام بده، زیرا این روزها، بهترین روزهای زندگی توست، این موسمی است که بنده به خداوند ﷻ رجوع نموده با پرستش صادقانه و نیایش و تعظیم، و احترام فوق العاده، او تعالی را عبادت مینماید، و آنچه که به خداوند ﷻ میرسد، اخلاص و تقوای شخص است، زیرا پروردگاره هیچ چیزی بندگان محتاج نیست و از همه مخلوقاتش بی نیاز است، و آنچه که

خداوند ﷻ از بنده میخواهد، تقواست.^۱ چنانکه او تعالی به مال و چهره بنده نمی نگرد بلکه قلب را نگاه میکند.^۲ پس آستین همت را بر زده از تنبلی و کسالت حذرکن، زیرا سال و روز زندگی ات زودگذر بوده و دوباره برنمیگردد، و بدان که امروز فرصت سعی و عمل است و محاسبه نیست، لیکن فردا محاسبه است و عملی نخواهد بود. پس کسیکه در این دنیا تلاش ورزیده و سعی بخرج دهد، رستگار خواهد شد، و کسیکه وقت را ضایع نماید و از آخرت و محاسبه آن غافل گردد از جمله زیانکاران خواهد بود، چنانکه پیامبر ﷺ فرموده اند: (کسیکه عملش او را عقب بیندازد، نسبش نمی تواند او را سبقت دهد).^۳

۱- چنانکه خداوند ﷻ فرموده است: ﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَآؤَهَا وَلَكِنَّ يَنَالُهُ الْقَوَىٰ مِنكُمْ﴾
الحج: ۳۷ (هرگز گوشتهای آنها - صدقه و قربانی - به خداوند ﷻ نمی رسد و نه خونهای آنها، ولی این تقوای شماست که به وی می رسد).

۲- چنانکه در حدیث شریف آمده: (خداوند ﷻ به پیکرها و چهره های شما نمی نگرد، بلکه به دلها و اعمال شما می نگرد) نزد مسلم (۲۵۶۴).

۳- صحیح مسلم (۲۶۹۹).

۸- اعتدال و میانه روی در کارها:

اعتدال و میانه روی در همه امور، کاریست پسندیده، درمقابل، افراط و یا تفریط در همه عرصه ها، زشت و قابل نکوهش میباشد، وهرصفت پسندیده، در میان افراط و تفریط قرار دارد، دین اسلام که کاملترین شریعتها، و از استوارترین برنامه ها و روشن ترین روشها برخوردار است، برمیانه روی در همه امور تأکید می ورزد، آری! امت محمد ﷺ بهترین امتهای و میانه روترین آنها بوده و از هرگونه افراط و تفریط بدور هستند؛ نه مانند یهود و مشرکان مادی گرا هستند و نه مانند برخی از مسیحیان، روحانی محض، بلکه پیروان اسلام حق جسم و روح را ادا کرده و با فطرت انسانی هم آهنگ می باشند، چنانکه پیامبر بزرگ اسلام ﷺ به امت شان دستور فرموده اند: (میانه روی را در پیش گیرید، زیرا کسی که در دین سختگیری کند، سرانجام مغلوب سختگیری اش

خواهد شد).^۱ همچنان آنحضرت ﷺ میفرمایند: (میانه روی را پیشه کنید تا اینکه به مقصود برسید).^۲

بارزترین احوال آنحضرت ﷺ در این حج که از لابلای اخلاق عالی شان آشکار گردید، میانه روی و اعتدال ایشان در ادای مناسک و سایر امور، و نفرت و کراهت آنحضرت ﷺ از افراط و تفریط بود، ما برای آشنایی بیشتر به این خصوص، در احوال آنحضرت ﷺ با پروردگار شان، به نگرش و بررسی دقیق نیاز داریم که میتوان آنرا در دو بخش خلاصه کرد:

اول: اعتدال و میانه روی آنحضرت ﷺ در عنایت و توجه جدی ایشان به پیوسته بودن و بستگی با پروردگار سبحان از یک سو، و آموزش و قیادت امت، و رعایت امور اهل بیت بخصوص همسران ایشان از سوی دیگر، و همدردی و دلسوزی بر آنها از جانب دیگر.

۱- مسند احمد (۱۹۷۸۶) با اسناد صحیح .

۲- صحیح بخاری (۶۴۶۳).

دوم: اعتدال و میانه روی در حقوق معنوی و جسمی مربوط به خود ایشان، آشکار است که در همچو فضای ایمانی پر از رحمت و نور و برکت، امکان آن می رود که بسیاری از مردم را به تفریط و بی توجهی به جسد، و یا افراط در حق روح شان بکشاند، لیکن از احوال حج آنحضرت ﷺ در می یابیم که ایشان توجه و عنایتی شدید به جسد مبارکشان داشتند، بطور مثال ایشان در روز ترویبه (روز هشتم ذی الحججه) به منا تشریف بردند تا به عرفه نزدیک باشند^۱، و در شب عرفه و شب مزدلفه خوابیدند، و روز عرفه روزه نداشتند، و در همین روز در زیر قبه که قبلاً برای ایشان نصب گردیده بود، ایستادند، و در شب مزدلفه نماز های نفلی قبل و بعد نماز شام و خفتن را ترک کردند، و شب را کاملاً بدون قیام لیل خوابیدند، همچنان در سیر و انتقال میان مشاعر، و هنگام انجام دادن بعضی از مناسک، مانند طواف و سعی و پرتاب سنگریزه بر جمره ها از شتر استفاده نمودند، چنانکه بخاطر خدمت گذاری

۱- سنن ابی داود (۱۹۱۱) با تصحیح البانی (۱۶۸۲)، و سنن ابن ماجه (۳۰۷۴، ۳۰۰۴) با تصحیح البانی (۲۴۳۳، ۲۴۹۴).

خویش خادمی برگزیدند،^۱ و.....غیره اموری که جسد را راحت و نیرو بخشیده و برادای هدف بزرگ که عبارت از دعا و مناجات، و ادای مناسک با حضور قلب و فکر، و اطمینان خاطر است، آماده، استوار و قادر می گرداند. و حدیث ام الحصین رضی الله عنها دلیل واضحی بر اعتدال و میانه روی آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در حج است، وی فرمود: (من با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حجة الوداع شرکت داشتم، ایشانرا در حالی دیدم که بر شتر سوار بودند و بلال رضی الله عنه و اسامه رضی الله عنه با ایشان نیز سوار بودند، یکی آنها شتر را می راند و دیگری چادر را بر سر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قرار داده بود تا از گرمی آفتاب جلوگیری کند، آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن سخنان شان فرمودند: (بشنوید و فرمان برید اگرچه بر شما غلام سیاه و گوش بریده ای مقرر شود که شما را به کتاب الله رهبری نماید).^۲

ام الحصین رضی الله عنها در این حدیث اموری مختلف و متنوعی از احوال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حج را روایت نموده است مانند: پرتاب

۱- متفق علیه، و مسند احمد (۲۷۲۹۰)، و زاد المعاد: ۲/۲۴۷.

۲- صحیح مسلم (۱۲۹۸).

سنگریزه بر جمرات، و سوار شدن ایشان بر شتر در ادای مناسک، و استفاده از سایه بان، و سیر با آرامی و وقار، و خدمت گذاری برخی از اصحاب رضی الله عنهم به ایشان، و آموختن تعالیم دین و مناسک حج، و تقدیم پند و اندرزها به مردم.

پس برادر محترم! اگر میخواهی به هدفت نایل آیی، پس از روش و طریقت کسی پیروی کن که تو و سایر همراهانت را توصیه نموده، فرموده اند: (دین آسانی است و با دین بمقابله برخاسته نمیشود، و هر که اینکار را کرده و در دین سختگیری کند، سرانجام او را مغلوب می سازد. پس حق را طلب نموده خود را به آن نزدیک سازید و به ثواب آن شاد شوید، و با انجام کارهای نیک در صبح و شام و پاره از شب یاری بجوید).^۱ و از رهنمودها و ارشادات آنحضرت صلی الله علیه و آله سر باز مزن که سبب هلاکت می شود، قسمیکه ایشان صلی الله علیه و آله امت را از سر پیچی اوامر شان بر حذر نموده و میفرمایند: (وکسی که از روش من روی بگرداند، از من نیست).^۲

۱- صحیح بخاری (۳۹) .

۲- صحیح بخاری (۵۰۶۳) .

بنابراین همه مکلف هستیم که در تمامی عبادات و شئون زندگی خویش اعتدال و میانه رو باشیم و از هرگونه افراط و تندروری و سختگیری بپرهیزیم، همچنان از هرگونه تفریط و بی میلی و بی توجهی به امور دین نیز باید بدور باشیم، و سعی نماییم تا عبادات را در نظر خود و دیگران زشت و منفور جلوه ندهیم، و باید راه دین را با نرمی و آرامی پیمود، تا مثل فروماندای از قافله نشویم، که از سیر و رسیدن به همسفرانش عاجز گردیده و وسیله سواری را نیز از پا در آورده است.^۱

۹- زهد و بی میلی آنحضرت ﷺ به دنیا:

پیامبر خدا ﷺ همیشه با پروردگار شان بستگی داشتند، سعی و کوشش شان برای آخرت و رضامندی او تعالی بود، از دنیا و لذتهای آن روی گردان بودند، و اگر گاهی چیزی بدست شان میرسید، به فقرا و مستمندان می بخشیدند، بدون اینکه برای خویش یا اهل بیت شان چیزی را پس انداز نمایند، چنانکه در

۱- برگرفته از حدیث مرسل جابر رضی الله عنه، نزد بیهقی در شعب الایمان (۳۸۸۵)، و کشف الخفا از عجلونی (۲۳۳۹) .

وصف زندگی ایشان ﷺ آمده که: (آنحضرت ﷺ زاهد ترین مردمان به امور دنیا بودند).^۱

نمونه های از بی علاقه‌گی ایشان در امور دنیوی و لذت‌های آن بسیار زیاد است که قابل شمارش نیست، ما بطور نمونه چند مثالی آنرا خدمت خوانندگان یاد آور می‌شویم:

*- آنحضرت ﷺ همیشه این دعا را نموده از پروردگار شان می‌خواستند که: (خدایا! برای آل محمد قوتی برسان).^۲ و در روایت دیگر چنین فرمودند: (خدایا! رزق آل محمد را به اندازه کفایت شان بگردان).^۳

نمونه دیگر از زهد آنحضرت ﷺ به دنیا این بود که ایشان طول روز را به گرسنگی می‌گذشتانند، حتی بعضی از روزها از شدت گرسنگی و درد شکم خمیده و بخود می‌پیچیدند، و خرمای ناسره و ناچیز را نداشتند تا شکم شان را سیر نمایند،

۱- مسند احمد (۱۷۷۳) حدیث صحیح است .

۲- صحیح بخاری (۶۶۶۰).

۳- صحیح مسلم (۱۰۵۵).

طوری‌که عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما حکایت نموده است که: (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم) را دیدم که طول روز از گرسنگی بخود می‌پیچید، درحالی‌که خرمای ناسره نمی‌یافت که شکم خود را سیر کند).^۱

* - آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت شان سه روز پی در پی از نان جو سیر نشدند، چنانکه حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها حکایت می‌کند که: (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم) سه روز پی در پی از نان جو سیر نشدند تا زمانی که وفات یافتند).^۲ و در روایت دیگر آمده: (خانواده محمد صلی الله علیه و آله و سلم) سه شبانه روز پی در پی از طعام نان جو سیر نبوده اند).^۳

اما در حج، آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر از پیش به خداوند عز و جل ارتباط و تعلق خویش را پیوسته داشته و آخرت را بسیار یاد می‌کردند، ایشان هنگام ایستادن در عرفه فرمودند: (حاضر می‌ایم ای الله، گوش به فرمانم! همانا پاداش نیکو، پاداش روز آخرت است).^۴ و

۱- صحیح مسلم (۲۹۷۸).

۲- صحیح مسلم (۲۹۷۰).

۳- صحیح بخاری (۵۴۳۸).

۴- صحیح ابن خزیمه با تصحیح البانی (۵۰۵۸).

در روایت دیگر چنین فرموده اند: (گوش بفرمانم! زندگی حقیقی، زندگی آخرت است).^۱ اما مظاهر زهد و بی رغبتی آنحضرت ﷺ به دنیا که در موسم حج به مردم آشکار گردید، خارج از حساب است که بارزترین آن از قرار ذیل است:

*- ایشان برشتری سوار بودند که پالان آن کهنه، و جامه که چهار درهم ارزش داشت یا نداشت، حج را ادا کردند.^۲ علامه ابن قیم رحمته الله در این مورد می نگارد: (آنحضرت ﷺ حج را در حالی ادا نمودند که برشترشان نه تختی و نه هودجی و نه وسیله دیگری که به راحت بر آن سوار شوند، قرار داشت).^۳ بعد از گذشت چند سال، هنگامیکه عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما صاحب پیامبرخدا صلی الله علیه و آله، گروه همسفر یمنی را دیدند که پالان شتران شان پوسیده، و حلقه بینی شتران آنها بافته از موی است، روزگاران قدیم را به یادش آورد که با پیامبرخدا صلی الله علیه و آله یکجا حج را ادا نموده بود، سپس فرمود: (آنکه

۱- مصنف ابن ابی شیبہ : ۴۴۲/۳ موصولا، و سنن بیهقی: ۴۵/۵ مرسلأ.

۲- سنن ابن ماجه (۲۸۳۱) با تصحیح البانی (۲۳۳۷).

۳- زاد المعاد: ۲/ ۱۶۰.

دوست دارد به گروه شبیه به رسول خدا ﷺ و همراهانش که در حجة الوداع بایشان بودند را ببیند، پس به این گروه همسفر نگاه کند).^۱

*- همچنان یکی از مظاهر زهد آنحضرت ﷺ به دنیا این بود که شتری مستقل بخاطر زاد و متاع سفرشان تخصیص داده نشده بود، طوریکه ثمامه رضی الله عنه وصف می نماید که انس رضی الله عنه بر شتری حج کرد که تنها پالانی بر آن بوده، در حالیکه وی مردی بخیل نبود، ولی با تاسی به پیامبر ﷺ اینکار را انجام داد و فرمود: پیامبر خدا ﷺ بر شتری حج کردند که زاد و متاع شان نیز بر بالای همان شتر بار شده بود).^۲

*- همچنان آنحضرت ﷺ بر شترشان اسامه رضی الله عنه و فضل رضی الله عنه را سوار نمودند، قسمیکه روایت است: (از عرفات تا مزدلفه اسامه رضی الله عنه و از مزدلفه تا منا فضل رضی الله عنه پشت سر پیامبر خدا ﷺ سوار بودند).^۳

۱- سنن ابو داود (۴۱۴۴) با تصحیح البانی (۳۴۹۱)، مسند احمد (۶۰۱۶) با اسناد صحیح.

۲- صحیح بخاری (۱۵۱۷) و سنن ابو داود با تحسین البانی (۱۶۰۲) و در آن از اسماء رضی الله عنها روایت است که فرمود: (زاد و متاع ابوبکر رضی الله عنه و پیامبر ﷺ با هم یکجا بود).

۳- صحیح بخاری (۱۵۴۴).

* - مظهر دیگر زهد و فروتنی آنحضرت ﷺ آن بود که دوست نداشتند تا نسبت به دیگران امتیاز و برتری داشته باشند، چنانکه روایت است که پیامبر خدا ﷺ در جایی که برای حجاج آب میدهند آمدند و طلب آب نمودند، عباس رضی الله عنه به فرزندش (فضل) گفت: نزد مادرت برو، و برای پیامبر خدا ﷺ از آنجا آب بیاور! پیامبر خدا ﷺ فرمودند: (از همین جا برایم آب بده) عباس رضی الله عنه گفت: یا رسول الله! مردم دستهای خود را در آب داخل می کنند، پیامبر خدا ﷺ فرمودند: (از همین جا برایم آب بده) و آبرا نوشیدند.^۱ و در روایت دیگر آمده که به ایشان رضی الله عنهم گفته شد: از خانه برایتان آب می آوریم، فرمودند: (به آن نیازی ندارم، از آبی برایم بدهید که مردم نیز از آن می نوشند).^۲

* - همچنان نمونه بزرگی از زهد آنحضرت ﷺ به متاع دنیا، قربانی نمودن صد شتر است، بدیهی است کسیکه قلبش به دنیا

۱- صحیح بخاری (۱۶۳۶).

۲- مسند احمد (۱۸۱۴) حدیث صحیح است.

ومتاع آن بسته باشد بیشتر از قدر واجب، چیزی اضافه بیرون نمی آورد.

* - همچنان از ایشان صلی الله علیه و آله (طوری که آشکار می گردد) قربانی مربوط به مناسک حج را باخود به مکه برده بودند قربانی روز عید اضحی را نیز با آنها یکجا برده بودند،^۱ در حالی که برای حاجی تنها قربانی کفایت می کند.

* - همچنان نمونه دیگر از زهد و سخای آنحضرت صلی الله علیه و آله صدقه دادن بسیار ایشان به مردم است، قسمیکه در روز ترویبه - یک روز قبل عرفه - هفت شتر را به دست خود درحالت ایستاده ذبح نمودند،^۲ چنانکه علی رضی الله عنه را امر نمودند تا شتران ذبح شده را، اعم از گوشت و پوست و پوششهای زیر پالان آنها را بر مساکین تقسیم نماید).^۳

۱- صحیح مسلم (۳۱۸۰) حجه الوداع از ابن حزم: ۱۲۳، ۳۰۱.

۲- صحیح بخاری (۱۵۵۱) و سنن ابو داود (۱۷۹۶).

۳- متفق علیه.

*- همچنان آنحضرت ﷺ در روز نحر - عید - رمه از گوسفندان را خریده و آنرا به مردم صدقه دادند.^۱ و هنگامیکه آنحضرت ﷺ صدقه را تقسیم می کردند، دو مردی آمده از ایشان صدقه خواستند، آنحضرت ﷺ سرپای آندو را نگاه کرده دیدند که هر دو چابک و تنومند هستند، فرمودند: (اگر میخواهید برایتان میدهم، لیکن - بدانید که - برای ثروتمند و نیرومندی که روزی خود را بدست آورده میتواند، در آن نصیبی نیست).^۲

*- زندگی آنحضرت ﷺ ساده و بی آرایش بود، در خورد و نوش نیز متواضع و فروتن بودند، هنگامیکه قربانی شان را ذبح نمودند، به ثوبان رضی الله عنه امر فرمودند تا از گوشت آن بپزد، ثوبان رضی الله عنه حکایت می کند: من فرموده آنحضرت ﷺ را تنفیذ نموده گوشت را آماده نمودم، ایشان تا رسیدن به مدینه نیز از همان گوشت میخوردند، و

۱- صحیح بخاری (۳۱۸۰)، پیامبر ﷺ پنجم حصه مال غنیمت و فو را به امر خداوند صلی الله علیه و آله بر میداشتند، بنابراین در حج شتران و گوسفندان بسیار را قرنایی و یا صدقه نمودند، ایشان رضی الله عنه مال را پس انداز نمیکردند، و همچو کسی که از فقر نمی هراسد، بخشش می کردند، لذا به ماهها در خانه آنحضرت رضی الله عنه غذا پزیده نمی شد و با آب و خرما شب و روز را سپری می کردند (مترجم).

۲- سنن ابو داود (۱۶۳۳) با تصحیح البانی (۱۴۳۸).

در روایت دیگری آمده که فرمود: (تارسیدن به مدینه نیز از همان گوشت به ایشان صلی الله علیه و آله تقدیم نمودم).^۱

پس برادر و خواهر مسلمان! اگر قلبت به زیب و زینت لذتهای دنیا بسته است و آرزوهای بی پایان آنرا در خود می پرورانی، پس حذر نما از اینکه بنده لذتهای آن نشوی، عشق و علاقه بیش از حدش بردلت چیره نشود، زیرا دنیا خانه بی بقا و ذلت و خواری است، قسمیکه روایت است که: (دنیا خانه کسی است که خانه ندارد - یعنی از خانه و زندگی جاودانه آخرت بی بهره است - و مال کسی است که ثروت ندارد - یعنی برای آخرت خویش توشه نه اندوخته و ثروت حقیقی را در بهشت برای خود آماده نکرده است - و آنکه عقل و خرد ندارد، چشم به دنیا و مال و ثروت آن میدوزد - زیرا از حقیقت آن و کوتاهی عمر خویش و رسیدن مرگ غافل شده است)،^۲ اگر دنیا قیمت و

۱- صحیح مسلم (۱۹۷۵).

۲- مسند احمد (۲۴۴۶۴) به روایت عایشه صدیقه رضی الله عنها، هیشمی فرمود: رجال آن همه رجال

صحیح اند، غیر ذوید که آن هم ثقه است، مجمع الزوائد: ۱۰/ ۲۸۷.

ارزشی می داشت البته خداوند ﷻ آنرا برای اولیای خود و بهترین بندگانش، حضرت محمد ﷺ بر می گزید،

پس برادر مسلمان! هیچگاه به دنیا دل مبنده، و حقیقت آنرا درک کن که بی ارزشتر از آن است که عمر عزیزت را در حرص و جمع آوری آن ضایع نموده و از آخرت غافل شوی، پس لازم است آن را به عنوان وسیله، نه هدف، مورد استفاده قرار دهی. زندگی دنیا برای کسانی که به آن فریفته شده و برای آخرت خویش عمل نکنند، بهره فریب و متاع غرور است، اما کسانی که با طلب دنیا برای آخرت خویش یاری می جویند، پس دنیا برایشان هم بهره است و هم وسیله ای که ایشان را بسوی خیری می رساند که بهتر از دنیا است.

این بود برخی از مظاهر و نمایش روشن و آشکاری که گوشه از پیوند و رابطه آنحضرت ﷺ با پروردگار ﷻ و طاعت و فرمانبرداری تام و عاجزی و ذلت در برابر الله سبحان را، با وجود مسؤلیت های بزرگ شان در این موسم عظیم به تصویر کشید.

به راستی که حج فرصتی کم یافتی است که باید بنده مؤمن در آن برای آخرتش توشه بگیرد، از توبه آغاز کند، و از گناهان و سرپیچی‌ها و کوتاهی‌های که مرتکب آن شده، مخلصانه ببارگاه پروردگار اعلان پشیمانی نموده و با جدیت کامل به طاعت و عبادت روی آورد، و برای حصول رضا و خوشنودی پروردگارش بشدت تلاش ورزد. و میدانیم که هیچ انسانی از گناه و خطا خالی نیست، طوریکه حضرت مصطفی ﷺ فرموده اند: (همه بنی آدم خطا میکنند لیکن بهترین خطا کنندگان کسانی اند که توبه می نمایند).^۱ پس آیا به راه و روش و فرامین و دساتیر پیامبر خدا ﷺ در حج اقتدا نموده‌ای؟! و در جمله بندگان نیک و توبه کار خویش را شامل گردانیده‌ای؟! آیا تلاش بخرچ داده‌ای تا در نزد خداوند از پرهیزگاران و فرمانبرداران محسوب شده و در راه رضا و خوشنودی وی با ترک گناه و معاصی، و انجام طاعات و حسنات گام‌های جدی برداشته‌ای؟! تا به اوتعالی نزدیک شده و از توفیق و نصرت وی در دنیا و آخرت برخوردار گردی! طوریکه اوتعالی

۱- سنن ابن ماجه (۴۲۵۱) با تصحیح البانی (۳۴۲۸).

در حدیث قدسی فرموده است: (و بنده ام به هیچ عملی بهتر از انجام دادن فرایض، به من تقرب نجسته است، بنده ام در انجام نوافل تا جایی به من تقرب می جوید که او را مورد محبت خود قرار می دهم، و چون او را مورد محبت خود قرار دادم، برایش گوشی می شوم که با آن می شنود، و چشمی می شوم که با آن می بیند، و دستی می شوم که با آن کاری انجام می دهد، و پایی که با آن راه می رود، اگر از من چیزی بخواهد برایش می دهم، اگر به من پناه بجوید، او را در پناه خود قرار می دهم).^۱ و از خداوند سبحان تمنا داریم که به ما توفیق عمل صالح عنایت فرماید تا از بندگان مقرب و مطیع وی باشیم.

فصل دوم

احوال پیامبر خدا ﷺ با خانواده و اقارب ایشان

در حج

پیامبر خدا ﷺ صلۀ رحم و پیوند با اقارب را بسیار اهمیت داده و آنرا جدا مراعات می نمودند، و همیشه از احسان و نیکی خویش آنها را مستفید می گردانیدند، کسانی که از احوال پیامبر ﷺ در این مورد آگاهی داشتند، صفات حمیده ایشان ﷺ را چنین توصیف نموده اند: (آنحضرت ﷺ نیکوترین مردم بودند، و بیشتر از هر کس با خویش و اقارب شان پیوستگی داشتند).^۱

یکی از نمونه های بزرگ و واضحی که آنحضرت ﷺ در این عرصه با خویشان و نزدیکان شان داشتند، دعوت نمودن آنها بسوی خیر و صلاح، و تلاش بیش از حد ایشان به هدایت و نجات آنان از آتش جهنم است، طوری که در مکه بر کوه صفا بالا رفته و از نهایت و سرانجام شرک ورزیدن، آنها را آگاه و هراسانیدند: (ای

۱- صحیح مسلم (۱۰۷۲)، و صحیح بخاری شماره های (۳۸۱۸، ۴۹۵۴، ۵۹۹۰).

فاطمه بنت محمد، ای صفیه بنت عبدالمطلب، وای فرزندان عبدالمطلب خودتانرا از آتش دوزخ نجات دهید زیرا من از سوی خدا ﷻ مالک چیزی برای شما نیستم، از مالم هرچه میخواهید، بخواهید،^۱ و فرموده ایشان ﷺ به ابوطالب هنگامیکه در لحظات اخیر زندگی قرار داشت: (ای عمو! بگولا إله إلا الله) کلمه ای که بدانوسیله برای تو در نزد پروردگار حجت آورده و شفاعتت را کنم.^۲

و در حج نیز، احسان و نیکی و پیوستگی با خویشاوندان و نزدیکان ایشان در مواقف گوناگون بنظر خورده است، و قبل از آنکه به برخی از نمونه و چگونگی اخلاق حمیده آنحضرت ﷺ اشاره نماییم - قابل یادآوریست که اهل بیت آنحضرت ﷺ در کلیه مناسک حج یکجا با مردم از فرامین و دستورات آنحضرت ﷺ پیروی نموده و مستفید گردیدند، بلکه بیشتر از دیگران، مورد توجه و رعایت و دلسوزی آنحضرت ﷺ قرار میگرفتند، طوریکه

۱- صحیح مسلم (۲۰۵).

۲- صحیح بخاری (۳۸۸۴).

از عایشه رضی الله عنها روایت است که وی با رسیدن عادت ماهانه اش به گریه شد و به آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود: آنچه را به اصحاب فرمودید شنیدم، و به سبب آن - حیض - از عمره باز داشته شدم.^۱

و اگر با دقت به احکام حج و نسک آن دیده شود، درخواستی یافت که اکثر این احکام از اهل بیت و خویشان آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت شده است، زیرا آنان بیشتر از دیگران به ایشان نزدیک بودند. ما برجسته ترین نمونه های از احوال آنحضرت صلی الله علیه و آله با اهل بیت و اقارب شان را ذکر می نمایم:

۱- آموزش احکام حج به آنان:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد تعلیم و آموزش احکام و مسایل حج به اهل بیت شان توجه و اهتمام خاصی داشتند، تا تقرب جستن آنها به الله جل جلاله در پرتو هدیات ایشان بوده، و عبادات آنها بصورت درست و صحیح ادا گردد، از جمله: حدیثی از ام المؤمنین ام

۱- صحیح بخاری (۱۷۸۸).

سلمه رضی الله عنه روایت شده که فرموده اند: (از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمودند: ای آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیت عمره را باحج یکجا نمایید).^۱

همچنان فرموده ایشان صلی الله علیه و آله و سلم به عایشه صدیقه رضی الله عنها هنگامیکه عادت ماهانه اش قبل از طواف رسید فرمودند: (هرکاری که حاجی انجام میدهد تونیز انجام بده با این تفاوت که تا غسل (از حیض) نکرده ای، بیت الله را طواف مکن).^۲ همچنین فرموده آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم به فرزندان بنی عبدالمطلب در آخر شب مزدلفه: (تا زمانی که آفتاب نتابد، بر جمره سنگ پرتاب نکنید).^۳

آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم نه تنها به توجیه و ارشاد و تعلیم اهل بیت شان توجه داشتند، بلکه با آنها گفت و شنود نموده و به سوالات شان پاسخ میگفتند، چنانکه حدیث ام المؤمنین حفصه دختر عمر فاروق رضی الله عنه گواه بر آن است که: (آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم همسران شانرا در سال حجة الوداع امر فرمودند تا از احرام بیرون آیند،

۱- مسند احمد (۲۶۵۹۰) و صحیح ابن حبان (۳۹۲۲) و اسناد هر دو حدیث صحیح است.

۲- صحیح مسلم (۱۲۱۱).

۳- جامع ترمذی (۸۹۳) با تصحیح البانی (۷۰۹).

حفصه رضی الله عنه از ایشان رضی الله عنه پرسید: پس شما چرا از احرام بیرون نمی شوید؟ فرمودند: (موهایم را تلئید نمودم و بر شتران قربانی ام قلاده گذاشته ام، و تا آنرا ذبح نکنم از احرام بیرون نمی شوم).^۱ و در روایت دیگری آمده که حفصه رضی الله عنه پرسید: (چرا مردم از احرام بیرون شدند و شما از احرام عمره تان بیرون نشدید؟).^۲ همچنان حدیثی را که علی رضی الله عنه روایت نموده که عباس رضی الله عنه فرمود: ای رسول خدا! چرا گردن پسرعمویت را تاب دادید؟ آنحضرت رضی الله عنه فرمودند: (دیدم که پسر و دختر جوان بسوی هم نگاه میکنند، از مکر و فریب شیطان برآندو در هراس شدم).^۳ اما امروز با تأسف شدید جهل و نادانی به احکام و اهداف حج، مردم را فرا گرفته است، زیرا بسیاری از آنها به تعلیم و آموزش احکام، مسایل، اهداف و مرام حج به خانواده های شان قبل از عزیمت بسوی مکه مکرمه نمی پردازند، و یا هم به سوالات و

۱- صحیح بخاری (۴۳۹۸).

۲- صحیح مسلم (۱۲۲۸).

۳- جامع ترمذی (۸۸۵) حسن و صحیح - با تصحیح البانی (۷۰۲).

اشکالاتی که شاید در اذهان شان خطور کند، پاسخ نداده و توجهی در این مورد ندارند!

پس برادر ارجمند! تلاش کن در زمرهٔ مردمان فاضلی باشی که به تعلیم و آموزش افراد خانوادهٔ خود می کوشند، و آنها را از احکام و مسایل شرعی قبل از ادای آن آگاه می نمایند، تا در پرتو علم و معرفت شرعی، اعمال شان را بدرستی به انجام برسانند که این عمل ترا از پاداش بزرگ و مقام عالی در نزد خداوند عز و جل بهره مند خواهد ساخت، و از جمله کسانی خواهی بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مورد شان فرموده اند: (بهترین شما کسی است که در نزد خانوادهٔ خود نیکو و شایسته باشد، و من در نزد خانواده ام نیکو و شایسته میباشم).^۱ وجیبه و مسؤلیتی که در قبال خانواده ات بدوش داری با وجه احسن ادا نموده و مراقب حال شان باش و همیشه آنان را زیر نظر خود قرار داده به اموری که بر آنان واجب است رهنمایی کن، زیرا تو پاسبان و نگهبان و مسؤل و زمامدار آنها می باشی، و هر زمامدار در پیشگاه خداوند عز و جل از

۱- سنن ترمذی (۳۸۹۵) حسن غریب صحیح - با تصحیح البانی (۳۰۵۷) .

رعیت و احوال کسانی که بوی سپرده شده بود، باز پرس می شود، پیامبر ﷺ میفرماید: (همه شما شبانید- زمامدارید- و از رعیت خود پرسیده می شود.....مرد در خانواده اش مسؤول است و مسؤولیت آنها را بدوش دارد).^۱ و بدان که رسول خدا ﷺ الگو و قدوة همه امت اند، راه و روش ایشان باید که سرمشق زندگی ما باشد. طوری که ایشان به پیروی فرمان الهی ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ خانواده و اقارب شان را قبل از دیگران از عذاب دردناک دوزخ هشدار داده و در تعلیم و تربیت آنان تلاش می ورزیدند.

۲- بکارگماشتن خانواده در امور حج قبل از عزیمت:

آنحضرت ﷺ قبل از عزیمت بسوی مکه خانواده خویش را در تهیه نمودن اسباب و سامان مراسم حج مشغول نموده بودند، چنانکه ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها فرمود: (من قلاده های شتران-

۱- صحیح بخاری (۲۵۵۳).

قربانی - رسول اکرم ﷺ را قبل از احرام بستن شان با دستم بافتم).^۱

پس چه بهتر از آنکه به راه و روش رسول اکرم ﷺ اقتدا نموده، خود و اهل خانواده ات را در امور حج و دانستن احکام و مسایل آن مشغول نمایی، و چه بسا خوب خواهد بود که خود و خانواده ات بر عزم و اراده متین بر ادای شعایر حج، و آگاهی به مرام، مقاصد، پاداش، و آداب آن معرفت حاصل نموده، رنج، زحمت و تکالیف حج را قبلاً به تصویر کشیده و به خاطرشان بسپاری، زیرا اینکار آنها را در راستای انجام دادن حج بطور درست و با عزم راسخ و ایمان پایدار، یاری می‌دهد.

۳- حرص و تلاش بر رفع مسؤولیت در برابر افراد

خانواده: خداوند ﷻ حج بیت الله را بر مردمان توانمند فرض

گردانیده است، چنانکه میفرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ

أَسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ﴿۹۷﴾ آل عمران: ۹۷

۱- صحیح بخاری (۱۷۰۴).

(الله ﷻ حج خانه خدا را برکسانیکه توانایی (مالی و بدنی) برای رفتن به آنجا دارند، فرض گردانیده است).

بنابراین کسی که استطاعت و توانایی رفتن به آنجا را دارد، حج از عهده وی ساقط نمیگردد، تا زمانیکه آنرا ادا نماید.^۱*

و هرگاه به سیرت آنحضرت ﷺ در حج دقت شود، موارد زیادی را در خواهیم یافت که دلیل بر حرص و تلاش ایشان ﷺ بر رفع مسؤولیت در برابر خانواده برادا نمودن این واجب عظیم، و عدم بی پروایی ایشان ﷺ در این راستا وجود دارد، که به برخی از آن اشاره می نمایم:

* - آنحضرت ﷺ هر گاه همسر خویش را در این حج با خود بردند.^۲

۱- با تأسف در سرزمین حرمین خانواده هایی وجود دارد که بیش از ده سال زندگی دارند ولی اعضای این خانواده ها تا بحال حج فرضی را ادا نکرده اند و به بهانه های بی اساس چون قرضداری و یا مشغولیت و غیره، از ادای حج در فراراند، ولی در مسایل سیر و سیاحت و خوش گذرانی و یا رقابت های منفی، نسبت به همه پیش قدم اند!! (مترجم).

۲- سنن ابوداود (۱۷۲۲) با تصحیح البانی (۱۵۱۵) وزاد المعاد: ۱۰۶/۲، سیرت نبی از ابن کثیر: ۴/۲۲۲.

*- آنحضرت ﷺ ضعیفان و ناتوانان خانواده‌شان را نیز با خود به حج بردند.^۱

*- آنحضرت ﷺ نه تنها افراد سالم و صحتمند اهل بیت خویش را بر ادای حج تشویق و ترغیب نمودند، بلکه مریضان خانواده و اقارب را نیز به مبادرت در ادای این فریضه تشویق می نمودند، طوریکه روایت است که ایشان نزد دختر عمویشان- ضباعه بنت الزبیر بن عبدالمطلب درحالیکه بیمار بود- رفته و فرمودند: (شاید قصد حج رفتن را داشته باشی؟) فرمود: (به خدا سوگند مانعی جز بیماری ام نیست، فرمودند: (به حج برو و شرط کن و بگو که خدایا! به حج رفتنم تا جایست که برایم توان رفتن را بدهی).^۲ و در روایت دیگری چنین آمده: (آیا نمیخواهی امسال به حج بروی؟!)^۳.

۱- متفق علیه.

۲- صحیح بخاری (۵۰۸۹)، سنن ابن ماجه (۲۹۳۶) با تصحیح البانی (۲۳۷۵) و لفظ از سنن ابن ماجه است.

۳- سنن ابن ماجه (۲۹۳۷) با تصحیح البانی (۲۳۷۶).

اما امروز دیده می شود که بسیاری مردان بزرگ سال و زنان قادر و توانا برادای حج، این فریضه الهی را با وجود توان مالی و جانی به تعویق می اندازند! پس ای سرپرست خانواده! اگر از جمله احسان کننده گان به اهل و فرزندان خود هستی باید مسئولیت خویش را در قبال آنها ادا نمایی، زیرا به عمر، صحت و مال انسان اعتباری نیست، و شاید پیش از آنکه سالی دیگر برسد، اجلت فرار سیده و بمیری، و یا به مریضی مزمنی گرفتار شوی، که قدرت حج کردن از تو برای همیشه سلب گردد، و یا دارایی ات از بین برود، که دیگر تا هیچ وقت نتوانی حج را انجام دهی، پیامبر اکرم ﷺ به شتاب و عجله در ادای حج ترغیب و تشویق نموده میفرمایند: (هرکس اراده حج کرده است شتاب کند، چون امکان دارد مریض شود یا مرکبش را از دست بدهد و یا اینکه نیازی پیش آید).^۱ و در روایتی چنین آمده است: (در ادای حج - فرضی - شتاب کنید، زیرا کسی از شما نمیداند که چه

۱- سنن ابن ماجه (۲۸۸۳) با تحسین البانی (۲۳۳۱).

چیزی بوی پیش می‌آید.^۱ و تو در این عملت از پاداش عظیمی برخوردار خواهی شد، چنانکه آنحضرت ﷺ به زنی که کودکی را نزد ایشان ﷺ آورده و گفت: آیا حج این بچه صحیح است؟ فرمودند: بلی و برای تونیزاجر هست^۲. بلکه اجر و پاداش تو بیشتر خواهد بود، زیرا حج اهل و خانواده ات حجبی است فرضی، و حج دادن آن زن به پسر فرضی نبود، والله اعلم.

۴- تشویق آنان بر انجام امور خیر:

پیامبر اکرم ﷺ خانواده و خویشاوندان خویش را بر انجام دادن امور خیر و طاعات، و اندوختن توشه آخرت تشویق و ترغیب می نمودند، بطور مثال: هنگامیکه بر پسران عموی شان گذشتند در حالیکه آنها مشغول آب کشیدن از چاه زمزم بودند، آنحضرت ﷺ فرمودند: (ای فرزندان بنی عبدالمطلب آب بکشید، اگر خوف این نباشد که مردم بسبب آب دادن با شما منازعه نموده و مشکلاتی برای تان ایجاد نکنند،) به گمان اینکه بالا کشیدن آب

۱- مسند احمد (۲۸۶۸) حدیث حسن لعیزه .

۲- صحیح مسلم (۱۳۳۶) .

زمزم جزو مناسک حج است) ورنه من نیز با شما آب می کشیدم.^۱ و در روایتی دیگر فرمودند: (به کار خود ادامه بدهید، زیرا شما بر انجام کار نیک و پسندیده ای قرار دارید، اگر بیم آن نباشد که مردم از دیدن من ازدحام نموده و مشکلاتی برای شما ایجاد کنند، می آمدم و ریسمان آب کشی را بر همینجا - یعنی بر گردن خود- می نهادم)،^۲ آنحضرت ﷺ نه تنها آنها را بر این کار نیک تشویق می نمودند، بلکه راه آنرا برای شان هموار می ساختند، طوریکه به عباس رضی الله عنه اجازه دادند تا بمنظور آب دادن برای حجاج، شبهای منا را در مکه بگذرانند.^۳ حج درب و وسیله احسان و نیکی، و موسم کارهای خیر و پسندیده، و زمینه مناسبی برای کمک و همکاری به ناتوانان و مسکینان می باشد، پس اگر می خواهی که نیکی هایت چند برابر شده و ترازوی حسنات تو سنگین گردد، و مصدر خدمت به حجاج بیت الله گردی، پس

۱- صحیح مسلم (۱۲۱۸) .

۲- صحیح بخاری (۱۶۳۶) .

۳- صحیح بخاری (۱۷۴۵) .

اهل بیت خویش را بر اعمال نیک توصیه و توجیه و تشویق نموده و زمینه را برای شان هموار و مساعد گردان تا مصدر خدمت به همه مسلمانان، بویژه محتاجان و مستمندان گردند، زیرا پیامبر ﷺ فرموده اند: (آنکه بسوی خوبی دعوت کند برای او مزد کسانی که از او پیروی می کنند داده می شود بدون اینکه از مزدشان چیزی کم شود)،^۱ و ایشان ﷺ به شخصی که دیگران را به همکاری و معاونت مسلمانی رهنمایی کرد فرمودند: (آنکه به کار خیری رهنمایی کند برای او مانند مزد انجام دهنده آن داده میشود).^۲ و در روایتی دیگر آنحضرت ﷺ فرمودند: (درحقیقت رهنمایی بسوی خیر مانند انجام دهنده آن است).^۳ و پرهیز از آنکه آنان را بسوی گمراهی و فساد تشویق نمایی، و یا اینکه اسباب و وسایل آنرا به آنها مهیا و آماده نموده و به گناهی فرمان دهی، زیرا پیامبر اکرم ﷺ ترا از همچوکاری برحذر داشته و فرموده اند: (و آنکه به

۱- صحیح مسلم (۲۶۷۴).

۲- صحیح مسلم (۱۸۹۳).

۳- سنن ترمذی (۲۶۷۰) با تصحیح و تحسین البانی (۲۱۵۱).

گمراهی دعوت کند بروی گناهیست مثل گناه های آنانیکه از وی پیروی کردند، واین امر از گناه شان چیزی نمی کاهد).^۱

۵- طلب یاری و کمک از آنان:

پیامبر اکرم ﷺ در بعضی امور از آل بیت شان علیهم السلام کمک و طلب یاری جسته اند، همچنان در برخی امور آنها را جا نشین و وکیل خویش تعیین نموده اند که به بعضی از نمونه های آن اشاره می نمایم :

*- آنحضرت ﷺ قبل از اینکه احرام ببندند همسرشان عایشه صدیقه علیها السلام را درباختن قلاده های شتران قربانی، از پشمی که در نزدش بود، موظف ساختند).^۲

*- ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده که آنحضرت ﷺ بامداد روز نحرکه برجرمه عقبه سنگ پرتاب میشود، درحالیکه برشترشان

۱- صحیح مسلم (۲۶۷۴) .

۲- صحیح بخاری شماره های (۱۶۹۶ ، ۱۷۰۴ ، ۱۷۰۵) .

سوار بودند، بمن فرمودند: (برایم سنگریزه برچین) و من هم هفت سنگریزه برای شان ﷺ چیدم.^۱

*- همچنان آنحضرت ﷺ علی رضی الله عنه را در ذبح شتران بعد از آنکه خود شان بیشتر از شصت شتر را ذبح نمودند، وظیفه دادند تا بقیه شتران را ذبح نموده و سر پرستی آنها اعم از تقسیم گوشت و پوست و پوشهای زیر پالان آنها را بعهده گیرد.^۲

*- چنانکه آنحضرت ﷺ درجایی که پسران عموی شان برای حجاج آب میدادند آمده و آب طلب نمودند و به عباس رضی الله عنه فرمودند: (برایم آب بده و آب را نوشیدند).^۳

همچنان حدیثی دیگری که ابن عباس رضی الله عنه روایت نموده دلیل واضحی بر کمک و یاری خویشان آنحضرت ﷺ با ایشان است،

۱- سنن ابن ماجه (۳۰۲۹) با تصحیح البانی (۲۴۵۵) .

۲- سنن ابن ماجه (۳۰۷۴) با تصحیح البانی (۲۴۹۴) .

۳- متفق علیه .

قسمیکه فرمود: (برای پیامبر خدا ﷺ از آب زمزم دادم، و در حالیکه ایستاده بودند، آن آب را نوشیدند).^۱ *

*- همچنان عایشه رضی الله عنها سر و بدن آنحضرت صلی الله علیه و آله را قبل از احرام و بعد از آنکه از احرام بیرون شدند، با عطر بذیره (عطریست که از هند می آمد) و عطری که در آن مشک بود، خوشبو می نمود، چنانکه عایشه رضی الله عنها فرمود: (با این دو دستم، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را هنگام احرام نمودن و بعد از اینکه از احرام بیرون شدند، قبل از طواف فرضی خوشبو ساختم - و دستانش را باز کرد -).^۲

پس ای کسیکه در جستجوی یار و همکار بعید هستی، و قربیت را فراموش نموده و شادمانی ات را در جای دیگر سراغ داری... اینست راه و روش پیامبرت صلی الله علیه و آله و سایر انبیای پیش از ایشان صلی الله علیهم و آلهم و سلم، ببین که موسی صلی الله علیه و آله از پروردگارش چه می طلبد: ﴿

۱- صحیح بخاری (۱۶۳۷)، * سنت در نوشیدن آب این است که باید نشسته نوشیده شود، اما آب

زمزم را نظر به عمل پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاده میتوان نوشید (مترجم).

۲- متفق علیه .

وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِ ﴿٢٩﴾ هَرُونَ أَخِي ﴿٣٠﴾ أَشَدُّ بِهِ أَزْرَى ﴿٣١﴾ وَأَشْرِكُهُ فِي

أَمْرِي ﴿٣٢﴾ كَيْ نَسِيحَكَ كَثِيرًا ﴿٣٣﴾ وَنَذْرُكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾ طه: ۲۹ - ۳۴

(برایم از خانواده ام وزیری - دستیاری - قرارده، برادرم هارون را، پشتم را به - وسیله - او استوار کن، و او را شریک کارم گردان، تا - من و برادرم هارون - ترا فراوان تسبیح گوئیم، و بسیار یادت کنیم). ولوط عليه السلام هنگامیکه از دفع اذیت و آزار قومش عاجز و ناتوان گشت، آرزو و تمنای قوم و قبیله را کرد تا از وی حمایت کنند، طوریکه قرآن کریم حکایت نموده است: ﴿ قَالَ لَوْ أَنِّي لِي بِكُمْ

قُوَّةٌ أَوْ آوَىٰ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٨٠﴾ هود: ۸۰

(لوط عليه السلام گفت: کاش برای مقابله با شما قوتی می داشتم یا به رکنی شدید پناه می جستم) یعنی: قوم و قبیله قوی و زورآوری میداشتم تا از من حمایت می کردند. پس شریک ساختن خویش و نزدیکان در امور زندگی امریست فطری، که در راستای اتمام و انجام کارها، و رسیدن به هدف، نسبت به دیگران نقش فعالی را بازی می کنند، برعکس بی پروایی در مورد آنها و محروم ساختن

شان در سهمگیری کارهای نیک، نتایج غیر مثبت بار آورده و با این کار دعوتگر از خیر بسیار، و نعمت بزرگ محروم می‌گردد.

۶- حمایت و نگهداری آنها از فتنه‌ها:

گناه و عصیان و گمراهی بر قلب انسان چیره شده و آنرا فاسد می‌گرداند، همچنان عقل و خرد را منحرف ساخته و به ارتکاب اعمال زشت می‌کشاند، بویژه در گردهم آیی بزرگی که زن و مرد در آن وجود داشته باشند، فرصتی مناسب، و موقع کم یابی برای اوباشان و بی‌خردان و مفسدانی که به حرمت خداوند جل جلاله و مراسم دینی اعتنایی ندارند مهیا می‌گردد، بخصوص فتنه‌زنها در همچو گردهم آیی و مراسم، انسان‌های پست و بی‌حیا را بی‌صبر و کم‌طاقت می‌گرداند. بنابراین آنحضرت صلی الله علیه و آله در موسم حج در مورد آل بیت شان علیهم السلام توجه شدیدی داشتند و بر حمایت و نگهداری آنان از شرشیطان تلاش می‌ورزیدند، تا سرمشقی برای امت گردد، که به برخی از نمونه‌های آن اشاره می‌نمایم:

*- هنگامیکه آنحضرت صلی الله علیه و آله مشاهده کردند که فضل بن عباس رضی الله عنه بسوی دختری از قبیله خثعم نگاه می‌کند، گردن فضل را با دست

شریف شان تاب دادند، تا راه شیطان مسدود گردیده و بر دل‌هایشان سهم شیطان اثر نگذارد، طوریکه علی رضی الله عنه روایت می کند که: (عباس رضی الله عنه فرمود: یا رسول الله! چرا گردن پسر عمویت را تاب دادید؟ آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: دیدم که پسر و دختر بسوی هم نگاه می کنند، از شر و فتنه شیطان در مورد شان هراسان شدم).^۱ و در روایت دیگری چنین فرمودند: (دیدم که پسر و دختر جوان - بسوی هم نگاه می کردند - از شر شیطان در مورد شان نگران شدم).^۲

*- همچنان همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در این حج، درحالیکه با ایشان یکجا بودند، هنگام روبرو شدن با مردان طواف کننده چادرهای شان را بر چهره های شان پایین می نمودند، و وقتیکه آنها می گذشتند دوباره چادرهای شان را بلند می نمودند.^۳

۱- جامع ترمذی (۸۸۵) با تحسین و تصحیح امام ترمزی و تحسین البانی (۷۰۲).

۲- مسند احمد با اسناد حسن (۵۶۴).

۳- سنن ابوداود (۱۸۳۳) در سند آن یزید بن ابی زیاد است که ضعیف می باشد لیکن با شواهد دیگر تقویت می یابد چنانکه از اسماء رضی الله عنها نزد ابن خزیمه شماره (۲۶۹۰) نقل است که فرمود: (ما روی های مان را از مردان می پوشانیدیم) و اسماء رضی الله عنها از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، پس واضح =

*- آنحضرت ﷺ به همسران شان توصیه می نمودند تا با مردان در طواف آمیخته نشوند - با آنکه زنان و مردان باهم یکجا طواف می نمودند - چنانکه از ام سلمه رضی الله عنها در این مورد نقل است که وی از بیماری خود به آنحضرت ﷺ شکایت کرد، آنحضرت ﷺ فرمودند: (از عقب مردم سوار بر شتر طواف کن) ^۱. و در روایت دیگر، آنحضرت ﷺ بوی فرمودند: (هرگاه نماز صبح برپا شد و مردم به نماز ایستادند تو بر شتر سوار شده طواف کن، ام سلمه نیز فرموده آنحضرت ﷺ را نافذ نموده و هنگامیکه طواف را به پایان رساند، بیرون آمده و نماز خواند). ^۲ همچنان از سخن ابن جریج رضی الله عنه بر می آید که زنان با مردان یکجا طواف مینمودند، طوریکه فرموده است: (عطاء رضی الله عنه بمن حکایت نمود که ابن هشام - حاکم مسلمانان - امر نمود تا زنان از مردان جداگانه طواف نمایند، گفت: چگونه زنان را از طواف با مردان منع میکنید

=میگردد که پوشانیدن روی زنها تنها مخصوص همسران پیامبر ﷺ نه، بلکه بر همه زنان و به طریق اولی واجب است.

۱- صحیح بخاری (۱۶۱۹).

۲- صحیح بخاری (۱۶۲۶).

در حالیکه همسران پیامبر ﷺ با مردان طواف نمودند، پرسیدم آیا اینکار قبل از امر به حجاب بود یا بعد از آن؟ فرمود: سوگند که بعد از امر به حجاب بود، پرسیدم: چگونه آمیخته با مردان طواف می نمودند؟ فرمود: آنان با مردان آمیخته نمی شدند، چنانکه عایشه رضی الله عنها در گوشه دور از مردان طواف می نمود،^۱ و به مردان نزدیک و یا آمیخته نمیشد، و در هنگام طواف زنی به عایشه رضی الله عنها گفت: ای مادر مؤمنان! بیایید که حجرالاسود را لمس کنیم؟ ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها فرمود: از جانب خود لمس کن و خودش اینکار را نکرد. همسران پیامبر ﷺ از جانب شب با شکل و سیمای نا آشنا برای طواف بیرون می آمدند و هرگاهی می خواستند وارد کعبه شریفه شود، انتظار می شدند تا مردان بیرون آیند، سپس آنها داخل کعبه می شدند، عطا رضی الله عنه افزود: من و عبید بن عمیر نزد عایشه رضی الله عنها در جوف ثبیر - کوهی معروف در منا است - جایی که ام المومنین مجاور شده بود می رفتیم، پرسیدم خیمه ام المومنین چگونه بود؟ فرمود: قبه ترکی بود که با غشایی

۱- فتح الباری از ابن حجر: ۵۹۶/۳.

پوشانیده شده بود که میان ما و ام المؤمنین حایل بود، و دیدم که ام المؤمنین پیراهنی گلابی برتن داشتند.^۱ در روایت دیگر عطا رضی الله عنه فرموده است: (درحالیکه من پسر کوچکی بودم، برتن ام المؤمنین پیراهن سرخ رنگی را دیدم).^۲ چنانکه سخن ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها به برده آزاد شده اش، دلیل واضحی بر آن است که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر زنان دور از مردان طواف می نمودند و با آنان نمی آمیختند، هنگامیکه زن آزاد شده ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها هفت بار برکعبه طواف نمود و دو یا سه بار حجرالاسود را لمس کرد، بوی فرمود: (خداوند پاداشت نهد، خداوند پاداشت نهد، آیا بر مردان تنگی و فشار می آوری، چرا تکبیر گفته عبور نکردی؟).^۳ پس اگر همچو کاری مشروع و جایز می بود، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله آنها ترک نمی کرد و یا هم دیگر زنان را از انجام آن باز نمی داشت.

۱- صحیح بخاری (۱۶۱۸).

۲- منصف عبد الرزاق (۹۰۱۸).

۳- سنن بیهقی: ۸۱/۵.

*- همچنان آنحضرت ﷺ دويدن آرام در سه دور اول طواف، و به سرعت حرکت نمودن میان صفا و مروه را بر زنان غير مشروع قرار داده اند، چنانکه از فرموده عايشه رضی الله عنها برمی آید: (ای گروه زنان! ما برای شما الگو هستيم، پس دويدن در طواف بر شما لازم نيست).^۱ و در روايت ديگر فرمود: (ما برای شما الگو و سر مشق هستيم، بر شما دويدن در طواف و میان صفا و مروه لازم نيست).^۲

*- چنانکه آنحضرت ﷺ به همسرانشان توصيه نمودند تا بعد از اداي حج، نشستن در خانه های شان را برگزينند، قسميکه در حجة الوداع آنها را مخاطب قرار داده فرمودند: (اين آخرين سفری بود، و بعد از اين زمان خانه نشینی تان فرا می رسد).^۳ اما امروز در نتیجه جهل و نادانی و ازدحام شديد در حج، فرصت مناسبی برای اوباشان و مفسدان بی وجدان مهیا گردیده و مرتکب اعمال ناشايسته می شوند، که بايد اولیای امور زنان در اين مسأله توجه

۱- سنن بیهقی : ۸۴/۵ .

۲- مصنف ابن ابی شیبه (۱۲۹۵) .

۳- سنن ابو داود (۱۷۲۱) با تصحيح البانی (۱۵۱۵) .

جدی بخرچ دهند و از خداوند ﷻ در مورد ننگ و ناموس خویش بترسند، و در هنگام طواف و دیگر اماکن پرجمعیت از زنان خویش حفاظت و نگهداری نموده و زمینه را برای مردمان بی حیا و اوباش و بی وجدانی که قدر و عظمت خداوند ﷻ و اماکن مقدسه را نمی شناسند، مساعد نسازند، هر چند اگر بعضی از امور مستحب زمانی و مکانی را هم ترک کنند باکی نیست، زیرا حفاظت عزت و کرامت و ناموس مقدم تر است بر مستحباتی که در حج خلل وارد نمی کنند، و دفع مفسد مقدم بر جلب چنین مصالح است. اولیای امور باید این نکته مهم را بدانند و درک کنند که زنان تحت مسئولیت و رعایت آنها قرار دارند، و باید در راه حفاظت و حمایت آنها همیشه سعی ورزیده و متوجه باشند، پیامبر ﷺ می فرماید: (هیچ بنده ای نیست که خداوند ﷻ او را به زاماداری رعیتی (هرچند اگر کوچک هم باشد) برگزیده و او درحالی بمیرد که برای رعیت خود خیانت ورزیده باشد خداوند ﷻ بهشت را بروی حرام میسازد).^۱ و در روایت دیگری فرموده

اند: (هر کسی که امور مسلمین به وی سپرده شود، سپس او برای شان کوشش و خیر خواهی نکند، از داخل شدن با آنها در بهشت محروم میشود).^۱

۷- بازداشتن آنها از منکرات و زشتی ها:

پیامبر اکرم ﷺ برپاگزگی آل بیت شان از گناه، زشتی و منکرات تلاش می ورزیدند، و اگر کسی از آنها در گناه یا خطایی واقع میشد، بلا فاصله آنرا تقبیح و انکار نموده و از آن باز میداشتند. بطور مثال:

*- ایشان عملاً برفضل بن عباس رضی الله عنه هنگامیکه بسوی دختری خثعمی که نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله برای پرسیدن مسأله آمده بود، نگاه میکرد، انکار نموده و از تکرار نظر وی جلوگیری نمودند.^۲

*- همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله فضل بن عباس را از نگریستن بسوی دخترانی که می دویدند منع نمودند.^۳

۱- صحیح مسلم (۱۴۲).

۲- صحیح بخاری (۱۵۱۳).

۳- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

*- آنحضرت ﷺ در این راستا آل بیت شان را نمونه و سرمشق دیگران قرار دادند، قسمیکه در عرفه برخواستند و به مردم خطبهٔ جامعی را ایراد نموده فرمودند: (آگاه باشید! هرآنچه از امور جاهلیت است در زیر دوگام نهاده شده است. و خونهای جاهلیت هدر است، و نخستین خونی را که از خونهای دورهٔ جاهلیت بی اعتبار می شمارم، خون ربیعہ بن الحارث است که در قبیلهٔ هذیل به قتل رسید، و سود دورهٔ جاهلیت بی اعتبار است. و نخستین سود از سودهای دوران جاهلیت مان را که بی اعتبار می شمارم، سود عباس بن عبدالمطلب است که همه اش را بی اعتبار اعلان می کنم).^۱

اما در عصر حاضر، در موسم حج بسیاری از مردم اعمالی را انجام میدهند که مخالف با هدایات و دستورهای آنحضرت ﷺ بوده، که حتی سبب باطل شدن حج شان می گردد، و یا حد اقل نقصانی در آن رخنه می نماید. و قسمیکه به نظر می آید، انواعی از منکرات و زشتی ها و گناهان میان حجاج صورت میگیرد، بویژه

۱- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

منکرات زنان بی باکی که حجاب را مراعات ننموده، زیب و زینت خود را به مردان نمایان می سازند. و یا هم با مردان نا محرم، با بیحیایی صحبت و مراوده می نمایند، و غیره امور دیگری که گنجایش ذکر آن در اینجا نیست. پس رحمت خداوند ﷻ بر کسانی باد که امانت را بصورت درست ادا نموده اهل و خانواده خویش را از اماکن گناه و فساد به دور نگه میدارند و آنها را به نیکویی امر نموده منکرات و زشتی ها را از آنان با نرمی و ملایمت و نیک اندیشی می زدایند.

۸- نرمی و مهربانی و آسانی بر آنان:

پیامبر خدا ﷺ در این حج با نرمی و ملایمت، محبت و شفقت با آل بیت شان رفتار می نمودند، ایشان ﷺ بر ناتوانان شان دل سوزی و همدردی می نمودند، و کار آسان را به آنها می پسندیدند و بر حاجتمندان شان مهربانی و همدردی و همکاری می نمودند، که بطور مثال به چند حالت در این مورد نظر می اندازیم:

* - آنحضرت ﷺ به همسران شان جانب آسان را اختیار نموده و برانجام آن امر می فرمودند، چنانکه از حدیث حفصه رضی الله عنها برمی

آید که آنحضرت ﷺ در حجة الوداع همسران شان را امر فرمودند تا از احرام بیرون آیند.^۱

*- همچنان آنحضرت ﷺ هنگامیکه نزد ضباعه دختر زبیر رضی الله عنه درحالیکه بیمار بود، رفته و فرمودند: (به حج برو، و شرط کن و بگو که خدایا! به حج رفتنم تا جایست که برایم توان رفتن را بدهی).^۲

*- آنحضرت ﷺ ضعیفان و ناتوانان خانواده خویش را از مزدلفه بسوی منا قبل از دیگران فرستادند، طوریکه در حدیث فضل بن عباس رضی الله عنه آمده که: (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شب مزدلفه به ضعیفان و ناتوانان اهل خویش امر فرمودند تا شبانگاه بسوی منا حرکت کنند).^۳

*- و از عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت است که فرمود: (چون به مزدلفه رسیدیم، سوده همسر پیامبر صلی الله علیه و آله که زنی چاقی بود از

۱- صحیح بخاری (۴۳۹۸).

۲- صحیح بخاری (۵۰۸۹).

۳- سنن نسائی (۳۰۳۴).

پیامبر خدا ﷺ اجازه خواست تا پیش از ازدحام مردم حرکت نماید، آنحضرت ﷺ برایش اجازه دادند، و او پیش از ازدحام مردم حرکت نمود، و به منا رفت، ولی ما تا صبح همانجا ما ندیم، و صبح همراهی پیامبر خدا ﷺ حرکت نمودیم.^۱ همچنان حدیث ابن شوال رضی الله عنه که فرمود: نزد ام حبیبه رضی الله عنها رفته و خبر دادم که پیامبر خدا ﷺ امر فرمودند اینکه شبانگاه از مزدلفه بسوی منا حرکت نمایند.^۲

*- همچنان هنگامیکه ام سلمه رضی الله عنها همسر پیامبر ﷺ از بیماریش به ایشان شکایت نمود، فرمودند: (از پشت مردم سوار بر شتر طواف کن).^۳

*- و از نمونه های مهربانی آنحضرت ﷺ برآل بیت شان، اجازه دادن به عباس رضی الله عنه بخاطر آب دادن حجاج، تا شبهای منا را در مکه بگذراند.^۴ پس اگر تعداد حجاج با پیامبر خدا ﷺ نسبت به این

۱- صحیح بخاری (۱۶۸۱).

۲- صحیح مسلم (۱۲۹۲).

۳- صحیح بخاری (۴۶۴).

۴- صحیح بخاری (۱۶۳۴).

زمان کمتر بود، با آن هم ایشان ﷺ پرهیزگارتین و مهربان ترین و با وقارترین این امت بودند، و آنحضرت ﷺ اینگونه اهل و خانوادهٔ شان را مورد عطف و مهربانی خویش قرار داده آسانی را به آنها می پسندیدند... و در عصر حاضر بزرگ سالان، زنان و کودکان بیشتر از هر وقتی دیگر به مهربانی و همدردی و شفقت ضرورت دارند، زیرا زیادی و کثرت حجاج، و وجود جهل و نادانی مسلمانان به احکام و مناسک حج باعث می گردد که در ادای مناسک بی پروایی صورت گیرد و چنانکه لازم است از ارشادات و فرامین الهی در ادای مناسک و سایر عبادات پیروی نکنند، اینهمه سبب میشود که ترس و هراس از الله ﷻ کاسته شده و عظمت اوتعالی در قلبها جایگزین نگردد، و بلاخره همدردی و مهربانی و شفقت به دیگران نیز از بین برود.

پس ای مسؤل و زمامدار خانواده! از خداوند ﷻ بترس و راه آسان و ساده را بر اهل بیت خویش در محدودهٔ ضوابط و مقررات شریعت و احکام آن برگزین، زیرا اینکار بسود خودت بوده و موجب پاداش بزرگ در نزد خداوند ﷻ می باشد.

۹- صبر و حوصله آنحضرت ﷺ در برابر اهل و اقارب شان:

ثابت نمودن صبر، حوصله و شکیبایی آنحضرت ﷺ در برابر آل بیت شان نیازی به بررسی و پیگیری خاصی ندارد، زیرا آنحضرت ﷺ از یکسو معلم و خیرخواه همه، و از سوی دیگر عهده دار شؤون حج خانواده خویش بودند، که در میان اهل و اقارب شان بزرگسالان، زنان، اطفال، و حتی بیماران و افراد سنگین وزن مانند همسرشان سوده رضی الله عنها وجود داشت، و بیمارانی مانند ضباعه و ام سلمه رضی الله عنها حضور داشتند و برخی دیگر از زنان مانند دختر پیامبر ﷺ فاطمه رضی الله عنها و همه ازواج آنحضرت ﷺ موجود بودند که نیاز به همدردی و مهربانی داشتند، چنانکه پسران بنی عبدالمطلب و بنی هاشم نیز در رکاب آنحضرت ﷺ همراه بودند، لیکن صبر و حوصله و تحمل هیچ کسی مانند صبر و تحمل آنحضرت ﷺ دیده نشده است، ایشان رضی الله عنه با وجود برداشت مسؤلیت تمامی حجاج، آنان را توجیه، توصیه و ارشاد نموده با قلب رحیم و پر از لطف، و با مهربانی بی مانندی، با سایر مردم و

اهل بیت شان رفتار می نمودند. چنانکه از احسان و انفاق ایشان همه مستمندان و بینوایان برخوردار شدند. ایشان ﷺ با حکمت و درایت، رعیت را رهبری نموده و حقوق همه را بجا آوردند، مردم را بسوی خیراندیشی و رستگاری دعوت نموده و در این راستا تشویق و ترغیب می نمودند، آنحضرت ﷺ با سینه فراخ و خالی از هرگونه کینه و کدورت، امور حج را به موفقیت کامل به انجام رسانیدند، و هیچگاهی از ایشان ﷺ سخنی زشت و یا جریحه دار، یا توهین و تحقیر و یا آسیب زبانی در مقابل کسی صادر نشده است.^۱

آنحضرت ﷺ با همچو اخلاق عالی قرآنی، و صفات حمیده، و همت بلند، و قناعت و زهد، عظمت و برتری بشر را بر سایر مخلوقات خداوند ﷻ به اثبات رساندند.

۱- در موارد فوق میتوانید به احادیث ذیل مراجعه نمایید: صحیح بخاری شماره های: ۱۶۸۱، ۵۰۸۹، ۶۶۴، ۴۳۹۸، ۱۶۷۸، ۱۷۸۸، ۱۶۳۶، و صحیح مسلم شماره های: ۱۲۱۸، ۱۲۱۱، و مسند احمد شماره های: ۳۵۱۳، ۲۶۵۹، ۲۵۰۷، و زاد المعاد: ۱۰۶/۲، و سیرت نبی ابن کثیر: ۲۲۲/۴.

به راستی که صبر و حوصله بر اهل خانواده مأموریتیست پر مشقت، و عملیست جلیل، که تنها اشخاص برجسته و والامقام از عهده آن بیرون آمده میتوانند، و جزانسانهای بردبار و مسؤولیت شناس کسی دیگر این مسؤولیت بزرگ را بدوش گرفته نتوانسته و حق آنرا کما يجب ادا نمیتواند، زیرا پیوسته بودن همیشگی و آمیختگی روزمره با اهل و فرزند، رویه تشریفاتی را آهسته آهسته کاهش یافته و غالباً هیبت مرد را نیز از بین می برد، پس در همچو احوال، مرد زمامدار خانواده به صبر و تحمل بیشتر نیاز دارد، تا امور منزل را به درستی پیش برده و انضباط خانواده را برقرار داشته باشد، و به هدف و مرام عالی که در راه آن تلاش دارد، برسد. بویژه در این موسم و گردهم آیی بزرگ مسلمانان که تعداد بیشماری در آن شرکت می نمایند، و بدیهی است که همچو مناسبات و برنامه ها خالی از رنج و زحمت و مشقت نخواهد بود که به همان پیمانۀ نیاز به صبر و حوصله دارد .

پس کسیکه خواهان سرای آخرت و به آن امیدوار است.... نفس خویش را بر صبر و تحمل ریاضت داده و در برابر زن و فرزند و

خویشان از شکیبایی و فروتنی کار بگیرد، تا در این راستا پیشوا و پیشقدم، و رهبر دیگران شده و آنان را بسوی هدایت فراخواند، زیرا رمز موفقیت در امور دین همانا صبر و یقین است، طوریکه خداوند ﷻ میفرماید: ﴿ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا

صَبَرُوا وَكَانُوا بِعَايِنَتِنَا يُوقِنُونَ ﴾ السجدة: ۲۴

(و از آنان چون صبر ورزیدند و به آیات ما یقین داشتند، رهبران و پیشوایان قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کنند).

و راه بدست آوردن محبت و رضایت و تأیید خداوند متعال همین است، طوریکه فرموده است: ﴿ وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴾ آل عمران: ۱۴۶

(و خداوند صابران را دوست می دارد) و همچنان میفرماید: ﴿ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴾ البقرة: ۱۵۳ (به تحقیق خداوند با صابران است) و همچنان صبر و حوصله و تحمل در برابر خانواده و فرزندان و خویشاوندان، الفت، محبت و صمیمیت را ایجاد می کند.

۱۰- مراعات احوال و یاری دادن آنها:

پیامبر ﷺ همیشه می کوشیدند تا در بارهٔ اهل بیت شان مرحمت نموده دل آنها را بدست آورند، خواسته ها و خواهشات آنان را که با اوامر الهی و مبادی اسلام تعارض نمیداشت برآورده می ساختند، و اگر احیاناً کاری خلاف توقعات آنها واقع میشد، آنحضرت ﷺ آنها را دل داری داده و می کوشیدند تا دل های شان نرنجد، و در حج نیز رویهٔ شان با آنان برهمن طرز و روش بود که به برجسته ترین نمونه های آن اشاره می نمایم: هنگامیکه آنحضرت ﷺ بر ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها وارد شدند، وی را در حالت گریه دیدند، زیرا وی بخاطر عادت ماهانه اش از ادای عمره محروم شده بود، آنحضرت ﷺ وی را دلداری داده و فرمودند: (ضرری بر تو نیست زیرا خودت نیز همچو سایر زنان، دچار این مشکل میشوی که خداوند جل جلاله آنرا مقرر نموده است. پس صبر را اختیار نموده اکتفا به حج کن و شاید هم خداوند جل جلاله عمره را نصیبت گرداند).^۱ ام المؤمنین فرمود: یا رسول الله! همقطارانم حج

۱- متفق علیه .

و عمره نموده برگردند و من تنها حج کرده برگردم؟ آنگاه پیامبر ﷺ عبدالرحمن بن ابی بکر را امر فرمودند تا عایشه رضی الله عنها را به تنعیم برده و نیت عمره نماید.^۱ و در روایت دیگری آمده که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: (طواف نمودنت برای حج و عمره ات کفایت می کند، لیکن عایشه رضی الله عنها نپذیرفت، پس آنحضرت صلی الله علیه و آله وی را با برادرش عبدالرحمن بن ابی بکر رضی الله عنه به تنعیم فرستادند و عمره بعد از حج را انجام داد).^۲

آیا کسی امروز مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اهل و خانواده اش در حج اینچنین به عطوفت عمل میکند؟ یا هدیایات و ارشادات ایشان را در برخورد با آنان پیاده می نماید؟! با تأسف در بسیاری از مردمان این عصر، حالات عجیب و غریبی را مشاهده می کنیم، از یکسو افراط و زیاده روی و سختگیری، و از سوی دیگر تفریط و بی توجهی و بی مهری ملاحظه می شود:

۱- متفق علیه و سنن ابو داود (۱۷۸۲) با سند صحیح .

۲- صحیح مسلم (۱۲۱۱) .

*- برخی از مردم خواسته‌ها و خواهشات خانواده را بفرامین و خواسته‌های پروردگار مقدم دانسته، تا جاییکه پا از حدود اوامر او تعالی بیرون نهاده و حرمت و ارزشهای دینی را پایمال مینمایند.

*- و برخی از مردم با رویه زشت و اخلاق بد، روی ترش و پیشانی چین خورده با اعضای خانواده خود پیش آمددارند، و در قاموس و فرهنگ چنین اشخاص کلمه بنام مشورت و گفت و شنود وجود ندارد، همچو اشخاص از همدردی و دل سوزی و دلداری، خیلی‌ها بدور هستند، و روابط آنها با افراد خانواده براساس فرمانروایی و استبداد، تند خوئی، درشت‌گویی، بی‌مهری، بی‌عاطفگی و سنگدلی استوار بوده و باید که امر و نهی آنان بدون تأخیری نافذ گردد و عذری هم پذیرفته نمیشود.

دین اسلام دینیست که میانه روی و اعتدال را در همه امور می‌پسندد و در همه حالات از غلو و افراط و بی‌توجهی و تفریط منع نموده است، و به همدردی و پیش‌آمد نیک با سینه فراخ، و پیشانی گشاده در رویه با خانواده تشویق می‌نماید، مشروط بر اینکه پا از حدود شرعی و حرمت آن جلوتر نگذارند. پس

اگر سعادت دنیا و آخرت را خواهانی، در تمامی شؤون زندگی ات معتدل و میانه روباش، و از هرگونه تفریط و بی میلی و بی توجهی برحذر باش.

۱۱- لطف و مهربانی و خوش رفتاری پیامبر اکرم ﷺ با آنان:

پیامبر اکرم ﷺ با خانواده و اقاربشان در حج رویه و سخن نیکی داشتند و آنها را مورد محبت و شفقت خویش قرار داده و با کودکان آنها خوشوقتی و مزاح و گشاده رویی مینمودند، جابر رضی الله عنه نیت نمودن آنحضرت صلی الله علیه و آله به حج و نیت کردن عایشه رضی الله عنها به عمره را چنین توصیف می کند: (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی ملایم و آسانگیر بودند، و هرگاه عایشه رضی الله عنها آرزوی چیزی را مینمود، آنحضرت صلی الله علیه و آله برایش برآورده مینمودند).^۱

و در این راستا نمونه و شواهدی زیادی وجود دارد که به برخی از آن اشاره می نمایم:

۱- صحیح مسلم (۱۲۱۳).

* - آنحضرت ﷺ به دختر عموی شان ضباعه بنت زبیر رضی الله عنها فرمودند: (ای عمه من! چه چیزی مانع حج تومی شود؟!)^۱.

* - همچنان فرموده آنحضرت ﷺ به عایشه رضی الله عنها هنگامیکه بسبب عادت ماهانه اش از ادای عمره محروم شده و می گریست، فرمودند: (ای زن عزیز! چه چیزی ترا به گریه آورده است؟)^۲. و قسمیکه عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت نموده فرمود: ما بچه های بنی عبدالمطلب در حالیکه بر مرکب های ماسوار بودیم نزد آنحضرت ﷺ در مزدلفه آمدیم، ایشان رضی الله عنه با دست شان بر ران های ما زده فرمودند: ای فرزندانم! تا وقتیکه آفتاب نتابد، بر جمره سنگ پرتاب نکنید)^۳. و در روایت دیگر چنین فرمود: (گروه ضعیفان و ناتوانان بنی هاشم که سوار بر مرکب های شان بودند رسیدند، و آنحضرت ﷺ بر ران های ما زده فرمودند: روانه منا شوید و تا زمانیکه آفتاب طلوع ننموده، بر جمره سنگریزه پرتاب

۱- سنن ابن ماجه (۲۹۳۶) با تصحیح البانی (۲۳۷۵).

۲- صحیح بخاری (۱۵۶۰).

۳- سنن ابن ماجه (۳۰۲۵) با تصحیح البانی (۲۴۵۱).

نکنید)^۱. و در دیگر روایت، آنحضرت ﷺ فرمودند: (ای برادرزاده گانم، ای پسران هاشم! قبل از ازدحام مردم به مناسبتاب کنید و نباید کسی از شما بر جمره بزرگ پیش از طلوع خورشید، سنگریزه پرتاب کند)^۲. پس شکوه و ناله ما به خداوند عزوجل در مورد مردمانی است که راه و روش و هدایات پیامبر اکرم ﷺ و اخلاق نیکوی ایشان را ترک نموده اند، تا حدی که بسیاری از خانواده ها در این موسم پرفیض، جز نزاع، کینه توزی، دشمنی، زشتی، تحقیر و توهین، منت، بد رفتاری و بیحرمتی، چیزی دیگر را از سرپرستان و بزرگان شان نمی آموزند، و گاهی هم بین اقارب سخن به دشنام، فحش و ناسزاگویی میکشد!

پس، از اقتدا به چنین مردمان و پیروی از آنان بپرهیز، زیرا همچو تعامل و برخورد بد و نامناسب از یکسو کینه و کدورت و دشمنی را ایجاد نموده و دل هارا میرنجاند، و از سوی دیگر منافی

۱- مسند احمد (۲۵۰۷) با اسناد صحیح .

۲- مسند احمد (۳۵۱۳) با اسناد صحیح .

با آداب حج بوده و مانع پذیرش حج و پاکی گناهان، و عفو و غفران الله سبحانه می گردد.

۱۲- احسان و نیکی با آنان:

احسان و نیکی آنحضرت ﷺ با اهل بیت شان با اشکال و انواع مختلف صورت گرفته است، که اگر در آن دقت شود با تأکید خواهی گفت که همه احوال ایشان ﷺ با آنان مملو از نیکی و احسان بوده است، زیرا هیچ گوشه نیست مگر اینکه فضل و کرم و سخاوت آنحضرت ﷺ در آن واضح و آشکار میگردد، که از شمارش بیرون است لیکن ما به نمونه های برجسته آن مرور میکنیم:

*- حرص و تلاش آنحضرت ﷺ بر آن بود که خانواده و اقارب ایشان همه باید در مناسک حج اشتراک نمایند و آنعه افرادی که نیت حج را نداشته اند نیز قانع شوند تا در این گردهم آیی بزرگ مسلمانان سهیم گردند، قسمیکه آنحضرت ﷺ نزد ضباعه رضی الله عنها رفته و فرمودند: (آیا اراده حج کردی؟) گفت: به خداوند سوگند مانع دیگری جز مریضی ام نیست، آنحضرت ﷺ فرمودند: (نیت

حج کن و شرط بگذار و بگو: خداوندا! هر جایی که مرا از حج بازداشتی همانجا محل بیرون آمدنم از احرام است.^۱

*- همچنان آنحضرت ﷺ همه همسران شان را در این حج با خود بردند،^۲ و چنین کاری مافوق عدل است، زیرا میتوانستند هیچ یک از آنان را با خود نبرده و یا هم میان آنها قرعه اندازی نموده و برنده را با خود ببرند.

*- چنانکه آنحضرت ﷺ پسرعموی خویش را باخود سوار نموده و از مزدلفه به منا رفتند.^۳

*- همچنان پیامبر اکرم ﷺ یک رأس گاو را از جانب همسران خویش قربانی نمودند، بدون اینکه خواهشی از سوی همسران شان در این مورد شده باشد.^۴

این خود بیانگر گوشه بزرگی از گوشه های کمال بشری است که مصداق فرموده ایشان ﷺ است هنگامیکه فرمودند: (بهترین شما

۱- صحیح بخاری (۵۰۸۹) صحیح مسلم (۱۲۰۷).

۲- زاد المعاد: ۱۰۶/۲، سیرت نبی از ابن کثیر: ۲۲۲/۴.

۳- صحیح بخاری (۱۵۴۴).

۴- صحیح بخاری (۱۷۰۹).

کسی است که نزد خانواده خود نیکو و شایسته باشد، و من در نزد خانواده ام نیکو و شایسته میباشم).^۱ نمونه و مثال های احسان و نیکی آنحضرت ﷺ به خانواده و اقارب شان قابل شمارش نیست، ایشان ﷺ از ابتدای دعوت اسلامی در مکه مکرمه سعی و تلاش میورزیدند تا آنها را بسوی دین حق برده و رضا و خوشنودی الله سبحانه را با ایمان آوردن و عمل صالح بدست آرند، بنابراین خداوند جل جلاله نیز خانواده و خویشان آنحضرت ﷺ را در پیام و ندای حق که عموم مردم مخاطب آن بودند، خصوصیت داده و فرمود: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ الشعراء: ۲۱۴ (و خویشان نزدیکت را بهراسان).

پس ای برادر ارجمند! خانواده و خویشان نزدیکت احق و اولی تر به احسان و نیکی، دنیوی و اخروی تو اند، پس راه و روش پیامبر بزرگ اسلام را با اهل و اقاربت به پیش گیر تا از جمله رستگاران شده پاداش وافر را بدست آوری و از بهره و نصیب دور ویا نزدیک آن برخوردار گردی.

۱- جامع ترمذی (۳۸۹۵) با تصحیح البانی (۳۰۵۷).

۱۳- حمایت و پاسداری از حقوق آنان:

آنحضرت ﷺ حقوق اهل بیت شان را حفاظت و حمایت نموده برنگهداری آن سعی می ورزیدند، و از تجاوز دیگران برحقوق آنها دفاع و پاسداری مینمودند، که برجسته ترین مثال آن را ابن عباس رضی الله عنه چنین حکایت میکند: (رسول خدا ﷺ برکعبه طواف نموده سپس حجرالاسود را با عصای که بدست داشتند لمس کردند، و بعد از فارغ شدن از طواف در جای آب دادن آمدند درحالیکه پسران عموی شان از چاه زمزم آب بالا می کشیدند، آب طلب نمودند و دلوآب را به ایشان بلند نمودند و آنحضرت ﷺ آب را نوشیدند، سپس فرمودند: (اگر از ازدحام و مزاحمت مردم بالای شما نمی ترسیدم، چون آنها با دیدن من آنرا جزو مناسک حج میدانند، من هم با شما آب میکشیدم).^۱

پس اگر در این ایام فرخنده و خجسته از تلف شدن حقی از حقوق خانواده ات در هراس هستی پس آنان را به گذشت از آن

۱- صحیح بخاری (۱۶۳۶) و مسند احمد (۲۲۲۷) با اسناد حسن .

تشویق نما، زیرا اینکار بهتر و سزاوارتر خواهد بود،^۱ اما اگر از حق خویش درنگداشتند، پس حق آنها را از ضایع شدن و برباد رفتن و تجاوز دیگران بر آن حفظ نما.

این بود گوشه‌ای از احوال پیامبر اکرم ﷺ در حج با اهل خانواده‌اش ﷺ و خودت ای زمام دار خانواده! اگر زن و فرزندان را واقعاً دوست داری و آنها را سرمایه‌ی زندگی ات می دانی، پس حال و احوال خویش را در حج و در غیر آن، با راه و روش، گفتار و کردار پیامبر اکرم ﷺ با خانواده‌اش ﷺ که در این صفحات بطور خلاصه و فشرده مطالعه نمودی، مقایسه کن، تا فرق و تفاوت میان بر خورد، روش و اخلاق تو، و پیامبر اکرم ﷺ آشکار گردد، سپس در راه پیروی و تأسی از اخلاق و کردار آنحضرت ﷺ سعی و تلاش جدی بخرج ده، و پس از پی بردن به نارسایی، کوتاهی و غفلت در ادای واجبات، در اندیشه و طرز تعاملت با آنان تجدید نظر کرده توجه و اهتمام

۱- اما آنحضرت ﷺ بخاطری اینکار را با اهل بیت شان نکردند زیرا که آب دادن راه کسب اجرو ثواب و بلندرفتن مقام و منزلت آنها در نزد خداوند ﷻ است والله اعلم.

خویش در راه کامیابی و رستگاری آخرت، و نجات و رهانیدن شان از آتش دوزخ، قبل از توجه به امور دنیوی و آماده ساختن لذتهای آن، به آنها معطوف بدار، و در تعلیم و آموزش اخلاق و آداب و احکام حج و سایر عبادات آنها سعی نما، و در برخورد و تعامل خویش دقت نما تا بیشتر از دوستان و رفقاییت، با آنان خوش صحبت و خوش رفتاری نمایی، زیرا حقوق اهل و خانواده ات مقدم و بزرگتر از هرکسی دیگر است، و مسئولیت بس بزرگی در قبال آنان بدوش توست، پس دستها را بلند نموده و از پروردگارت با کمال عاجزی و بیچارگی، و با ناله و زاری و اصرار بخواه تا ترا در این راه موفق گرداند و قدم هایت را راسخ و استوار سازد.

فصل سوم

احوال پیامبر ﷺ در حج با امت شان ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ در حج همزمان با قیادت و رهبری امت، تعلیم و ارشاد آنها را نیز به عهده داشتند که این امر هراسانی را به شگفت

می آورد. با وجود بدوش داشتن دو مسئولیتی بزرگ، ایشان ﷺ عمل افضل و اولی را انجام میدادند که هیچ انسانی قادر به انجام آن نخواهد بود، که این خود دلیل واضح و آشکار بر عظمت شأن و شخصیت عالی، و مقام والای ایشان ﷺ می باشد. ما بطور نمونه برجسته ترین احوال ایشان ﷺ را در قیادت و هدایت نمودن امت بیان می نمایم:

۱- تعلیم امت:

خداوند ﷻ پیامبرش ﷺ را معلم سهل و آسانگیر^۱ فرستاده است و در این راستا به اوج کمالش نایل گردیده اند، قسمیکه معاویه بن الحکیم السلمی رضی الله عنه ایشان ﷺ را توصیف نموده می فرماید: (من معلمی بهتر، نه قبل و نه بعد از پیامبر اکرم ﷺ دیده ام که با وجه احسن تعلیم بدهد).^۲ و اگر در حج آنحضرت ﷺ دقت نمایم در خواهیم یافت که ایشان ﷺ معلم واقعی و حقیقی بودند، چنانکه یار و صاحب شان ﷺ توصیف نموده است، یکی از نمونه های

۱- صحیح مسلم (۱۴۷۸).

۲- صحیح مسلم (۵۳۷).

سهل و آسانگیری آنحضرت ﷺ اینست که ایشان امر فرمودند تا در میان مردم قبل از فرا رسیدن موسم حج، بانگ زده و اعلان حج نمایند، تا بر کسانیکه خواهان حج با ایشان ﷺ هستند، آماده گی سفر آسان گردیده و به رکاب ایشان ﷺ بییوندند، به همین منظور آنحضرت ﷺ در ذی الحلیفه یک روز کامل انتظار ماندند تا کسانیکه نیت حج را دارند با ایشان ﷺ یکجا شده و عازم مکه گردند.^۱ بعد از ابلاغ پیام حج، مردم بسیاری وارد مدینه شدند و هر کدام آنها خواهش اقتدا به پیامبر اکرم ﷺ و فرا گرفتن مناسک از ایشان را داشتند^۲ که تعداد آنها به یکصد هزار فرد میرسید.^۳ آنحضرت ﷺ در طول مدت حج با مردم آمیخته بودند و خویش را بر آنها آشکار می نمودند تا برسوالات آنان پاسخ گویند، با وجود تعداد بیشماری مردم در این حج، باری هم واقع نشده که کسی از ایشان ﷺ دور و یا عقب زده و یا باز داشته شود،^۴ و نه

۱- سنن ابوداود (۱۹۰۵) با تصحیح البانی (۱۶۷۶) .

۲- مختصر سیرت نبی از محمد عبدالوهاب ص: ۵۷۲ .

۳- صحیح مسلم شماره های : ۱۱۸۷، ۱۲۱۸، ۱۲۷۳ .

۴- صحیح مسلم (۱۲۷۴) و مسند احمد (۲۸۴۲) با اسناد حسن .

هم پیرامون آنحضرت ﷺ کتک زدن و راندن و پس و پیش گفتن و فشار دادن به نظر نمی خورد.^۱ پیامبر اکرم ﷺ در این حج سعی نمودند تا رسالت الهی را به مردم ابلاغ نموده و حجت و دلیل را به مردم بیان و برپا نمایند، و در این روند آنها را برتعلیم و آموزش امور دین تشویق و ترغیب نمودند، همچنان ایشان ﷺ بخاطر توجه و دقت بیشتر مردم به گفتار و کردارشان، طرز و روشهای متنوعی را در سخنرانیها، توجیهاات و ارشادات شان بکار بردند و آنان را امر فرمودند تا از ایشان مناسک و احکام دین بویژه حج را فراگیرند، سخنان ایشان ﷺ در این مراسم مانند وصیت کنندگان است که با تمام جدیت و کوشش تلاش دارد امانتی که بدوش دارد با گفتار و کردار آنها بیان نماید، طوریکه در حدیثی به نقل از جریر رضی الله عنه روایت شده که پیامبر خدا ﷺ در حجة الوداع از وی خواستند تا مردم را به خاموشی و شنیدن فراخواند: (از مردم بخواهید تا خاموش باشند)،^۲ سپس فرمودند: (بعد از من کافر

۱- سنن ابن ماجه (۳۰۳۵) با تصحیح البانی (۲۴۶۱).

۲- سنن ابن ماجه (۳۰۲۴) با تصحیح البانی (۲۴۶۱).

مشوید که برخی از شماگردن برخی دیگر را بزند،^۱ همچنان حدیثی را که بلال رضی الله عنه روایت نموده که: (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بامداد شب مزدلفه بوی امر فرمودند تا مردم را خاموش سازد....)^۲، و از مردم مطالبه نمودند تا شاهدهی دهند که ایشان صلی الله علیه و آله و سلم رسالت الهی را به آنان ابلاغ نمودند و این درخواست را آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم چند بار تکرار نمودند: (هان! آیا تبلیغ نمودم؟)^۳ حضار نیز همه گواهی دادند بر اینکه شما ای رسول خدا! امانت الهی را بما رسانیدید، رسالت را ادا کردید، و نصیحت و خیراندیشی نمودید.^۴

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تنها با ابلاغ نمودن و آموزش فرامین الهی به مردم اکتفا نکردند بلکه هنگام سخنرانی روز عرفه از ربیعہ بن امیہ رضی الله عنه خواستند تا بعد از ایشان با آواز بلند سخنان شان را به مردم بشنواند،^۵ همچنان در روز عرفه شخصی را وظیفه دادند تا میان

۱- صحیح بخاری (۱۲۱) .

۲- سنن ابن ماجه (۳۰۲۴) با تصحیح البانی (۲۴۵۰) .

۳- صحیح بخاری (۱۷۴۱) و مسند احمد (۲۰۶۹۵) حدیث صحیح لغیره است .

۴- صحیح مسلم (۱۲۱۸) .

۵- سیرت نبی از ابن کثیر: ۳۴۲/۴ .

مردم رفته و خطبهٔ ایشان را به آنان ابلاغ نماید)^۱، و در منا نیز از علی رضی الله عنه خواستند تا مطالب و سخنان شانرا تکرار نموده تا مردمانیکه دورتر نشسته اند این سخنان را بشنوند، و مردم نشسته و بعضی هم ایستاده بودند)^۲. همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله اشخاصی را بسوی گروه های حجاج در عرفه و منا گماشتند تا سخنان ایشانرا به آنها برسانند.^۳

آنحضرت صلی الله علیه و آله در تعلیم و آموزش، طرز و شیوهٔ نوازش و مهربانی را بکار می بردند، چنانکه از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که فرمود: (ما بچه های بنی عبدالمطلب درحالیکه بر مرکب های ما سوار بودیم، نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله درمزدلفه آمدیم، ایشان صلی الله علیه و آله با دستشان بر ران های ما زده فرمودند: ای فرزندانم! تا وقتیکه آفتاب طلوع نکند، بر جمرهٔ بزرگ سنگ پرتاب نکنید).^۴

۱- سنن ابن داود (۱۹۴۹) با تصحیح البانی (۱۷۱۷).

۲- سنن ابی داود (۱۹۵۶) با تصحیح البانی (۱۷۲۳).

۳- سنن ترمذی (۸۱۳) با تصحیح البانی (۷۰۰) و مسند احمد (۱۰۶۶۴) حدیث صحیح است، و صحیح ابن خزیمه (۲۹۶۰) با اسناد صحیح.

۴- سنن ابن ماجه (۳۰۲۵) با تصحیح البانی (۲۴۵۱).

ایشان ﷺ نه تنها بزرگان و صحتمندان را تعلیم و آموزش میدادند، بلکه به ضعیفان و ناتوانان نیز توجه نموده و آنانرا آگاه می نمودند، بطور مثال فرموده ایشان ﷺ به ضباعه رضی الله عنها هنگامیکه گفت: (ای رسول خدا من اراده حج دارم لیکن بیمارم) فرمودند: (نیت حج کن و شرط بگذار و بگو: خدایا هرجایی که مرا از حج بازداشتی همان جا محل بیرون آمدنم از احرام است)^۱، همچنان فرموده ایشان ﷺ به ام سلمه رضی الله عنها وقتیکه از بیماری اش نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله شکایت نمود، فرمودند: (ازپشت مردم سوار برشتر طواف نما)^۲، و امر نمودن آنحضرت صلی الله علیه و آله به زنان و ناتوانان، اینکه از مزدلفه به منا از طرف شب حرکت نمایند)^۳. حتی کودکان نیز مورد توجه و آموزش آنحضرت صلی الله علیه و آله صورت میگرفتند، بامداد روز عید ایشان از ابن عباس رضی الله عنه که پسری بود، خواستند تا به ایشان سنگریزه های را جمع آوری کرده بیاورد، درحالیکه

۱- صحیح مسلم (۱۲۰۷).

۲- صحیح بخاری (۴۶۴).

۳- صحیح بخاری (۱۶۷۹)، و سنن نسایی (۳۰۳۴) با تصحیح البانی (۲۸۴۰).

آنحضرت ﷺ بر شتران شان سوار بودند فرمودند: (برایم سنگریزه جستجو کرده بیاور) ابن عباس رضی الله عنه فرمود: (من هم سنگریزه های سفالی را آورده و بردست شان گذاشتم، در حالیکه سنگریزه بر روی دستشان بود فرمودند: با همچو سنگریزه - جمره ها را باید زد-) ^۱.

همچنان فرموده آنحضرت ﷺ به پسران بنی عبدالمطلب: (تا وقتی که آفتاب نتابد، بر جمره سنگ پرتاب نکنید) ^۲.

آنحضرت ﷺ نه تنها به آموختن علم توجه داشتند بلکه جانب عمل را نیز مورد نظر داشتند، لذا احیاناً به حکمت های مشروع شدن برخی از مناسک اشاره می نمودند مثلاً فرموده اند: (همانا طواف بر کعبه و میان صفا و مروه و پرتاب سنگریزه همه بخاطر برپا نمودن ذکر خداوند جل جلاله است) ^۳.

۱- سنن نسایی (۳۰۵۹) با تصحیح البانی (۲۸۶۵) .

۲- سنن ابوداود (۱۹۴۰) با تصحیح البانی (۱۷۱۰) .

۳- سنن ابوداود (۱۸۸۸) اما البانی آنرا ضعیف خوانده است ، ضعیف الجامع (۲۰۵۶) و ارنوؤط آنرا تحسین نموده است ، تخریج جامع الاصول (۱۵۰۵).

همچنان آنحضرت ﷺ با یاد آوری فضایل و مراتب بعضی از اعمال، عزم و تصمیم امت را برانجام آن برمی انگيخته و همت ها را راسخ و متین می نمودند، بطورمثال فرموده ایشان ﷺ: (بهترین دعا، دعای روز عرفه است، و بهترین چیزی که من و پیامبران پیش از من گفته اند: (لا إله إلا الله وحد لا شریک له، له الملك و له الحمد و هو علی کل شی قدیر).^۱ یعنی: هیچ معبودی بحق جز الله ﷻ وجود ندارد، یکتاست و شریکی ندارد، پادشاهی و حمد و ستایش از آن اوست، و او بر همه چیز قادر و تواناست). همچنان فرموده اند: (لمس کردن حجر الاسود و رکن یمانی گناهان- صغیره- را محو و نا بود میکند).^۲ همچنان فرموده اند: (کسیکه خانه کعبه را طواف نموده و سپس دو رکعت نماز بخواند، پاداش آن مانند آزاد نمودن برده است).^۳ و در پاسخ به شخصیکه از ایشان پرسید کدام حج بهتر است؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: (تلبیه

۱- سنن ترمذی (۳۵۸۵) با تحسین البانی (۲۸۳۷).

۲- صحیح ابن خزیمه (۲۷۲۹)، صحیح ابن حبان (۳۶۹۸) با اسناد قوی.

۳- سنن ابن ماجه (۲۹۵۶) با تصحیح البانی (۲۳۹۳).

گفتن با آواز بلند و ریختن خون - قربانی -).^۱ همچنان در پاسخ به مرد انصاری در منا هنگامیکه از ایشان رضی الله عنه در مورد فضیلت بعضی اعمال پرسید فرمودند: (و اما هنگامیکه از خانه ات بسوی خانه کعبه بیرون می شوی، در برابر هر قدمیکه شتر - و یا هر چارپایی دیگر میگذارد، خداوند عز وجل برایت یک نیکی می نویسد و یک گناه را از تو محو می نماید، اما در بدل و قوف تو در عرفه، خداوند تبارک و تعالی به آسمان دنیا آمده و بفرشتگان افتخار نموده می فرماید: بندگانم را نگاه کنید که از راه های دور، آشفه و خسته و غبار آلود بسوی من آمده و انتظار و التماس رحمت مرا دارند، و از عذاب من در هراسند درحالیکه مرا بیچشم ندیده اند، پس اگر مرا میدیدند چه وضعیتی میداشتند! پس اگر گناهانت مانند ریگ صحرای عالج و یا مانند روزهای دنیا و یا مثل قطره های باران هم باشد، خداوند عز وجل در اینروز آنرا از تو شسته و پاک می نماید، اما پرتاب نمودن سنگریزه بر جمره، ذخیره و پس اندازی برای آخرت است، و اما - پاداش - تراشیدن

۱- جامع ترمذی (۸۲۷) با تصحیح البانی (۶۶۱).

موهویت، در برابر هرمویی یک حسنه و به تو داده میشود، و هرگاه طواف خانه کعبه را انجام دهی، از گناهانت مانند روزی که مادرت ترا تولد نموده بود، بیرون می آیی.^۱

آنحضرت ﷺ در این حج مردم را بر اتمام رسانیدن اعمال حج و نسک آن ترغیب نمودند، و آنان را بر ثمره نیک برخی از اعمالی که قبلاً انجام داده بودند، مژده دادند، طوریکه در حدیث بلال رضی الله عنه آمده که: (آنحضرت ﷺ بامداد شب مزدلفه فرمودند: (یقیناً خداوند عز وجل در این جمعیت انبوه شما فضل و کرم احسان خویش را ارزانی داشته است، مردمان بدکردار شما را بخاطر نیکان تان بخشیده، و به نیکوکاران شما هرآنچه که از او تعالی خواسته اند، عطا نموده است، پس بنام خداوند عز وجل حرکت نمایید).^۲

اما برجسته ترین اموری که آنحضرت ﷺ در تعلیم و آموزش آن به مردم سعی و توجه نموده اند از قرار ذیل میباشد:

۱- مصنف عبدالرزاق (۸۳۰) و معجم اوسط از طبرانی (۲۳۲۰) و سنن ترمذی (۳۵۸۵) با تحسین

البانی (۲۸۳۷) و صحیح مسلم (۱۳۴۸).

۲- سنن ابن ماجه (۳۰۲۴) با تصحیح البانی (۲۴۵۰).

*- آموزش احکام و آداب مناسک حج:

پیامبر اکرم ﷺ در تعلیم احکام حج شیوه جمع میان آموزش نظری و عملی را بکاربردند، قسمیکه روایت است که: (آنحضرت ﷺ) یک روز قبل از روز ترویبه، به مردم خطبه ایراد نموده و آنها را از مناسک حج شان آگاه ساختند^۱، سپس هنگام فرا رسیدن هر منسکی، حکم و آداب آنرا به مردم بیان می نمودند^۲.

از جمله: آنحضرت ﷺ در یکی از خطبه های شان در حجة الوداع، به مقام و منزلت بناهای اسلام اشاره نموده فرمودند: (از پروردگار تان بهراسید، و پنج نماز تانرا ادا کنید، و ماه تانرا- رمضان- روزه گیرید و زکات مال های خود را بدهید، و از زمامداران تان فرمانبرداری کنید، به بهشت پروردگارتان داخل میشوید)^۳.

۱- مستدرک حاکم: ۶۳۲/۱ و البانی آنرا در صحیح الجامع صحیح خوانده (۴۷۷۴).

۲- صحیح مسلم (۱۲۱۸) سنن ترمذی (۸۸۵) با تصحیح البانی (۷۰۲) و سنن ابوداود (۱۹۵۹) با تصحیح البانی (۱۷۲۴).

۳- جامع ترمذی (۶۱۶) با تصحیح وتحسین البانی (۵۱۲) و مسند احمد (۱۵۸۸۳) با سند ضعیف لیکن با مجموع طرقش حسن است.

مثال دیگر: آنحضرت ﷺ در یکی از خطبه هایشان بنیاد اساسی اسلام را پایه ریزی نموده و بنیاد شرک و امور جاهلیت را ریشه کن نمودند، و در مورد آنعه اموریکه همه ملتها بر تحریم آن متفق اند مانند عدم تجاوز بر خونها، اموال و ارزشهای مردم تأکید نمودند، چنانکه در زمینه فرمودند: (یقیناً خون ها و مال ها و آبروهای تان، در میان تان حرام است مانند حرمت این روز شما، در این شهر شما و در این ماه شما).^۱

و در مقام دیگر فرمودند: (آگاه باشید که گناهان بزرگ و مهلک چهار اند: بخداوند ﷻ چیزی را شریک نیاورید، ونفسی را نکشید که خداوند ﷻ کشتن آنرا حرام گردانیده مگر بحق، و زنا نکنید و دزدی نکنید)^۲، همچنان آنحضرت ﷺ در این حج بعضی از احکام شرعی را بیان نمودند مانند چگونگی غسل، و تکفین شخصیکه احرام برتن داشته است، طوریکه از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: (شخصی با پیامبر خدا ﷺ در عرفات

۱- صحیح بخاری (۶۷).

۲- مسند احمد (۱۸۹۸۹) با سند صحیح .

وقوف نموده بود، ناگهان این شخص از شترش افتاده و گردنش شکست و وفات نمود، پیامبر خدا ﷺ فرمودند: (او را با آب و سدر غسل دهید، و در دو جامه کفن کنید، خوشبویی به جسمش استعمال نکنید و سرش را نپوشانید، زیرا او در روز قیامت تلبیه گویان برمی خیزد).^۱

اما امروز، جهل و نادانی چنان برامت اسلامی حکمفرماست که بیشتر فرزندان آن از دین و آیین، علم و معرفت و فرهنگ دینی شان آگاهی نداشته و آثار دانستنیهای ضروری دینی در نزد آنان کاملاً ناپدید شده است، و تنها خویش را از روی عاطفه و یا بستگی میراثی به اسلام منسوب می نمایند، و اگر در مورد فهم و دانش یا برداشت آنها از اسلام پرسیده شود، هیچگونه معلوماتی در این عرصه ندارند، که این خود زمینه را به مردمان گمراه و هوا پرست مساعد ساخته، و از عواطف و احساسات پاک و پرشور مردمان ناآگاه سوء استفاده نموده افکار و اندیشه های باطل و ناپاک را باجلوه های زیبا و جذاب به آنان عرضه میدارند،

از اینروست که فساد فکری و عملی همیشه روبه رشد بوده و حق کنار زده شده و ناپدید میگردد.

ولی باز هم فرصت خوبی برای دعوتگران و خیراندیشان باقی مانده است تا فرزندان این امت را در موسم حج از دین، آیین و اصول دین شان با خبر ساخته و روح اسلام را در آنها تازه و زنده نموده، عزت و افتخار از دست رفته امت را به آنها برگردانند، زیرا دیار مقدس همه ساله میلیون ها مسلمان را در آغوش خود کشیده و روبه ازدیاد میباید.

پس وجیبه هر طالب علم و دعوتگر قادر و مخلص است که این فرصت خوب را از دست نداده و در راه آموزش برادران مسلمان خود سعی و تلاش ورزیده و بساط جهل و نادانی را با پخش و نشر نور هدایت بردارند.

۲- فتوا: یکی از مهمترین و بارزترین احوال آنحضرت ﷺ

در حج، بیان احکام، و حل مشاکل مربوط به حج و غیره عبادات، و پاسخ به سوالات مردم می باشد، زیرا آنحضرت ﷺ از آغاز

حج تا برگشت به مدینه بامردم آمیخته بودند و معضله و اشکالات آنها راحل می نمودند.

فتاوی آنحضرت ﷺ در این حج بسیار است، بطورمثال مشهور ترین فتاوی ایشان ﷺ اینست که: (زنی از قبیله خثعم گفت: ای رسول خدا! حج بر پدرم واجب شده است اما او مردی مسن است و نمی تواند برشتر بنشیند، آیا به عوض او حج کنم؟ پیامبر ﷺ فرمودند: به جای او حج کن).^۱

همچنان ایشان به کسانی که در مورد تأخیر و یا تقدیم بعضی از اعمال حج می پرسیدند پاسخ میدادند: (انجام ده، هیچ اشکالی ندارد).^۲ ملاحظه می شود که آنحضرت ﷺ در فتوا دادن به مردم چند اموری را مد نظر داشتند که بارزترین آنها از قرار ذیل میباشد:

* آنحضرت ﷺ سعی می ورزیدند که ایستاده شده و خویش را به مردم نمایان سازند تا همه، ایشان را دیده بتوانند و از ایشان

۱- صحیح مسلم (۱۳۳۵).

۲- صحیح بخاری (۸۳).

جویای توضیح مسایل دینی، بویژه احکام حج شوند، طوریکه از جابر رضی الله عنه روایت است که فرمود: (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حجه الوداع، طواف را سوار بر شترشان انجام دادند، و حجرالاسود را با عصای شان لمس نمودند، تا مردم ایشان را در مکانی مشرف دیده بتوانند و سوال های شان را مطرح نمایند، چون مردم گرداگرد آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم پیچیده بودند).^۱ و حدیثی که از عبدالله ابن عمرو رضی الله عنه روایت است که فرمود: (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حجة الوداع در ساحة منا برای مردم ایستادند تا از ایشان سوال نمایند)،^۲ و حدیثی که از عبدالله ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: (سپس آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم بخاطر پاسخ به سوالات مردم ایستادند).^۳

*- آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم همیشه مراعات احوال امت را می نمودند و جانب سهل و آسان را در فتوای شان بر می گزیدند تا بر مردمان حاجتمند و ناتوان تخفیف و آسانی صورت گیرد که نمونه های

۱- صحیح مسلم (۱۲۷۳).

۲- متفق علیه.

۳- صحیح بخاری (۶۲۲۸).

همچو فتاوی بسیار است، بطورمثال: از عایشه رضی الله عنها روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و آله برضباعه بنت زبیر وارد شده و فرمودند: (آیا اراده حج کرده ای؟ فرمود: به خدا سوگند من بیشتر اوقات بیمارم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: (نیت حج کن و شرط بگذار و بگو: خداوندا! هر جایی که مرا از حج بازداشتی همان جا محل بیرون آمدنم از احرام است).^۱ همچنان حدیث طولانی که از جابر رضی الله عنه روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: (اگر آینده کارم را میدانستم اینچنین نمی کردم، هدی (قربانی) نمی آوردم، و آن را عمره قرار می دادم، پس هر کسی از شما که قربانی با خود ندارد، باید از احرام خارج شود و آنرا عمره قرار دهد، سراقه بن مالک بن جعشم بلند شد و گفت: ای رسول خدا! آیا این حکم تنها برای امسال است یا همیشه؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله انگشتان شان را در هم فرو برده و دوباره فرمودند: عمره داخل حج شد، نه برای امسال، بلکه تا ابد).^۲ و از عبدالله ابن عمرو رضی الله عنه روایت است که فرمود: (من پیامبر صلی الله علیه و آله را در

۱- صحیح مسلم (۱۲۰۷).

۲- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

منا دیدم که خطبه ایراد مینمودند، مردی برخواست و گفت: گمان کردم که فلان عمل پیش از فلان عمل انجام داده میشود، سپس دیگری برخواسته گفت: من گمان کردم که اینکار قبل از آن کار است، دیگری گفت: پیش از اینکه ذبح کنم سرم را تراشیدم، و دیگری گفت: قبل از جمره زدن ذبح کردم و... امثال آن، آنحضرت ﷺ میفرمودند: باکی ندارد- همه در محلش انجام داده شده- در این روز هرکسی چیزی می پرسید ایشان میفرمودند: انجام بده اشکالی ندارد).^۱ همچنان از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که فرمود: (عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اجازه خواست تا بخاطر آب دادن به حجاج، شبهای منا را در مکه بگذرانند، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای او اجازه دادند).^۲ و از عدی رضی الله عنه روایت است که فرمود: (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به شتربانان اجازه دادند که می توانند شب در منا نمانند، روز نحر (قربانی) بر جمره سنگ بریزند، اما دو

۱- صحیح بخاری (۱۷۳۶).

۲- صحیح بخاری (۱۶۳۴).

روز بعد از آن را میتوانند یکجا در یکی آندو روز برجمرات سنگریزه پرتاب کنند).^۱

*- همچنان آنحضرت ﷺ می کوشیدند تا در موقع فتوا دادن، قناعت سوال کننده را حاصل نمایند، روایت است که مردی به ایشان گفت: ای رسول خدا! پدرم به اسلام مشرف شده، ولی مردی مسن است و نمی تواند برشتر بنشیند، آیا بجای اوحج کنم؟ پیامبر ﷺ فرمودند: اگر بر پدرت قرضی می بود، آیا آنرا از عوض او ادا نمی کردی؟ و آیا اینکار تو، قرض را از وی ساقط نمی کرد؟ گفت: بلی. آنحضرت ﷺ فرمودند: پس به جای اوحج کن).^۲

*- پیامبر اکرم ﷺ از صبر، حوصله و تحمل فایق، و نرمی، لطف و مهربانی بسزایی برخوردار بودند خصوصاً با کسانی که جویای حکم و یا فتوا و یا سوالی از ایشان میشدند که نمونه های آن از حساب بیرون است، بطورمثال حدیث طولانی که از جابر رضی الله عنه

۱- سنن ترمذی(۹۵۵) با تصحیح البانی(۷۶۳) .

۲- مسند احمد(۱۸۱۲) حدیث صحیح است .

روایت است که آنحضرت ﷺ بعد از یکشنبه روز انتظار در ذی الحلیفه، بسوی مکه عزیمت نمودند، جابر ﷺ می فرماید: (آنحضرت ﷺ بر شترشان سوار شدند تا آنکه شترشان در بیابانی وسیعی داخل شد، و در این هنگام تا چشم کار میکرد، نگاه کردم که پیشروی، راست، چپ و عقب آنحضرت ﷺ جمعیت انبوهی از سواره و پیاده دیده می شد، و پیامبر ﷺ در میان ما بودند).^۱ همچنان از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که فرمود: (هنگام ورود پیامبر خدا ﷺ به مکه، مردم دور ایشان جمع شده می گفتند: این است محمد ﷺ، این است محمد ﷺ، حتی که دختران جوان از خانه ها بیرون آمدند تا آنحضرت ﷺ را مشاهده کنند، چون در حضور پیامبر خدا ﷺ کسی زده و یا عقب رانده نمی شد، فشار مردم برایشان زیاد شد، سپس بر شتر سوار شدند، اما طواف وسیعی پیاده بهتر است).^۲ و در اخیر این حدیث ابن عباس رضی الله عنه می فرماید: (پیامبر ﷺ میان صفا و مروه بر شتر طواف نمودند، و اینکار

۱- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

۲- صحیح مسلم (۱۲۶۴).

در اصل سنت نیست، چون مردم در حضور پیامبر ﷺ رانده و یا با آنان برخورد صورت نمی گرفت - پس بخاطر ازدحام مردم - برشتر سوار شده طواف نمودند، تا از یک سو مردم بتوانند ایشان ﷺ را درست ببینند و سخنان شان را بشنوند، و از سوی دیگر دست های آنها به ایشان نرسد).^۱ همچنان از قدامه العامری رضی الله عنه روایت است که فرمود: (پیامبر اکرم ﷺ را در روز نحر (عید) دیدم که برشتر سرخ رنگ شان سوار اند و بر جمره سنگ پرتاب می نمودند، در حضور آنحضرت ﷺ نه راندن بود و نه کتک زدن و نه پس و پیش گفتن).^۲

* - همچنان پیامبر اکرم ﷺ در مورد حج فتاوی بسیاری به مردم ارایه نمودند، از جمله: هنگامیکه اسماء بنت عمیس رضی الله عنها در ذی الحلیفه طفلی بدنيا آورد، کسی را حضور پیامبر ﷺ فرستاد که حالا چکار کند؟ پیامبر ﷺ فرمودند: (غسل کن و پارچه ای را روی

۱- مستند احمد (۲۸۴۲) حدیث حسن است.

۲- سنن ابن ماجه (۳۰۳۵) با تصحیح البانی (۲۴۶۱).

محل خروج خون بگذار و نیت احرام کن).^۱ و هنگامیکه ایشان اصحاب را دستور دادند تا از احرام بیرون آیند، از ایشان پرسیدند: ای رسول خدا! این چگونه تحلل است (بیرون آمدن از احرام؟) فرمودند: (تحلل کامل است).^۲ (یعنی همه اشیاییکه بر شما بواسطه احرام بستن حرام شده بود، حلال است).

اوس طایبی رضی الله عنه از ایشان پرسید: ای رسول خدا! من از میان دو کوه طی آمده ام، شترم را ناتوان و خودم را خسته و افسرده نموده ام، بخدا سوگند هیچ کوهی را پشت سر نگذاشته ام مگر اینکه بر آن توقف کرده ام، آیا حج من صحیح است؟ آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: (کسیکه با ما در این نماز (صبح در مزدلفه) حاضر شده و تا وقتیکه حرکت کنیم توقف کند، و قبل از آن در عرفه، چه شب یا روز توقف کرده باشد، حجش کامل و مناسکش را انجام داده است).^۳

۱- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

۲- صحیح بخاری (۳۸۳۲).

۳- جامع ترمذی (۸۹۱) با تصحیح البانی (۷۰۷).

اما فتوای آنحضرت ﷺ در غیر امور حج نادر است که بطور نمونه به برخی از آن اشاره می نمایم: جابر رضی الله عنه در حدیث طولانی که روایت نموده می فرماید: سراقه بن مالک رضی الله عنه فرمود: ای رسول خدا! مسایل دین ما را بما شرح و بیان نمایید، مثلیکه همین حالا آفریده شده ایم، بخاطر چه عمل انجام می دهیم، آیا آنچرا انجام میدهیم که قلمها در مورد آن خشک گردیده و قدر- تقدیر- بر آن انجام پذیرفته؟ و یا آنچرا که در آینده انجام میدهیم مدار اعتبار است؟ فرمودند: (نه، بلکه آنچه که در مورد آن قلمها خشک گردیده و تقدیرها بر آن انجام پذیرفته است) سراقه رضی الله عنه فرمود: پس عمل بخاطر چه است؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: عمل کنید زیرا هر کس برای آنچه آفریده شده است عمل میکند.^۱ و حدیثیکه از ابی قتاده روایت شده که فرمود: (ما با پیامبر خدا ﷺ بخاطر ادای حج از مدینه بیرون شدیم من احرام برتن نداشتم، گوره خری را شکار نمودم، تعدادی از اصحاب که در احرام بودند از گوشت آن خوردند، سپس گفتند: ما از گوشت شکار خوردیم در حالیکه در

۱- مسند احمد (۱۴۱۶) با اسناد صحیح .

احرام هستیم! آنها متباقی گوشت را با خود گرفتند، هنگامیکه حضور آنحضرت ﷺ رسیدند در مورد آن سوال کردند: ایشان ﷺ فرمودند: آیا از میان شما کسی او را دستور حمله به آن داده و یا به آن اشاره ای کرده است؟ گفتند: نه خیر، فرمودند: پس از گوشت متباقی آن بخورید.^۱

*- پاسخ آنحضرت ﷺ به سوالات مردم نظر به خواست و احوال سوال کننده می بود، از اینرو غالباً پاسخ شان متوجه شخص سوال کننده می بود، بطورمثال هنگامیکه زن خثعمی از ایشان پرسید: ای رسول خدا! حج بر پدرم واجب شده است اما او مردی مسن است و نمی تواند برشتر بنشیند، آیا به عوض او حج کنم؟ پیامبر ﷺ فرمودند: آری، به عوض او حج کن.^۲ و در بعضی احوال پاسخ ایشان ﷺ عام می بود، چنانکه در حدیث عبدالرحمن بن یعمر رضی الله عنه آمده که: (مردمانی از اهل نجد نزد رسول الله ﷺ در

۱- صحیح مسلم (۱۱۹۶).

۲- صحیح بخاری (۱۵۱۳).

عرفه آمده سوالی پرسیدند، آنحضرت ﷺ امر نمودند تا شخصی با آواز بلند صدا زند که، حج عرفه است.^۱

*- دیگر شیوه و روش آنحضرت ﷺ در فتوا، ترغیب و تشویق بر انجام کارهای نیک است که یکی از مثال های بارز آن فرموده ایشان ﷺ به زنی است که کودکی را نزد آنحضرت ﷺ آورد و گفت: آیا حج این پسر صحیح است؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: بلی، و برای تو نیز اجر و ثواب هست.^۲

*- همچنان آنحضرت ﷺ نظر به خواست و تقاضای وقت، در جاهای متعددی فتوا داده اند، طوریکه ایشان در مدینه، هنگام احرام بستن در ذی الحلیفه، و در بیت الحرام، و عرفه، و مزدلفه، و منا و اثنای انتقال میان مشاعر حج، و هنگام عودت به مدینه منوره فتوا داده اند.^۳ در عصر حاضر با وجود زمینه و فرصت های خوبی که برای اهل علم و دعوتگران مساعد است و توانسته اند تا اندازه

۱- سنن ترمذی (۸۸۹) با تصحیح البانی (۷۰۵).

۲- صحیح مسلم (۱۳۳۶).

۳- نگاه : صحیح مسلم (۱۲۱۸، ۱۲۷۳، ۱۳۳۶)، و صحیح بخاری (۸۳) و سنن ترمذی (۸۸۸۹۱).

وسع و توان شان نقش بارزی را در راستای تعلیم و آگاهی حجاج انجام بدهند، ولی باز هم تقصیر در ادای واجب دعوت دیده میشود، چون اکثراً به مشاهده می رسد که عامه مردم بخاطر حل معضله و یا سوالات شان در هر وادی سرگردان و در جستجوی کسی اند که مشکلات شان را حل، و به سوالات شان جواب ارایه نماید، اینکار خود سبب میگردد تا همچو مردمان نزد عالم نما های بی علم، و یا نزد کسانی که قیافه و مظهر دانشمندان و علما را دارند رفته و سوال های خود را مطرح نمایند، پس بخاطر جلوگیری از اضرار فتواهایی که مبتنی بر علم و معرفت و دلیل شرعی نیست، باید ترتیبات و انتظام درست گرفته شود و در همه راه ها و خیابان های عبور و مرور و اقامت گاههای حجاج، جاهای خاصی را برای فتوا و ارشاد حجاج، با زبان های مختلف تعیین گردد، تا از یکسو دامن جهل و نادانی برچیده شود و از سوی دیگر راه صدور فتوا های غیرمسئولانه مسدود گردد.

همچنان لازم می بینیم که به حجاج آگاهی داده شود که درمورد مراجع و اشخاصی که از آنها فتوا می خواهند، اطمینان و یقین خود

را در صحیح بودن آن فتوا حاصل نمایند، و اگر اطمینان و یقین کامل در مورد فتوای شخصی حاصل ننمودند، لازم است از چندین شخص در آن مورد بپرسند، زیرا با سوال نمودن یک شخص و عدم قناعت بر آن، مسئولیت بر دوش خودشان خواهد بود، همچنان بر علما و دانشمندان و جهات ذی صلاح لازم است تا مردم را از فتوا دادن بدون علم و معرفت بر حذر نموده و خطر آنها بیان نمایند، زیرا اینکار افترا و دروغ بستن به خداوند ﷻ و پیامبرش ﷺ است، قسمیکه الله ﷻ میفرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا نَعْمُونَ﴾ [الأعراف: ۳۳]

(بگو- ای پیامبر- جز این نیست که پروردگرم فواحش را حرام کرده است، آنچه آشکار باشد از آن، و آنچه پوشیده باشد، و گناه را حرام کرده است و ستم و تجاوز را، و این که چیزی را با خدا شریک مقرر نکنید که او هیچ دلیلی بر حقانیت آن نازل نکرده

است و - حرام کرده است - این که چیزی را نمی دانید به خدا عزوجل نسبت دهید).

همچنان پیامبر اکرم ﷺ امت را از دروغ گفتن برایشان ﷺ بر حذر داشته فرموده اند: (دروغ گفتن بر من مانند دروغ گفتن بر شخصی دیگری نیست، کسی که بر من دروغی ببندد، باید جایگاهش را در دوزخ آماده نماید).^۱

۳- پند و نصیحت:

پند و نصیحت و وعظ نمودن، وظیفهٔ مصلحان، و پایهٔ محکم و استوار، و محور دعوت دعوتگران راستین است که خداوند عزوجل پیامبران قوی عزم خویش را به آن دستور داده است، طوریکه پیامبرش موسی علیه السلام را چنین مخاطب قرار داده میفرماید: ﴿أَنْتَ

أَخْرَجَ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ

إِبْرَاهِيمَ: ۵

۱- صحیح بخاری (۱۲۹۱).

(قوم خود را از تاریکی ها بسوی نور بیرون آور و ایام الله - وقایع نجات آنان - را به آنان یاد آوری کن) همچنان پیامبر ما خاتم المرسلین ﷺ را نیز مخاطب قرار داده می فرماید: ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا

أَنْتَ مُذَكِّرٌ﴾ الغاشیة: ۲۱

(پس تذکر ده که همانا تو اندرزگویی) یعنی: ای محمد ﷺ! مردم را پند و اندرز و بیم و هشدار ده، زیرا تو جز اندرزگویی و هشدار دادن، دیگر مأموریتی نداری.

پند و نصیحت یگانه راهی باز نمودن دل‌های بندگان، و جلب عواطف آنها بوده و در عین زمان کمک و یاری دهنده آنها در دوری جستن از لغزشها و نجات از غفلت میباشد، در نتیجه وعظ و نصیحت دل‌ها نرم شده و نور ایمانی به آن راه یافته و پرده سیاه، و مهری که بر آن نهاده شده محو و نابود میگردد و بنده را به خداوند جل جلاله نزدیک ساخته، عظمت و جلال او تعالی در اعماق آن نفوذ می نماید، که در نتیجه به فرمان الهی گردن نهاده و از نواهی او تعالی دوری و اجتناب می ورزد، بنابراین هر مسمان به وعظ و نصیحت و یاد آوری نیاز دارد، و تنها مردمان بادرک و

خدا ترس از اندر زها پند می گیرند و در صلاح و پرهیزگاری شان افزوده می شود، اما کسانیکه از هوی و هوس خویش پیروی کرده و بر عصیان پافشاری دارند، با وجود پند دادن به آنها سودی ندارد. لیکن با آن هم پند دادن و نصیحت به چنین مردمان مطلوب است، هر چند سودی نبخشد، خداوند ﷻ میفرماید: ﴿ فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَىٰ

﴿ سَيَذَكِّرْكَ مَنْ يُحْشَىٰ ﴾ الأعلى: ۹-۱۰

(پس اندرز ده اگر اندرز سود بخشد، آن کس که - از خدا- میترسد، به زودی پند خواهد گرفت). همچنان خداوند ﷻ میفرماید:

﴿ وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴾ الذاریات: ۵۵

(و پند ده که مؤمنان را پند سود می بخشد). از این رو پیامبر اکرم ﷺ امت را بسوی خیر و صلاح و رستگاری دعوت نموده و از شر و گناه و زشتی ها بر حذر نموده اند. آنحضرت ﷺ ناظر احوال اصحاب می بودند تا در وقتی مناسب به آنها پند و نصیحت تقدیم نمایند، تا مبادا خسته و دل سرد نشوند، بنابر این هنگامیکه وعظ،

نصیحت و اندرزهای پرمفعت ایشان که با فصاحت و بلاغت بی مثالی همراه می بود، به آنها تقدیم میکردند دل‌های آنان نرم شده و اشک از چشمان شان سرازیر میگردد.^۱ و قابل تاد آورست که وعظ و تذکیر و اندرز دادن یکی از مأموریت های مهم و ارشد آنحضرت ﷺ بود که خداوند جلّ و علاه ایشانرا به خاطر آن فرستاده است، طوریکه فرموده اند: (همانا صفت آنچه که خداوند جلّ و علاه مرا با آن فرستاده است، مانند شخصی است که نزد مردمانی رفته و میگوید: ای مردم! من لشکری را با چشمم دیدم - که تصمیم هجوم بر شما را دارد - و یقیناً من بیم دهنده ای آشکار هستم، پس خود را نجات دهید، برخی از آنان سخن او را پذیرفته و در اول شب با آرامی و آهستگی حرکت نمودند و نجات یافتند، اما برخی دیگر سخن او را تکذیب نموده و برجای شان نشستند تا آن که بامداد فرار سید و لشکر برآنان هجوم برده و همه شان را هلاک نمود، پس همچنان کسیکه از من اطاعت نموده و از آنچه که از جانب الله آورده ام پیروی کند، از نجات یافتگان است، و کسیکه

۱- جامع ترمذی (۲۶۷۶) با تصحیح البانی (۲۱۵۷).

نافرمانی مرا کرده و آنچه را که از حق آورده ام، تکذیب نماید، از جمله هلاک شدگان است.^۱

آنحضرت ﷺ در جاهای متعددی اصحاب را پند و نصیحت داده و نیروی پنهانی آنان را در جوش و خروش می آوردند، ایشان در عرفات، و در اثنای انتقال میان مشاعر مقدسه، و در منا در روز نحر، و ایام تشریق،^۲ و هنگام عودت به مدینه طیبه،^۳ پند و اندرزها و نصایح ارزشمند شان را به امت تقدیم نمودند. چون در این موسم پرفیض، نور ایمان و رحمت الهی چنان بر دلهای مردم حکمفرما می گردد که به هیچ وجه قابل توصیف نیست، که این

۱- صحیح بخاری (۷۲۸۳).

۲- صحیح بخاری شماره های (۱۶۷۱، ۱۷۴۱، ۴۴۰۳، ۴۴۰۶، ۴۴۰۷، ۵۵۵۰)، و صحیح مسلم (۱۲۱۸) و مسند احمد شماره های (۲۲۶۴، ۶۱۷۳، ۲۰۶۹۵) با اسناد صحیح.

۳- آنحضرت ﷺ هنگام عودت از حج بسوی مدینه در غدیر خم توقف نموده و به مردم پند و اندرزهای ارزشمند شانرا بیان نمودند، طوریکه از زید بن ارقم رضی الله عنه روایت شده که فرمود: (پیامبر خدا ﷺ هنگام عودت از حج در غدیر خم فرود آمده و فرمودند: من در میان شما دو چیز گرانها را گذاشتم که یکی از دیگر ارجمند تر است: کتاب خدا و اهل بیت من، پس ببینید که بعد از من چگونه با آنها برخورد دارید، زیرا آندو تا وقتی از هم جدا نمی شوند که برحوض من برگردند). سنن نسایی (۸۴۶۴) با تصحیح ذهبی، و سیرت نبی از ابن کثیر: ۴/۱۶۷.

چنین فضای روحانی خود سبب پذیرش پند و نصیحت بیشتر از هر وقتی دیگر می گردد.

*- همچنان آنحضرت ﷺ در این موسم و اجتماع بزرگ، فرصت ها را غنیمت می شمردند و مشاعر مقدسه و سایر اعمال حج را بهم پیوند ناگستنی میدادند، قسمیکه در خطبه یوم نحر(عید) فرمودند: (آیا میدانید این کدام روزاست؟ گفتیم: خدا و رسولش بهتر میدانند، آنحضرت ﷺ سکوت نمودند تا آنکه گمان کردیم شاید آنرا به نام دیگری غیر از نام اصلی اش نامگذاری کنند، همین بود که فرمودند: آیا یوم نحر نیست؟ گفتیم: آری. فرمودند: این کدام ماه است؟ گفتیم: خدا و رسولش بهتر می دانند، ایشان خاموش شدند تا آنکه گمان کردیم که بنام دیگری جز نامش بنامند فرمودند: آیا ماه ذوالحجه نیست؟ گفتیم: بلی، فرمودند: این کدام شهر است؟ گفتیم: خدا و رسولش دانتر اند. ایشان ﷺ خاموش شدند چنانکه گمان کردیم که شاید آنرا بنام دیگری غیر از نام اصلی اش نامگذاری کنند، فرمودند: آیا شهر حرام(مکه) نیست؟ گفتیم: آری، فرمودند: همانا خونها و مالهای تان

بر شما حرام است مانند حرمت این روز شما، در این ماه شما و در این شهر شما تا اینکه نزد پروردگارتان حضور یابید.^۱ همچنان در این روز هیچ سوالی از آنحضرت ﷺ در مورد تأخیر یا تقدیم اعمال حج نشد مگر اینکه میفرمودند: (باکی ندارد و اشکالی نیست) سپس فرمودند: (اشکالی نیست اشکالی نیست جز مردیکه آبروی برادر مسلما نش را سبک شمرده و پایمال نموده است- مانند غیبت و غیره- که با این کار در حق او ظلم روا داشته، پس در آن اشکال و نابودی است).^۲

*- همچنان پیامبر اکرم ﷺ پند و نصیحت در یک موضوع را در موضع های متعددی بیان می نمودند، مانند تأکید ایشان ﷺ بر حرمت خونها و مالها و آبروهای مسلمانان، در روز عرفه و روز نحر (عید) و وسط ایام تشریق^۳، و گاهی هم در عین وقت و زمان، یک مسأله را چندین بار تأکید و تکرار می نمودند طوریکه

۱- صحیح بخاری (۱۷۴۱).

۲- سنن ابو داود (۲۰۱۵) با تصحیح البانی (۱۷۷۵).

۳- صحیح بخاری (۱۷۴۱، ۶۷) و صحیح مسلم (۱۲۱۸) و مسند احمد (۲۰۶۹۵) صحیح لغیره، و سنن ابوداود (۲۰۱۵) با تصحیح البانی (۱۷۷۵)، و سنن نسائی (۴۰۰۲).

در حدیثی که ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده آمده، که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز نحر (عید) به مردم خطبه ایراد نموده و فرمودند: (ای مردم! این کدام روز است؟ گفتند: روز حرام، فرمودند: و کدام شهر است؟ گفتند: شهر حرام، فرمودند: کدام ماه است؟ گفتند: ماه حرام، فرمودند: همانا خونها و مالها و آبروهای تان بر شما حرام است مانند حرمت این روز شما، در این شهر شما، و در این ماه شما، و آنرا چندین بار تکرار نمودند).^۱

* - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر آنچرا می فرمودند، بدون تأخیری، ایشان صلی الله علیه و آله قبل از دیگران، به عملی نمودن آن مبادرت می ورزیدند، و هیچگاهی نشده چیزی را که بر انجام آن تصمیم نداشته اند، بر زبان آرند، و اگر به امری دستور می فرمودند خودشان در مقدمه قرار می داشتند، و اگر از چیزی باز می داشتند ایشان صلی الله علیه و آله از دورترین مردمان از آن چیز می بودند، بناءً آنحضرت صلی الله علیه و آله پرهیزگارتین و راستگوتین و نیکوتین مردمان روی جهان بودند.

*- سخنان آنحضرت ﷺ در پند و اندرزهای شان از درخشش در الفاظ و کوتاهی در جملات و درستی در مفاهیم آن و از عدم تکلف برخوردار بود، بنابر این هیچ گاهی دیده و شنیده نشده که در سخنان شان ﷺ طرز و روش بی قاعدگی، یا کلمات و عبارات رکیک و کمیاب استعمال شده باشد.

*- آنحضرت ﷺ توجه و اهتمام خویش را برمسایل مهم و بنیادی اسلام که محور و اساس نجات و رستگاری بندگان در آخرت، و پیروزی، آسایش و آرامش دنیوی آنان است، مبذول میداشتند. ایشان در پند و اندرزهای شان جانب دشوار و پرمشقت مسئله را جدی نگرفته و آنچه که در آن برای امت سهولت می بود، اختیار می کردند.

*- همچنان ایشان ﷺ پند و اندرز دادن را منحصر به خود ننموده بلکه به اصحاب کرام نیز مجال می دادند و خود به آنها بعضی امور را محول می کردند، طوریکه از بشر بن سعیم رضی الله عنه روایت شده که آنحضرت ﷺ به وی دستور دادند تا در روزهای تشریق با صدای

بلند به مردم بگوید اینکه در بهشت جز مؤمن کسی دیگر داخل نمیشود).^۱

*- آنحضرت ﷺ در اندرزه‌های شان همیشه ترس و بیم دادن از عذاب آخرت را ذکر نموده بلکه میان بیم دادن از آتش دوزخ، و امید واری به رحمت خداوند ﷻ و بهشت، و مژده های که به مؤمنان داده شده، جمع نموده و به امت بازگو مینمودند. بطور مثال فرموده ایشان ﷺ: (کسی که حج کند و فحش گویی نکرده و فسق ننماید، مانند روزی که از مادر تولد شده بود(بی گناه) بازمی گردد).^۲ همچنان در بامداد شب مزدلفه به مردم چنین فرمودند: (یقیناً خداوند ﷻ در این جمعیت انبوه شما فضل و کرم خویش را ارزانی داشته، و مردمان بدکردار شما را بخاطر نیکان تان بخشیده و به نیکوکاران شما هرآنچه که از اوتعالی خواسته اند، عطا نموده است، پس بنام خداوند ﷻ حرکت نمایید).^۳

۱- صحیح ابن خزیمه (۲۹۶۰) با اسناد صحیح.

۲- صحیح بخاری (۱۵۲۱).

۳- سنن ابن ماجه (۳۰۲۴) با تصحیح البانی (۲۴۵۰).

* - آنحضرت ﷺ نه تنها با گفتار به یاران شان پند و اندرز می فرمودند، بلکه بطور عملی نیز آنها را توجیه و ارشاد مینمودند، طوری که ایشان ﷺ به درهٔ بزرگی بنام محسر (جایی که خداوند ﷻ بر اصحاب فیل خشم و غضب خود را نازل کرد و همه از بین رفتند) رسیدند، با سرعت از آنجا عبور کردند، علی رضی الله عنه این صحنه را چنین بیان نموده است: آنحضرت ﷺ از مزدلفه به منا حرکت کردند تا به وادی محسر رسیدند، در این هنگام شترشان مضطرب گردید، سپس شتر را بازدن قمچین حرکت دادند تا اینکه به تیزی از آن وادی بیرون آمد و توقف نمود).^۱ در سال پیدایش پیامبر ﷺ در این وادی فیل های ابرههٔ حبشی که بخاطر ویران کردن خانهٔ کعبه آنها را با خود آورده بود از پیش روی بسوی شهر مکه باز داشته شدند و نتوانستند سیرشان را طی نمایند. ابن قیم رحمته الله نگاشته است: (عادت آنحضرت ﷺ بر آن بود که، از جاهایی که عذاب خداوند ﷻ برستمگاران نازل گردیده بود با سرعت بگذرند).^۲

۱- جامع ترمذی (۸۸۵) با تصحیح البانی (۷۰۲).

۲- زادالمعاد: ۲۵۵/۲.

پند و اندرز های پیامبر اکرم ﷺ به امت، جوانب مهم و قضایای مختلف را در برداشته و به آن اشاره می نمودند که با ذکر نمونه های بارز آن اکتفا می نماییم:

* - آنحضرت ﷺ از فانی بودن دنیا و کوتاهی عمر و زود گذر آن آگاهی دادند، تا مبادا مردم مفتون آن گردند و باعث غرور و تکبر شان گردد. این سخنان را قبل از غروب نمودن آفتاب در عرفه به مردم بیان نمودند: (ای مردم! از دنیای تان نسبت به آنچه که گذشته، به اندازه زمانی که از این روز شما نسبت به آنچه از آن گذشته است باقی مانده است).^۱

* - همچنان آنحضرت ﷺ به تقوی و پرهیزگاری، و امریکه سبب دخول بهشت می گردد امر فرمودند: (از پروردگار تان بهراسید، و پنج نماز تانرا ادا کنید و ماه تان (رمضان) را روزه بگیرید و زکات مالهای خود را بدهید و از زمامداران تان فرمانبرداری کنید، به بهشت پروردگار تان داخل میشوید).^۲

۱- مسند احمد (۶۱۷۳) صحیح لغیره.

۲- جامع ترمذی (۶۱۶) با تصحیح و تحسین البانی (۵۰۲).

*- همچنان ایشان ﷺ به امت آگاهی دادند که هیچ کسی کیفر و جزای جرم و جنایت دیگری را بر دوش نمیکشد، و هر که خود در نزد خداوند ﷻ مسؤل کردار و گفتار خویش خواهد بود، و هر فرد جوابگوی اعمال خود است، طوریکه فرمودند: (آگاه باشید! جنایتکار جز بر خویش تجاوز نمیکند، و هان! نباید تجاوز کاری بر فرزند خویش تجاوز کند، و نه فرزندی بر پدرش.)^۱.

*- آنحضرت ﷺ مردم را به اخلاق نیک و حمیده و انجام اعمال شایسته و سودمند تشویق و ترغیب نموده و از ارتکاب معصیت و گناه، بویژه در اثنای انجام دادن اعمال حج بر حذر نمودند، چنانکه فرمودند: (کسی که این خانه را حج کند و فحش گویی نکرده و فسق ننماید، مانند روزی که از مادر دنیا آمده بود(بی گناه) باز می گردد).^۲ و در مقام دیگر به مردم چنین فرمودند: (ثواب و خیر در شتاب و تیز راندن اسب و شتر نیست).^۳ و هنگامیکه از نیکی و

۱- سنن ابن ماجه (۲۶۶۹) با تصحیح البانی (۲۱۶۰).

۲- صحیح بخاری (۱۸۱۹).

۳- صحیح بخاری (۱۶۷۱) و مسند احمد (۲۲۶۴) حدیث صحیح است.

احسان در ایام حج پرسیده شدند فرمودند: (طعام دادن، و سخن گفتن خوش و نیک - احسان است)¹.

*- همچنان آنحضرت ﷺ امتشان را از غلو و زیاده روی در دین منع نمودند و بر اعتدال و میانه روی در همه امور، بویژه امور مربوط به دین امر فرموده اند، طوریکه در یکی از خطبه های شان فرمودند: (ای مردم! از زیاده روی و افراط در دین پرهیزید، زیرا کسانی که قبل از شما بوده اند، زیاده روی و غلو در دین هلاک کرده است)².

*- آنحضرت ﷺ در این حج توصیه و تأکید بر پیوسته داشتن روابط با خویشاوندان و نزدیکان نموده و در یکی از خطبه های شان درمنا چنین فرمودند: (مادرت و پدرت و خواهرت و برادرت سپس پائین تر از آنان - بر توحق احسان و نیکی دارند)³.

۱- مستدرک حاکم: ۶۵۸/۱، باتحسین هیشمی درمجمع: ۲۰۷/۳، والبانی درصحیح الجامع (۲۸۱۹).

۲- سنن ابن ماجه (۳۰۲۹) باتصحیح البانی (۲۴۵۵).

۳- المجمع الکبیر از طبرانی (۴۸۴) با تصحیح البانی درصحیح الجامع (۱۴۰۰).

*- همچنان ایشان ﷺ در مورد ضعیفان و ناتوانان و برده گان سفارش نمودند تا با آنها نیکی و احسان صورت گیرد. طوریکه فرمودند: (از خداوند عزوجل در مورد زنان بترسید، زیرا شما آنانرا به امانت الهی گرفته و با کلمه خدا استفاده جنسی ایشانرا برای خویش حلال ساخته اید).^۱ و در روایت دیگر در مورد آنها چنین سفارش نمودند: (آگاه باشید! و در مورد زنان وصیت به خیرنماید، زیرا آنها در نزد شما بمنزله اسیرانند).^۲ و در حدیث مرفوعی از آنحضرت ﷺ روایت شده که فرمودند: (برده گان تان، برده گان تان! از طعامی که میخورید برای آنها نیز بدهید، و از لباسی که میپوشید برای آنها نیز بپوشانید، اگر مرتکب گناهی شدند و آنها را عفو نکردید، پس بنده های خدا را بفروشید و آنها را شکنجه نکنید).^۳

۱- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

۲- جامع ترمذی (۳۰۸۷) با تحسین البانی (۲۴۶۴).

۳- مسند احمد (۱۶۴۰۹) با اسناد ضعیف، واصل آن در صحیحین از ابوذر رضی الله عنه روایت شده است.

صحیح بخاری (۳۰) و صحیح مسلم (۱۶۶۱).

*- پیامبر اکرم ﷺ بر اجتناب از آزار و اذیت دیگران توصیه و بر حذر داشته، و در طاعت و فرمانبرداری خداوند ﷻ و رسولش ﷺ و ترک گناه و معصیت ترغیب می نمودند، قسمیکه در یکی از خطبه های شان فرمودند: (آیا شما را از مؤمن آگاه نسازم؟ مؤمن کسیست که مردم در مورد مالها و جانهای شان بر وی اعتماد کنند، و مسلمان کسیست که مردم از دست و زبانش در امان بمانند، و مجاهد کسیست که با نفسش در راه طاعت و فرمانبرداری خداوند ﷻ برزمد، و مهاجر آنست که گناه و خطاهای خود را کنار گذاشته و ترک کند).^۱

*- همچنان آنحضرت ﷺ بر تبلیغ و رسانیدن فرموده های ایشان به دیگران ترغیب نمودند و از دروغ بستن به ایشان شدیداً نهی نمودند، چنانکه فرمودند: (شاد و خرم دارد خداوند ﷻ شخصی را که از ما حدیثی شنیده و آنرا حفظ کند تا آنکه به دیگری آنرا برساند، زیرا بعضی حمل کننده گان فقه، فقیه نیستند، و کسانی اند

۱- سنن ابن ماجه (۳۰۵۶) با تصحیح البانی (۳۱۷۹)، وصحیح ابن حبان (۴۸۶۲).

که فقه را به کسی حمل میکنند که نسبت به او فقیه تر اند).^۱ همچنان فرمودند: (همانا شما مرا دیده و از من شنیدید و شما در مورد من بازپرس خواهید شد، پس کسیکه بر من دروغ می بندد، یقیناً جایگاه خود را در دوزخ آماده نموده است).^۲

*- پیامبر اکرم ﷺ در این حج مردم را بر مناجات و حضور قلب در دعا فرا خواندند، تا حاجات خویش را به زاری و ناله و اظهار عاجزی و شکستگی از پروردگار بخواهند، تا مورد عفو و بخشش خداوند ﷻ و رحمت بیکران و بهشت برین اوتعالی نایل آیند، طوری که فرمودند: (هیچ روزی نیست که در آن خداوند ﷻ بندگان را از دوزخ آزاد نکند، بیش از روز عرفه، و اوتعالی نزدیک می آید- به آسمان دنیا- و بر فرشتگان افتخار نموده میفرماید: (آیا میدانید آنها چه میخواهند؟!)).^۳ ای کاش می دانستیم! وقتیکه پیامبر خدا ﷺ با چنین کوشش و تلاش پیهم، در اندرز دادن دو

۱- سنن ابن ماجه (۳۰۵۶) با تصحیح البانی (۲۳۸۰) .

۲- مسند احمد (۲۳۵۴۴) با سند صحیح .

۳- صحیح مسلم (۱۳۴۸) .

بزرگ مرد تاریخ، ابوبکر صدیق رضی الله عنه و عمر فاروق رضی الله عنه و متباقی عشره مبشره، و اهل بدر و اصحاب شجره، و سایر صحابه کرام رضی الله عنهم می کوشیدند و به آنان اندرزهای بزرگ و ارزشمندی میدادند که قلبها با شنیدن آن هراسان شده و وجدان مسلمان را تکان داده و به لرزش می آورد، و اشک را از دیده گان سرازیر می سازد، آیا نیاز ما به همچو اندرزها بیشتر از آنها نیست؟! آنحضرت صلی الله علیه و آله بخاطر ابلاغ این اندرزها افرادی را به مردم فرستادند تا میان آنان با آواز بلند صدا زده و آنان را آگاه سازند، در حالیکه آنان بهترین این امت بودند و از صفایی دل و علم فراوان برخوردار بوده، و در همه امور شان کم تکلف، صادق، راستکار، پارسا و با خدا بودند، و خداوند جل جلاله آنها را بخاطر یاری پیامبرش صلی الله علیه و آله و نصرت دینش برگزید، پس آیا ما بیشتر از آن بزرگان به پند و اندرز و آگاهی به دین نیاز نداریم؟! آیا ما نسبت به هر زمانی به آموختن احکام و مناسک حج محتاج نیستیم؟! در حالیکه میان ما، جهل، نادانی، غفلت، فراموشی، گناه، معصیت، شهوترانی رایج یافته و شبه های شیطانی بیش از هر زمانی دامن زده میشود؟!!

بدون شک این واقعه‌ی است که نمیتوان از آن چشم پوشید، و نباید مسأله را خورد و بی اهمیت شمرد، مسؤلیت بزرگ بدوش همه افراد امت است، بویژه صاحبان علم و معرفت، تا مردم را از خواب غفلت بیدارنموده و آنها را از دین و آیین شان آگاه سازند، امروز نیاز مسلمانان به علم و دانش اسلامی بیشتر از خورد و نوش شان است زیرا وضعیت چنین امر را ایجاب میکند. پس کسانی که قادر به اندرز دادن و آموزش امور دین به مردم هستند، نباید در انجام وظیفه شان سستی و کوتاهی نمایند، بلکه فرصت طلایی حج را غنیمت شمرده در راه آموزش و اندرز دادن حجاج تلاش ورزند، زیرا چنین موقعی مناسب در هیچ زمان و مکانی دیگر، امکان پذیر نیست. و امید است که خداوند عز و جل بوسیله کوشش و تلاش برادران دعوتگر، نفس های به خواب رفته بیدارگردیده، و دلهای پریشان و آشفته را زنده گرداند، تا این تلاش ها سبب تابیدن نور ایمان بر قلبها گردیده، تا فرزندان این امت با حضور قلب و اظهار عاجزی، به درگاه رب العزت روی بیاورند،

و سبب هدایت بندگان خدا ﷻ و نشر و پخش هدایات و ارشادات پیامبر خدا ﷺ در میان امت گردد.

۴- پرورش امت بر پیروی شریعت و فراگیری احکام آن از یک مصدر:

اسلام یعنی تسلیم شدن عام و تام همراه با خواری و ذلت به پروردگار جهانیان، و گردن نهادن به همه دساتیر و فرامین و ارشادات پیامبر اکرم ﷺ میباشد، و هیچ کسی بر آن ثابت قدم و استوار نخواهد ماند تا آنکه به قوانین و مقررات و فرامینی که از جانب خداوند ﷻ نازل گردیده، پایبند و تسلیم و از صمیم قلب، در ظاهر و باطن به آن منقاد و تابع نباشد، و هرگز بر چیزی از امور دین خورده گیری و اعتراض ننماید.^۱ طوریکه خداوند ﷻ

فرموده است: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ

بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا

تَسْلِيمًا ﴿ النساء: ۶۵

(چنین نیست که منافقان می پندارند، به پروردگارت سوگند که ایمان نمی آورند تا آن که ترا در آنچه میان شان مایهٔ اختلاف است داور گردانند و آنگاه در آنچه داوری کردی، هیچ دلتنگی در خود نیابند و تسلیم شوند- در ظاهر و باطن- به تسلیم شدنی) چنانکه آنحضرت ﷺ نیز فرموده اند: (سوگندبه ذاتی که جانم در دست اوست، یکی از شما ایمان نمی آورد تا آن که هوس و خواسته اش پیرو آن چیزی باشد که من آورده ام).^۱ امام شافعی رَحِمَهُ اللهُ فرموده است: (مسلمانان اتفاق نظر بر آن دارند که اگر سنت پیامبر خدا ﷺ برای کسی ثابت و واضح شد، بر چنین شخصی جایز نیست که فرموده آنحضرت ﷺ را در برابر قول کسی دیگر بگذارد).^۲

حج علامت گردن نهادن بنده به پروردگارش، و مدرسهٔ بزرگ تربیتی و ایمانی است که بنده در آن خویشتن را به خداوند یکتا

۱- شرح السنه از بغوی شماره : ۱۰۴، و محقق این حدیث را ضعیف گفته است و این رجب نیز صحت آنرا بعید خوانده ولی نووی آنرا صحیح خوانده و این حجرگفته: رجال آن همه ثقه اند، فتح الباری: ۲۷۹ / ۱۳.

۲- مدارج السالکین از ابن قیم: ۲ / ۳۳۵.

تسلیم نموده، درسهای متنوع و پندهای مؤثری که دلها را زنده می کند و ایمان را پرورش و تقویت و رونق می بخشد، در آن می آموزد. پیامبر اکرم ﷺ در این کنفرانس بزرگ مسلمانان، یاران خود را بر پیروی واقعی و صادقانه خویش تربیت نموده و در نفسهای شان لزوم پایبندی به سنت و طریقت خویش ﷺ را غرس نمودند، جابر رضی الله عنه حال را چنین وصف می کند: (پیامبر خدا ﷺ در میان ما بودند، قرآن بالایشان نازل می شد و ایشان رضی الله عنهم تفسیر آن را می دانستند و چیزی که به آن عمل می کردند، ما هم به آن عمل می کردیم).^۱ اینگونه تربیت بزرگ و آموزش سترگ بود که دیری نگذشت که درختان پرفیضی که آنحضرت صلی الله علیه و آله با دست مبارکشان غرس نموده بودند، ثمر و میوه آن رسیدن گرفت و هنگام چیدن آن فرا رسید، ما به طور نمونه به بعضی از مواقع این راد مردان تاریخ که در مدرسه نبوت پرورش یافته بودند اشاره می نمایم:

* - هنگامیکه عمر فاروق رضی الله عنه نزدیک حجرالاسود آمد تا آنرا بیوسد، فرمود: (من می دانم که توسنگی هستی که نه ضرر رسانده

می توانی و نه فایده، و اگر پیامبر خدا ﷺ را ندیده بودم که ترا می بوسیدند، ترا نمی بوسیدم).^۱ همچنان در موضع دیگری فرمود: (اکنون چه لازم است که رمل نمایم؟- دویدن آرام در سه دور اول طواف را رمل گویند- اینکار فقط جهت اظهار قوت برای مشرکین بود، اکنون خداوند ﷻ آنها را از بین برده است، بعد از آن فرمود: رمل چیزی است که پیامبر خدا ﷺ انجام داده اند، از این جهت نمی خواهیم آنها ترک نمایم).^۲

و در روایتی دیگر چنین فرمود: (آری، و سوگند به خداوند ﷻ آن چیزی را که پیامبر خدا ﷺ انجام داده اند ترک نمی نمایم).^۳

* علی ﷺ با خلیفه مسلمین عثمان ﷺ بر موضوع حج تمتع مخالفت نمود، زیرا عثمان ﷺ از جمع بین عمره و حج نهی نموده

۱- صحیح بخاری (۱۵۹۷).

۲- صحیح بخاری (۱۶۰۵). چون مشرکان مکه هنگام عمره قضا برکوهها بالا رفته بودند تا مسلمانان را ببینند، و میان هم میگفتند: تب یثرب آنها را ضعیف ساخته است، از اینرو رسول اکرم ﷺ فرمان دادند تا در سه طواف نخست پهلوانی کنند و در میان دورکن آهسته بروند، تا مشرکین برخلاف تصور شان، قدرت و نیرومندی مسلمین را مشاهده کنند، بنابراین حضرت عمر ﷺ فرمود: اکنون رمل لازم نیست.....) زیرا علت آن زایل شده بود، لیکن پیروی پیامبر خدا ﷺ تا روز قیامت باقی مانده است.

۳- سنن ابن ماجه (۲۹۵۲) با تصحیح و تحسین البانی (۲۳۹۰).

بود، چون علی رضی الله عنه این نهی را دید، حج و عمره را با هم نیت نمود، عثمان رضی الله عنه فرمود: (من از اینکار منع می نمایم و تو آنرا انجام میدهی؟! علی رضی الله عنه فرموده: سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به گفته هیچ کسی ترک نخواهم کرد).^۱

*- همچنان عبدالله پسر عمر رضی الله عنه هنگامیکه میخواست حجرالاسود را لمس نماید میفرمود: (اللهم ایماناً بک، و تصدیقاً بکتابک، و اتباعاً لسنة نبيک صلی الله علیه و آله و سلم).^۲

(خداوند! از روی ایمان بتو، و تصدیق کتاب تو، و به پیروی از سنت پیامبرت صلی الله علیه و آله و سلم). وی از وقتی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دید که حجرالاسود را بوسه و رکن یمانی را لمس می کنند، بوسه زدن حجرالاسود و لمس رکن یمانی را در وقت ازدحام و در غیر ازدحام ترک نکرده است).^۳ مجاهد رحمته الله میفرماید: (باری عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما را دیدم که در وقت ازدحام مردم، میخواست حجرالاسود را

۱- صحیح بخاری (۱۵۶۳) و سنن نسایی (۲۷۲۴) با تصحیح البانی (۲۵۵۲).

۲- المعجم الاوسط از طبرانی (۵۸۴۳) و هیثمی در مجمع الزوائد رجال آنرا صحیح خوانده: ۲۴۰/۳.

۳- متفق علیه.

بوسه زند، بینی اش چنان کج شد گویی که شکست، و از دو سوراخ بینی اش خون جاری شد).^۱ و هنگامیکه مردی در باره لمس کردن حجرالاسود از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما پرسید فرمود: من پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم که حجرالاسود را لمس نموده و بوسیدند، آن شخص گفت: حتی اگر ازدحام هم باشد، و به سبب لمس نمودن حجرالاسود لگدمال هم شوم؟! ابن عمر رضی الله عنهما فرمود: (اگر چنین شدم، و یا چنان شدم) را در یمن بینداز، (سوال کننده از یمن بود) من برای تو می گویم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را دیدم که حجرالاسود را لمس نموده و بوسیدند).^۲ و در جواب به شخصی که در باره نیت عمره سپس حج کردن پرسید (حج تمتع) فرمود: اینکار درست و جایز است، مرد گفت: پدرت از اینکار منع میکرد،

۱- سنن بیهقی: ۵/ ۸۱، مراد از حدیث آنست که عبدالله بن عمر رضی الله عنهما بخاطر انجام دادن سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آزار و اذیت مردم را متحمل می شد، نه اینکه - خدا ناخواسته - وی باعث آزار و اذیت مردم گردد، طوریکه امروز مردمان نادان سبب اذیت و آزار مردم میگردند، و این کار ناجایز است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شدیداً از آن منع نموده اند، چنانکه فرموده اند: (ای عمر! تو مرد قوی هستی، هنگام بوسیدن حجر بر مردم فشار میار تا سبب آزار و اذیت ناتوانان نگردی) مسند احمد (۱۹۰) حدیث حسن است.

۲- صحیح بخاری (۱۶۱۱).

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فرمود: تو برایم بگو: ازکاری که پدرم منع نموده ولی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آنرا انجام داده باشد، امر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مقدم است یا امر پدرم؟ مرد گفت: بدیهی است که امر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مقدم تر است، عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فرمود: (آنحضرت صلی الله علیه و آله چنین انجام داده بودند)!

همچنان شخصی دیگر به ابن عمر رضی الله عنهما گفت: ابن عباس رضی الله عنهما می فرماید: برخانه کعبه طواف منما تا آنکه به موقف (عرفه) نیایی، ابن عمر رضی الله عنهما فرمود: (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیش از اینکه به موقف (عرفات) بروند، خانه کعبه را طواف نمودند، پس اگر در سخت صادق هستی، پیروی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر تو مقدم و اولی تر است یا سخن ابن عباس).^۲ دانشمند بزرگ و ترجمان قرآن عبدالله بن عباس رضی الله عنهما هنگامیکه معاویه رضی الله عنه را دید که هر چهار گوشه کعبه را لمس میکند پرسید: (این دو رکن دیگر را که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله لمس نکرده اند تو چرا لمس می نمایی؟!) معاویه رضی الله عنه جواب داد: هیچ گوشه از کعبه

۱- جامع ترمذی (۸۲۴) ترمذی فرمود: حسن و صحیح است، والبانی آنرا صحیح خوانده است (۶۵۸).

۲- صحیح مسلم (۱۲۳۳).

را نباید مهجور گذاشت، ابن عباس رضی الله عنهما فرمود: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾
 الأحزاب: ۲۱

(به راستی که برای شما و برای کسی که به خداوند جل جلاله و روز آخرت امید (وایمان) دارد و خداوند را بسیار یاد میکند در (پیروی از) رسول خدا سر مشق نیکویی است). معاویه رضی الله عنه فرمود: (راست گفتمی).^۱ همچنان ابن عباس رضی الله عنهما حج تمتع را بهتر می دانست، روزی بوی گفته شد: ابوبکر صدیق رضی الله عنه و عمر فاروق رضی الله عنهما اینکار را نکرده اند، وی فرمود: (بخداوند سوگند! فرود آمدن عذاب خداوند را بر شما انتظار دارم، من از راه و روش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بشما صحبت می نمایم و شما از ابوبکر و عمر برایم حرف می زنید؟!)^۲.

۱- مسند احمد (۱۸۷۷) و این حدیث حسن لغیره است.

۲- مسند احمد (۲۲۷۷ ، ۳۱۲۱) و اسناد حدیث (۲۲۷۷) صحیح است، فقیه و متفقه از خطیب (۳۸۰) با اسناد صحیح و لفظ از وی است.

نمونه و مثال های زیادی از تربیت و پرورش پیامبر خدا ﷺ به یاران شان موجود است که آنها را بر پیروی مطلق خویش، و مرجع قرار دادن ایشان در همه امور متعلق به دین، و فراگرفتن وحی الهی از آنحضرت ﷺ آموزش داده اند، که به برجسته ترین آن اشاره می نمایم:

*- پیامبر اکرم ﷺ در چندین موضع از حجاج خواستار پیروی و اقتدای تام به ایشان ﷺ شده و در این راستا آنها را ترغیب و تشویق نمودند، و خاطر نشان نمودند که شاید این آخرین حج ایشان باشد، از اینرو چند بار این عبارت را تکرار نمودند: (مناسک تان را باید از من بیاموزید، زیرا من میدانم شاید بعد از این حج دیگر حجی نکنم).^۱

*- همچنان آنحضرت ﷺ در خطبه روز عرفه مردم را به پیروی و چنگ زدن به قرآن کریم تشویق نمودند و بیان داشتند که یگانه راه نجات از گمراهی و هلاکت همانا کتاب پروردگار می باشد،

۱- صحیح مسلم (۱۲۹۷) سنن ابن ماجه با تصحیح البانی (۲۴۴۹).

چنانکه فرمودند: (همانا من در میان شما چیزی را گذاشتم که هرگاه به آن چنگ زنید، هرگز گمراه نمی شوید، کتاب خدا).^۱

*- پیامبر اکرم ﷺ در این حج به امت هشدار شدید در مورد بدعت و نو آوری در دین و هوسرانی دادند، درحالیکه برشترشان در عرفات سوار بودند چنین فرمودند: (آگاه باشید: من قبل از شما برحوض حاضر میشوم و شما را مشاهده می کنم و همانا من بر سایر امت ها به زیادی شما افزونی و افتخارمی نمایم، پس مرا روی سیاه نسازید، و آگاه باشید که من مردمانی را- از دوزخ- میرهانم، و کسانی از میان وارد شدگان ربوده میشوند، من میگویم: ای پروردگار! آنها یارانم- از امت من اند- به من گفته میشود: تو آگاهی نداری که آنها بعد از تو چه چیزهای پدید آوردند).^۲

*- آنحضرت ﷺ نه تنها بر تربیه و تعلیم نظری اصحاب توجه داشتند، بلکه در جهت تربیه و پرورش عملی آنها نیز اهتمام می نمودند، ایشان ﷺ آنها را از غلو و زیاده روی در امور دین

۱- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

۲- سنن ابن ماجه (۳۰۵۷) باتصحیح البانی (۱۴۸۱) و فتح الباری از ابن حجر: ۱۱ / ۳۹۳.

بر حذر نمودند، طوری که از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و آله بامداد روز نحر (عید) در حالیکه بر شترشان سوار بودند به ابن عباس رضی الله عنه فرمودند: (برایم سنگریزه جستجو کن) ابن عباس رضی الله عنه فرمود: من هفت سنگریزه خذف (مانند دانه نخود یا باقلا) را آورده به ایشان دادم، آنحضرت صلی الله علیه و آله سنگریزه ها را در کف دست شان تکانیدند- تا گرد و غبار از آن دور گردد- و می فرمودند: (با اینگونه سنگریزه ها پرتاب نمایید) سپس فرمودند: (ای مردم! از افراط و زیاده روی در دین بپرهیزید زیرا کسانی را که قبل از شما بودند، افراط و زیاده روی در دین هلاک نمود).^۱

*- همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله هنگام انتقال میان مشاعر حج، اسامه بن زید رضی الله عنه و پسر عموی شان فضل بن عباس رضی الله عنه را با خود سوار نمودند تا مردم به ایشان اقتدا نموده و جویای احوال آنحضرت صلی الله علیه و آله از آندو شوند، و آنها نیز چشم دیدشان را به مردم برسانند، هنگامیکه پیامبر صلی الله علیه و آله اسامه رضی الله عنه را بین عرفه و مزدلفه با خویش سوار نمودند، مردم میگفتند: (دوست ما از احوال

۱- سنن ابن ماجه (۳۰۲۹) با تصحیح البانی (۲۴۵۵).

آنحضرت ﷺ ما را آگاه خواهد ساخت) و هنگامیکه فضل بن عباس رضی الله عنه میان مزدلفه و منا با ایشان رضی الله عنه سوار شد مردم گفتند: دوست ما احوال پیامبر رضی الله عنه را بما حکایت خواهد کرد.^۱

*- و از مثال های بزرگ پرورش امت بر پیروی و فراگیری وحی الهی از آنحضرت رضی الله عنه و مرجع و مصدر قرار دادن ایشان رضی الله عنه در امور دین، دستور دادن آنحضرت رضی الله عنه به کسانی که قربانی با خود نیاورده بودند، تا از احرام بیرون بیایند، چون برخی از یاران به اجرای امر ایشان مبادرت نورزیده و گفتند: (ما به منا میرویم درحالی که از ذکر (آلت) های ما منی بچکد!)^۲ زیرا آنحضرت رضی الله عنه اختیار را به مردم گذاشتند، و به کسانی که با خود قربانی نبرده بودند بیرون شدن از احرام و همبستری با همسران شان را مباح اعلان نمودند، طوری که در روایت ابن عباس مرفوعاً آمده که: (پیامبر رضی الله عنه بعد از ادای نماز فرمودند: هر که میخواهد نیت حج را

۱- مسند احمد (۲۱۸۶) رجالش نقه اند.

۲- صحیح مسلم (۱۲۱۶).

فسخ کرده و به عمره تبدیل نماید پس اینکار را بکند).^۱ همچنان قول جابر رضی الله عنه دلیل واضحی است که: (آنحضرت صلی الله علیه و آله به اصحاب اجازه دادند تا نیت عمره نموده و طواف کعبه نمایند و موی سرشان را کوتاه نموده و از احرام بیرون آیند، مگر کسانی که با خود قربانی آورده اند- آنها در احرام باقی بمانند-).^۲ همچنان جابر رضی الله عنه فرمود: (اما آنحضرت صلی الله علیه و آله در بیرون آمدن اصحاب از احرام تأکید نکردند و تنها آنها برایشان مباح اعلان داشتند).^۳ سپس هنگامیکه مشاهده نمودند که برخی هنوز هم متأثر به روش مردمان عهد جاهلیت مانده اند و تصور میکنند که عمره نمودن در ماه های حج از بدترین کارهای زشت است،^۴ چون این تصور پیروی از مناسک حج عهد جاهلیت است، آنحضرت صلی الله علیه و آله آنان را بر بیرون آمدن از احرام ملزم نمودند، تا بدانند که یگانه مرجع و مصدر

۱- صحیح مسلم (۱۲۴۰).

۲- صحیح بخاری (۱۷۸۵).

۳- صحیح بخاری (۷۳۶۷).

۴- صحیح بخاری (۱۵۶۴).

احکام و مناسک حج آنها، تنها خود پیامبر ﷺ است، و اصحاب کرام نیز به دستور ایشان ﷺ گردن نهاده و اطاعت نمودند).^۱

اما اگر امروز به طریقه و کیفیت که مردم حج را ادا میکنند نظر کنیم، در خواهیم یافت که انواع و اشکال مختلف نو آوریها در دین، و امواج گمراهی های گوناگون و هراسناکی دامنگیر این امت شده که یگانه راه نجات از آن و اصلاح سایر خلل ها، در پیروی کامل از راه و روش پیامبر اکرم ﷺ و یگانه دانستن ایشان ﷺ در فراگیری احکام و مرجع قرار دادن ایشان ﷺ در همه امور زندگی میباشد، پس بر علماء و دعوتگران لازم است تا امت را بر همچو اندیشه تربیت و پرورش نمایند، که در تحقق یافتن این هدف نیک موسم حج بهترین فرصت است که میتوان در خلال این ایام فرخنده فرزندان این امت را بر پیروی پیامبر اکرم ﷺ و مرجع قرار دادن ایشان ﷺ در همه امور زندگی ترغیب و توجیه نموده و آنان را باید قانع ساخت که هیچ مرجع و مصدري دیگر قابل اعتبار نیست که از آن پیروی و تأیید صورت گیرد.

پس برادر بزرگوار! حاجی محترم: اگر راه نجات را میجویی پس راه و روش یاران پیامبر اکرم ﷺ را پیش گیر و از خود آغاز نما و پیروی پیامبر خدا ﷺ را بخاطر نجات و رستگاری آخرتت بر خود لازم گردان، و این موسم پرفیض را سرآغاز زندگی نوین خویش گردان و صفحه جدیدی را در این راه بازنما، زیرا پیروی پیامبر خدا ﷺ شرط اساسی صحت عمل و پذیرش آن در نزد الله تبارک تعالی بوده و داخل شدن به بهشت و نجات از آتش مرتبط به آن می باشد، طوریکه دلایل بیشماری در این مورد روایت شده است، از جمله فرموده پیامبر اکرم ﷺ: (آنکه عملی را انجام دهد که دین ما آنرا تأیید نمی کند آن عمل مردود است)۱، و فرموده آنحضرت ﷺ: (همه امت من داخل بهشت خواهند شد مگر کسیکه از داخل شدن آن امتناع ورزد، گفته شد: ای رسول خدا! و چه کسی از داخل شدن به بهشت امتناع میورزد؟! فرمودند: کسیکه از من اطاعت کند وارد بهشت خواهد شد، و کسیکه

۱- صحیح مسلم (۱۷۱۸).

نافرمانی مرا کند وی کسی است که از داخل شدن به بهشت امتناع ورزیده است).^۱

۵- سعی پیامبر اکرم ﷺ بریکپارچگی امت و هشدار از ایجاد تفرقه:

یکی از اهداف والای اسلام، اتحاد، همبستگی، همدلی و هم‌رزمی مسلمانان در صف واحد است، که در زمینه فرامین الهی و ارشادات نبوی مبنی بر یکپارچگی امت و ایجاد فضای الفت و محبت میان آنان، و عدم تفرقه و اختلاف در قرآن کریم و سنت مطهره وجود دارد که از جمله آن فرموده خداوند ﷻ است:

﴿ وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۗ ﴾ آل عمران: ۱۰۳

(و همگی به ریسمان الله - عهد خدا، یا دین خدا، یا قرآن - چنگ زبید و پراکنده نشوید). و همچنان میفرماید: ﴿ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً

وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴾ المؤمنون: ۵۲

(درحقیقت این امت، امتی یگانه است، ومن پروردگار شما هستم، پس از من بهراسید). و میفرماید: ﴿مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا

الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٣١﴾ مِنَ الَّذِينَ فَرَقُوا

دِينَهُمْ وَكَانُوا شَيْعًا كُلِّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٣٢﴾ الروم: ۳۱-۳۲

(و از مشرکان نباشید، از کسانی که دین شان را پراکنده کردند و فرقه فرقه شدند، و هر حزبی به آنچه که نزد خود دارند دلخوشند) و پیامبر اکرم ﷺ میفرماید: (مسلمان برای مسلمان (یعنی رابطه مسلمانها با همدیگر در تعاون و همکاری) چون ساختمانی است که برخی، برخی دیگر را محکم می سازد. سپس آنحضرت ﷺ انگشت های خود را به همدیگر درآوردند).^۱ و همچنان فرموده اند: (دست خداوند همراهی جماعت مسلمانان است).^۲

حج فرصت طلایی است که میتوان طی آن وحدت و یکپارچگی، الفت و محبت را میان فرزندان امت اسلامی ایجاد نموده، و آنها را

۱- صحیح بخاری (۲۴۴۶).

۲- سنن ترمذی (۲۱۶۶) حدیث حسن غریب والبانی آنرا صحیح خوانده (۱۷۶۰) وارناؤوط درحاشیه جامع الاصول با شواهد دیگر آنرا حسن گفته است (۴۷۹۷).

از عواقب بد تفرقه و اختلاف، و اسباب و وسایلی که باعث آن میگردد برحذر نمود. از اینرو پیامبر اکرم ﷺ در این راستا توجه و اهتمام جدی بخرج داده و آنرا از اولویات شمرده اند، و بنا بر اهمیت این مسأله ایشان ﷺ در جاهای مختلف، بر وحدت و یکپارچگی امت تلاش نموده و بر آن تأکید نموده و مردم را به آن فرا خوانده اند، که در اینجا گوشه‌ای از سخنرانی های ایشان را که در این باره بیان نموده اند خدمت تان ذکر مینماییم:

*- آنحضرت ﷺ مساوات میان افراد امت اسلامی و عدم برتری یکی بر دیگر را قرار گذاشتند و خاطر نشان ساختند که برتری صرف در تقوا و پرهیزگاری می باشد. طوریکه در یکی از خطبه های شان در این موسم با عظمت فرمودند: (هان ای مردم! آگاه باشید که پروردگار شما یکی است و پدر شما یکی است، و آگاه باشید که هیچ عربی ای بر هیچ عجمی ای، و هیچ عجمی ای بر هیچ عربی ای، و هیچ سیاه پوستی بر هیچ سرخ پوستی، و هیچ سرخ

پوستی برهیچ سیاه پوستی، هیچگونه برتری‌ی ندارد، مگر به تقوی).^۱

*- همچنان پیامبر اکرم ﷺ به اطاعت و شنیدن و نصیحت زمامداران مسلمانی که قرآن کریم را دستور شان قرار میدهند، و پیوسته و منضم بودن با گروه مسلمانان تأکید به عمل آوردند، چنانکه فرموده اند: (بشنوید و فرمان برید هر چند بر شما غلامی سیاه و گوش بریده ای مقرر گردد که شما را با کتاب الله - قرآن - رهبری نماید).^۲ همچنان ایشان ﷺ درخیف واقع در منا فرمودند: (هرگاه سه خصلت در شخص مؤمن موجود باشد، کینه و خیانت، قلب ویرا فرا نمیگیرد: اخلاص در عمل بخاطر رضامندی خداوند جلّ و علا، نصیحت کردن پیشوایان و زمامداران مسلمانان، و پیوسته بودن با گروه آنان، همانا دعای سایر مسلمانان بدیگران شان، از عقب ایشان را احاطه می کند).^۳

۱- مسند احمد (۲۳۵۳۶) هینمی در مجمع الزوائد فرموده: رجال این حدیث همه رجال صحیح اند:

۲۶۶/۳

۲- صحیح مسلم (۱۲۹۸).

۳- سنن ابن ماجه (۳۰۵۶) با تصحیح البانی (۲۴۸۰).

*- همچنان آنحضرت ﷺ امت را از شر و مکر و حيله های شیطان بر حذر داشته فرمودند: (شیطان نا امید شده که مسلمانان در جزیره عرب او را بپرستند، ولیکن در فاسد نمودن و دگرگون ساختن دلها، و ایجاد ترک دوستی و محبت میان شان می کوشد).^۱

*- همچنان پیامبر اکرم ﷺ امت را بر دوری جستن از امور نوپیدا و بدعتها در دین دستور داده اند و از خطر آن هشدار داده فرمودند: (همانا من مردمانی را میرهانم، و کسانی از میان وارد شدگان- برحوض- ربوده میشوند، من میگویم: ای پروردگار آنها از امت من اند، به من گفته میشود: تو آگاهی نداری آنها بعد از تو چه چیزهای ایجاد نمودند؟).^۲

*- ایشان ﷺ امت را از تفرقه و اختلاف، و اموری که باعث آن در جوامع اسلامی میگردد، و از عدم شعله و رساختن فتنه های که سبب جنگ و خونریزی میان مسلمانان میگردد، هشدار دادند، ایشان بخاطر اهمیت این مسأله برخی از یاران را دستور دادند تا

۱- صحیح مسلم (۲۸۱۲) و مسند احمد (۲۰۶۹۵) حدیث صحیح لغیره است .

۲- سنن ابن ماجه (۳۰۵۷) با تصحیح البانی (۲۴۸۱) .

مردم را خاموش سازند و سپس فرمودند: (پس از من کافر مشوید که گردن یکدیگر را بزنید)^۱. همچنان از سبک شمردن و مباح دانستن خون، مال و آبروی مردم، امت را بر حذر نموده در خطبه های عرفه و منا و وسط ایام تشریق بر حرمت و ارزش آن تأکید نموده فرمودند: (همانا خون، مال و آبروهای شما در میان تان حرام است، مانند حرمت این روز شما، در این شهر شما، و در این ماه شما)^۲.

چنانکه از ظلم و تجاوز و گرفتن اموال مردم بدون رضایت آنها منع نموده فرمودند: (از من بشنوید! بعد از من زندگی خواهید کرد، آگاه باشید که بر کسی ظلم نکنید، بر کسی ظلم نکنید، بر کسی ظلم نکنید، بر مسلمان جایز نیست که مال مسلمانی را بدون رضایت خاطرش بگیرد)^۳. همچنان واضح ساختند که خداوند ﷻ میراثها را در کتابش تقسیم نموده و میراث هر انسانی را که نصیبش می‌گردد به وی داده است، قسمیکه فرمودند: (همانا خداوند نصیب هر انسان را

۱- صحیح بخاری (۱۲۱).

۲- متفق علیه .

۳- مسند احمد (۲۰۶۹۵) این حدیث صحیح لغیره است .

که میراث میبرد تقسیم نموده است، پس وارث حق وصیت را ندارد.^۱ چنانکه از غیبت، دست ویا زبان درازی، و تجاوز به آبرو های مردم منع نمودند، و آن هنگامیکه مردی از تقدیم و تأخیر ادای مناسک پرسید، ایشان صلی الله علیه و آله فرمودند: (باکی نیست، باکی نیست- در تقدیم و تأخیر مناسک- جز مردیکه آبروی برادر مسلمانش را سبک شمرده و پایمال نموده است- مانند غیبت، تهمت و غیره- که با این کار در حق او ظلم روا داشته، پس در آن عمل اشکال و نابودی است).^۲

*- همچنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امت را از خروج دجال آگاهی داده فرمودند: (خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده مگر اینکه امت خود را از او (دجال) بیم داده، نوح علیه السلام و پیامبرانی که پس از وی بودند از او بیم دادند، دجال در میان شما بیرون خواهد شد و اگر چیزی از امر و علائم وی بر شما پوشیده بماند، این پوشیده نمی باشد که

۱- جامع ترمذی (۲۲۱۸) با تصحیح البانی (۱۷۲۱).

۲- سنن ابو داود (۲۰۱۵) با تصحیح البانی (۱۷۷۵).

خدای شما یک چشم نیست، چشم راست دجال کوراست که گویی چشمش مانند دانه انگور برآمده است.^۱

با تأسف شدید امروز امت اسلامی را اختلاف و تفرقه ها از هم جدا و متلاشی ساخته است، فتنه ها و بلاهای گوناگونی دامنگیر شان شده گویی که خنجر بدست دارد و برسینه امت زانو زده است، از سوی دیگر دشمنان قسم خورده اسلام، مانند سکولرست ها و ملحدان، شب و روزبر ایجاد تفرقه و اختلاف میان فرزندان این امت دست بکار اند، ولی با وجود دسیسه و توطئه های شان، از مقابله با اسلام و پیروان آن عاجزآمده و ناکامی خویش را اعلان نموده اند، پس یگانه راه موفقیت، همانا اتحاد و همبستگی و برگشت به خداوند عز وجل و دین وی است که باید مسلمانان به ریسمان محکم اسلام چنگ زده صفوف شان را منسجم ساخته، پراکندگی را به وحدت، دشمنی را به اخوت، و کسالت را به نشاط مبدل سازند، و چون رادمردان صدر اسلام که مرگ و زندگی شان بخاطر عزت و اعتلای کلمه الله عز وجل بود، عزت و قوت گم شده را

دوباره بدست آرند. موسم با عظمت حج، این گردهم آیی بی نظیر مسلمانان فرصتی خوب، و سرآغازی مناسب، بخاطر ایجاد وحدت و همبستگی میان مسلمانان جهان است، زیرا ملیون ها مسلمان با قلبهای مملو از صفا و صمیمیت و بدن های آماده به هرگونه قربانی و فداکاری، در سرزمین مقدس مکّه مکرمه، با یک دل و یک جان، و بریک کلمه و یک دین و آیین، بازبانهای مختلف، و رنگهای گوناگون، و نژاد های متنوع، و فرهنگ های متفاوت، و وضعیت های اقتصادی و اجتماعی مختلف، بدون هیچگونه تبعیضی، گردهم جمع می شوند.

پس ای برادری مسلمان! حاجی محترم: تو یگانه کسی هستی که آرزوهای دیرینه مسلمانان را که سالها چشم براه آن هستند برآورده نمایی، تو کسی هستی که با حضورت در این موسم پرفیض و کنفرانس جهانی مسلمانان، رسم و رواج جاهلیت را از میان برداری، و در راه وحدت و یکپارچگی امت سهم فعالی داشته باشی، تو با خدایت عهد و پیمان ببند و اعلان محبت و دوستی واقعی خویش را با پروردگارت نما، و با قاطعیت تصمیم بگیر که،

کسی را که خداوند ﷻ دوست دارد دوست، و کسی را که خداوند دوست ندارد با وی قطع رابطه و دشمن بگیری، سپس این دوستی را میان حجاج و هموطنان خویش پخش و نشر کرده، از آنها دعوت بعمل آور تا مانند تو با خداوند ﷻ عهد و پیمان دوستی ببندند، و باید زندگی خویش را مطابق فرامین و دستورهای او تعالی و رسولش ﷺ عیار نموده و هر چیزی را که بخود دوست داری و می پسندی، به دیگر مسلمانان نیز پسند، و در راه تحقق اهداف والای اسلام از هیچ فداکاری دریغ ننموده و کمک و همکاری و محبت مسلمانان را شعارت گردان، و هیچگاهی گرویده راه و روش غیر مسلمانان نشده بیش از حد ضرورت با آنها سر و کار نداشته باش، و هرگاه موفق به انجام چنین کارهای شایسته شدی، بدان که در راه مستقیم قرار گرفته، خیر برکت و موفقیت و سعادت دنیا و آخرت یاور توست، و در راه وحدت و یک پارچگی امت اسلامی پیش از سخن و شعار، گامهای عملی و جدی برداشته ای که ثمره و حاصل آنرا عنقریب خواهی چید.

۶- رهبری کامیاب و برخورد و معامله نیک با مردم:

خداوند ﷺ پیامبر بزرگش ﷺ را با اخلاق عالی و آداب با شکوه مزین و آراسته نموده که بوسیله آن توانستند از عهده رهبری موفقانه بدر آمده و با رویه نیک و اخلاق والایشان که از قرآن سرچشمه گرفته بود، قلبهای مردم را بخود جلب و گرویده نمایند، بنابراین هنگامیکه مردم از برنامه حج آنحضرت ﷺ آگاهی یافتند، با شتاب و اشتیاق، خود را به مدینه رسول رسانیدند، تا تحت قیادت و رعایت و پرچم ایشان حج شانرا ادا نمایند، در این موسم عظیم جمعیت انبوهی از سراسر جزیره عرب به مدینه روی آوردند که تعداد دقیق آنرا جز خداوند ﷺ کسی دیگر نمیداند، ولی برخی از دانشمندان و مؤرخان، تعداد اشتراک کنندگان در این حج را به بیش از یکصد هزار شخص تخمین نموده اند.^۱ هرکدامی میخواست تا به ایشان اقتداء نموده و مانند آنحضرت ﷺ مناسک خود را انجام دهد.^۲ از اینرو وجود ایشان در این حج، تأثیر عمیق

۱- مختصر سیرت رسول از محمد بن عبدالوهاب: ۵۷۲.

۲- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

و بسزایی در دل‌های آنان گذاشته بود، ایشان توانستند با اخلاص کامل و وجه احسن آنرا توجیه و رهبری نمایند که نظیر آن در تاریخ بشریت ثبت نشده است.

این جملات کوتاه نمیتواند همه جوانب این مراسم بزرگ و پرشکوه و با عظمت را، که در آن دسته‌های بزرگ مردم، فوج فوج اشتراک داشتند و آنحضرت ﷺ نیز با حکمت و درایت، و اخلاق عالی شان آنها را رهبری می نمودند، چنانکه شایسته است به تصویر بکشد، لیکن با ذکر نمونه و اشارات کوتاه بر آن روشنی می اندازیم، تا بتواند مثال زنده، و دلیل آشکار از برخورد و تعامل و قیادت آنحضرت ﷺ باشد. که آنرا ذیلاً خدمت تان پیشکش می نمایم:

أ- آنحضرت ﷺ الگو و قدوة حسنه بودند:

الله تبارک و تعالی مردمانی را که سخن نیک و شایسته میگویند ولی به آن عمل نمی کنند، نکوهش نموده و آنرا عیب و عمل ننگین

تلقى نموده است، طوریکه میفرماید: ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ

أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ نَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ البقرة: ۴۴

(آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید حال آنکه خود را فراموش می‌کنید؟ با این که شما کتاب خدا ﷻ را می‌خوانید، آیا هیچ نمی

اندیشید؟) و در آیت دیگر میفرماید: ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا

لَا تَفْعَلُونَ ﴿۱﴾ كَبْرًا مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ الصف: ۲-۳

(ای مؤمنان! چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید، نزد خداوند بس منفور است که چیزی بگویید که انجام نمی‌دهید).

چون اخلاق آنحضرت ﷺ قرآن بود، لذا امت را به هیچ کاری دستور نمی‌دادند مگر اینکه خود شان پیشقدم‌ترین آنها در انجام آن می‌بودند، و از هیچ کاری امت را منع نمی‌کردند مگر اینکه دورترین آنها از آن کار می‌بودند.

و در موسم حج اخلاق عالی و شخصیت والا مقام ایشان به همه هویدا گردید. گوشه‌های متنوع و مختلفی از مواقف

ایشان ﷺ که سرمشق و نمونه زنده به امت است در این موسم آشکار شد که به برخی از آن اشاره می نمایم:

*- آنحضرت ﷺ در خطبه وداع همه امور جاهلیت را بی اعتبار اعلان نمودند، قسمیکه فرمودند: (آگاه باشید! هر آنچه از امور جاهلیت است در زیر دوگام نهاده شده است، و خونهای جاهلیت هدر است و نخستین خونی را که از خونهای دوره جاهلیت بی اعتبار می شمارم، خون ربیعہ بن الحارث است که در قبیله بنی سعد برای شیرخوارگی داده شده بود و بوسیله قبیله هذیل بقتل رسید، و سود دوره جاهلیت بی اعتبار است، و نخستین سودمان از سودهای دوران جاهلیت را که بی اعتبار می شمارم، سود عباس بن عبدالمطلب است که همه اش را بی اعتبار اعلان می کنم).^۱

*- آنحضرت ﷺ اصحاب را به اعمال شایسته و نیک در حج، و مشغول شدن به طاعت و عبادت و ذکر خداوند جل جلاله، و شکستگی و عاجزی در مقابل پروردگار تشویق می نمودند، لیکن خود

ایشان ﷺ بیشتر از آنان در تقرب جستن به خداوند جل جلاله، و اظهار عاجزی و شکستگی و فروتنی و مناجات و زاری تلاش می ورزیدند.^۱

*- همچنان ایشان ﷺ یاران خویش را به زهد و بی میلی به دنیا و تلاش برای آخرت ترغیب می نمودند، لیکن خود ایشان ﷺ برشتریکه پالانش فرسوده، و چادریکه شاید چهار درهم ارزش نداشت حج نمودند.^۲

*- همچنان آنحضرت ﷺ مردم را به ترک فشار و ازدحام، و ادای مناسک به آرامی و متانت و وقار دستور دادند، و خود شان نیز با اطمئنان و وقار میان مشاعر حج انتقال نموده و آرامش و نرمی در سیرشان به نظر میخورد.^۳

۱- صحیح بخاری شماره های: ۱۶۷۱، ۱۷۱۸، ۱۸۱۹، ۱۷۵۱، و صحیح مسلم (۱۲۱۸).

۲- صحیح ابن ماجه (۲۸۹۰) با تصحیح البانی (۲۳۳۷).

۳- جامع ترمذی (۸۸۶) با تصحیح البانی (۷۰۳).

*- و هنگامیکه مشروعیت تراشیدن موی سر و کوتاه کردن آنرا به مردم بیان نمودند، به تراشیدن آن ترغیب نموده و درحق آنان دعای خیر نمودند، و خود ایشان ﷺ سر شانرا تراشیدند.^۱

*- همچنان پیامبر اکرم ﷺ یاران شان را از غلو و افراط در دین منع فرمودند، و دستور دادند اینکه بر جمره با سنگریزه های که در میان دو انگشت گذاشته شود- مانند دانه نخود- پرتاب نمایند، و خود آنحضرت ﷺ با همانگونه سنگریزه هاییکه به دیگران دستور داده بودند بر جمره ها پرتاب نمودند).^۲ یاد آور باید شد که آنحضرت ﷺ در انجام مناسک حج، خویشرا سرمشق و الگوی امت قرار دادند، و امری نبود که بدون اراده ایشان اتفاق بیفتد، بدلیل آن که ایشان به مردمانیکه از چاه زمزم آب می کشیدند، فرمود: (اگر نمی ترسیدم از اینکه مردم درکشیدن آب

۱- صحیح بخاری (۱۷۲۷، ۱۷۲۸، ۱۷۲۹).

۲- صحیح مسلم (۱۲۸۲، ۱۲۹۹) و سنن ابن ماجه (۳۰۲۹) باتصحیح البانی (۲۴۵۵).

بر شما فشار بیاورند- به گمان اینکه جزو مناسک است- من هم با شما آب می کشیدم).^۱

این امر بود که همه مردم گرویده اخلاق و برخورد آنحضرت ﷺ شدند، و محبت ایشان در اعماق قلبهای آنها جا گرفت، لذا در هر امری، خورد و بزرگ به ایشان ﷺ اقتدا نموده و خط سیرایشان را تعقیب می کردند، زیرا همچو اخلاق عالی نمایندگی از اخلاص و استقامت در مقام رهبری نموده، و دلیل ایمان راسخ، و یقین کامل بر آنچه که دستور داده و با جدیت و تلاش خستگی ناپذیر آنرا جامه عمل می پوشانید، می باشد.

پس چه خوب است که دعوتگران و مصلحان این امت در گفتار و کردار و برخورد شان با مردم به اخلاق رسول خدا ﷺ اقتدا نموده، و خود را نمونه و الگوی نیک بردیگران، در همه حال و احوال، بویژه موسم حج گردانند، و نسبت به دیگران خود در انجام اعمال نیک پیشقدم بوده و در خود داری از آنچه دیگران را منع می نمایند، نیز دوری گزینند و از ارتکاب آن حذر نمایند.

ب- آنحضرت ﷺ به انجام کارهای نیک فرمان میدادند و از منکرات نهی می نمودند:

رهنمایی به سوی خیر و جلوگیری از شر، محور اساسی دین اسلام است که خداوند ﷻ پیامبرانش را بخاطر برداشت این مسئولیت بزرگ فرستاده است. امر به معروف و نهی از منکر یگانه راه حفظ امن و آسایش جامعه، و پیمودن زندگی شرافتمندانه، و رستگاری در آخرت، و عزت و کرامت دنیوی افراد جامعه میباشد، که بدون آن مسلمانان در روی زمین مقتدر و پایدار باقی نخواهند ماند، و اگر در این عرصه بی پروایی و بی توجهی صورت گیرد، شریعت و گذاشته شده و تنفیذ آن بتأخیر می افتد و نیز دینداری و دین دوستی از میان مردم رخت بر بسته، جهل و نادانی، گمراهی و فساد میان مسلمانان شایع میگردد.^۱

امر به معروف و منع از منکرات بر هر مسلمان قادر امر لازمی و حتمی است که نظر به وسع و توان خود در این راه تلاش ورزد،

۱- احیاء علوم الدین از غزالی: ۲ / ۳۰۶.

اگرچه گمان برد که اینکار سود و ثمره نخواهد کرد، زیرا مسلمان باید وجیبه خود را انجام داده و مسؤولیتی که بردوش دارد ادا نمایند، نه اینکه انتظار حاصل و ثمره آن باشد، طوری که الله ﷻ فرموده:

﴿ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴾ المائدة: ۹۹

(برعهده پیامبر جز رساندن پیغام نیست). همچنان پیامبرش را مخاطب قرار داده میفرماید: ﴿ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ

يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴾ القصص: ۵۶

(درحقیقت تو هرکس را که دوست داری نمیتوانی هدایت کنی - و این امر در حوزه اراده و اختیار تو نیست - بلکه خداوند ﷻ هرکس را بخواهد هدایت میکند). و در آیت دیگر به

پیامبرش ﷺ دستور میدهد: ﴿ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ ﴾ الأعراف: ۱۹۹

(و به معروف امر کن) معروف: هر خصلت پسندیده ای است که عقل آن را بپسندد و روان بدان اطمینان یابد، همچنان خداوند سبحان پیامبرش ﷺ را چنین توصیف نموده است: ﴿ مَكْنُوبًا

عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ

الْمُنْكَرِ ﴿ الأعراف: ۱۵۷

(همانا که او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند، پیامبری که آنان را به معروف امر می کند- تمام مکارم اخلاق - و آنان را از منکر نهی می کند). و هر که در زندگانی آنحضرت ﷺ دقت نماید در خواهد یافت که ایشان همه زندگی خویش را در بیان و نشر خیر و تشویق بر انجام اموری که سبب رهایی بنده از آتش می گردد، و نهی از شر، و بیم از ارتکاب و کیفر آن گذشتانند، در موسم حج نیز آنحضرت ﷺ بر همین منوال سعی و تلاش می ورزیدند، ایشان ﷺ در ارشاد و توجیه حجاج و بیان امور متعلق به مراسم حج، و دیگر اموری که سبب سعادت و نجات آنها در دنیا و آخرت می شود، سعی میورزیدند، و از اموری که سبب هلاکت و نابودی بنده می گردد هشدار و انذار می دادند، پیامبر اکرم ﷺ در این موسم با عظمت اصحاب را به امور پسندیده که اولی و اهم بود، امر نمودند و از امور نا پسند و منکر

ومغایر با شریعت منع می نمودند که به بارز ترین نکات آن اشاره می نماییم:

*- آنحضرت ﷺ از مردی شنیدند که به عوض کسی دیگر نیت حج می نماید، در حالیکه خودش حج فرضی خویش را انجام نداده بود، زیرا خودش احق و اولی تر از هرکسی دیگر به ادای آن است، طوریکه از ابن عباس روایت است که: (پیامبر خدا ﷺ شنیدند که مردی می گوید: لبیک از شبرمه، فرمودند: شبرمه کیست؟ گفت: برادرم - یایکی از اقاربم - فرمودند: آیا قبلاً برای خود حج کرده ای؟ گفت: نخیر، آنحضرت ﷺ فرمودند: اول برای خود حج کن سپس عوض شبرمه).^۱

*- همچنان آنحضرت ﷺ بر آنعده اصحاب که با خود قربانی نبرده بودند و نمیخواستند از احرام بیرون آیند، خشمناک شده و تأخیر شان را در تنفیذ آن انکار نموده و دستور دادند که از احرام

۱- سنن ابو داود (۱۸۱۱) با تصحیح البانی (۱۵۹۶).

بیرون آیند، اصحاب نیز بلادرنگ دستور ایشان را تنفیذ نموده و از احرام شان بیرون شدند.^۱

*- آنحضرت ﷺ هنگام طواف دیدند که شخصی دست شخصی دیگر را با نخ یا رسیمانی به دست خود بسته و او را با خود طواف می دهد، پیامبر خدا ﷺ آن نخ را قطع نموده و فرمودند: (دستش را بیگر و او را با خود طواف بده).^۲

*- همچنان پیامبر اکرم ﷺ بر فضل بن عباس رضی الله عنه هنگامیکه بسوی دوشیزه گانی که می دویدند نگاه می کرد، انکار نمودند، قسمیکه از جابر رضی الله عنه در حدیث طولانی روایت است که فرمودند: (درحالیکه فضل بن عباس رضی الله عنه را که مردی زیبامو، سفید و خوش رو بود، با خود سوار کرده بود از آنجا - مزدلفه بسوی منا - حرکت کردند، در این هنگام چند زنی از کنار آنها با شتاب عبور کردند، فضل بن عباس پیوسته به آنان نگاه می کرد، پیامبر ﷺ دستشان را روی صورت فضل گذاشتند لیکن فضل رویش را به

۱- متفق علیه .

۲- صحیح بخاری (۱۶۲۰) .

طرف دیگر برمی گرداند و باز هم به آنها نگاه می کرد، پیامبر ﷺ دوباره دستشان را بر روی فضل قرار دادند و صورت فضل را به طرف دیگر می چرخاند...^۱).

همچنان پیامبر اکرم ﷺ باری دیگر برنگاه کردن فضل بن عباس رضی الله عنه بسوی زن خثعمی انکار نمودند، قسمیکه از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که فرمود: (فضل بن عباس پشت سر پیامبر ﷺ سوار بود، زنی از قبیله خثعم آمد، فضل بن عباس به طرف آن زن، و آن زن به طرف فضل نگاه می کرد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روی فضل را به طرف دیگری چرخاندند)^۲.

و در عصر حاضر میان حجاج منکرات و مخالفات های شرعی زیادی به نظر میخورد که اغلباً بسبب جهل و نادانی و بی توجهی به امور دین صورت می گیرد، نه از سوء نیت و یا سرشت بد یا ناپاکی قلب آنها.

۱- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

۲- صحیح بخاری (۱۸۵۵).

بنا بر این آنان به آموزش احکام دین، با ملایمت و نرمی، ودعوت با روش خوب و پسندیده، و ترغیب و تشویق بسوی رستگاری دنیوی و اخروی باحکمت، و برحذر نمودن از شر و فساد با دلسوزی و شفقت، نیاز دارند.

کوشش و تلاش دانشمندان ودعوتگران به هر پیمانۀ باشد، ولی باز هم نظر به کثرت و شیوع منکرات و فساد میان مسلمانان، و دوری آنان از راه و روش پیامبر اکرم ﷺ و غیاب اهل دانش و امرکنندگان خیر و معروف از میان حجاج، تلاش و کوششهای آنان کفایت نکرده و وظیفۀ که باید انجام بپذیرد ادا نمیشود، پس بر هر حاجی لازم است تا خودش احساس مسؤولیت نموده نقش فعال را در راه جلوگیری از منکرات و فساد به پیروی از فرمودۀ پیامبر اکرم ﷺ بازی نماید، آنحضرت ﷺ میفرماید: (هرگاه کسی از شما کار بدی را دید باید آنرا بدست خویش تغییر دهد. اگر نتوانست باید به زبان خود آنرا منع کند و اگر نتوانست باید به دل

خود، - آنرا منفور بشمارد- و این ضعیف ترین مرتبه ایمان است).^۱

پس ای برادر عزیز! حاجی محترم! خداوند ﷻ ترا در حفظ و پناه خود قرار دهد، از جمله کسانی باش که هرگاه با منکرات و یا پایمال شدن حریم خداوندی روبرو می شوند بنخاطر رضا و خشنودی الله سبحانه و خشنماک شده و در بازداشتن آن پیشی میگیرند، و بمنظور احیای سنت گم شده پیامبر ﷺ از میان مردم با صدق و اخلاص گام های مثمر بردار، زیرا پیامبر خدا ﷺ میفرمایند: (کسیکه در اسلام روش و طریقه نیکویی را اساس گذارد، برای اوست مزد آن، و مزد کسانیکه پس از او آن کار را انجام دهند، بدون اینکه از مزدشان چیزی کاسته شود، و کسی که در اسلام روش و طریقه بدی را اساس گذارد، بروی گناه آن است و گناه کسانی که بعد از وی مرتکب آن میشوند، بدون اینکه از گناهان شان چیزی کم شود).^۲

۱- متفق علیه .

۲- صحیح مسلم (۱۰۱۷) .

ج- تواضع و فروتنی پیامبر اکرم ﷺ با مردم:

فروتنی و شکسته نفسی، عالیتین مقام اخلاقی، و راه کسب شرف و سروری، و رفعت و بلند رفتن مقام بنده در نزد خداوند ﷻ می باشد، طوریکه در حدیث شریف از ابی هریره رضی الله عنه - مرفوعاً - روایت شده که آنحضرت ﷺ فرمودند: (هیچ بنده ای بخاطر خداوند ﷻ تواضع و فروتنی نمیکند مگر اینکه خداوند ﷻ مقامش را بلند می برد).^۱ و خداوند ﷻ پیامبرش ﷺ را چنین امر میفرماید:

﴿وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ الشعراء: ۲۱۵

(و برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بال خود را فروگستر) آنحضرت ﷺ با پیروی و فرمانبری از فرموده الله ﷻ چنان فروتن و متواضع بودند که هیچکس به مقام ایشان رسیدگی نمیتوانست، ایشان با وجود مقام والای شان، خود شان کارهای خویش را انجام میدادند، و در خدمت خانواده خود هم می بودند، چنانکه خود شان در خانه گوسفند را می دوشیدند، و لباسهای خود را پینه

۱- صحیح مسلم (۲۵۸۸).

می زدند و می دوختند، و کفشهای خود را می دوختند، و در بیرون از منزل حتی بر اطفال سلام می دادند و با آنها خوش طبعی و مزاح می نمودند، و هیچگاهی خویش را بر دیگران برتر جلوه نمیدادند، و اگر کسی ایشان را دعوت می نمود، خواه سیاه پوست می بود و یاسرخ پوست و یا از هر نژادی، ایشان ﷺ دعوتش را می پذیرفتند.^۱ ایشان ﷺ می فرمودند: (چیزی را که غلام می خورد من هم می خورم و در جایی که غلام بنشیند من نیز می نشینم)^۲، و گاهی پیر زنی برده نزد آنحضرت ﷺ آمده از دست ایشان می گرفت، آنحضرت ﷺ نیز تا جایی که او می خواست با وی می رفتند تا اینکه نیازش را برآورده می نمودند.^۳ با آن هم آنحضرت ﷺ امت را از زیاده روی و غلو در حق ایشان و بلند بردن مقام ایشان بیش از حدی که خداوند عزوجل تعیین نموده است، منع نموده و میفرمودند: (در باره من غلو و افراط نکنید قسمیکه

۱- صحیح بخاری شماره های (۶۷۶، ۶۰۷۲، ۶۲۴۷) و شرح السنه از بغوی (۳۶۷۵) با اسناد صحیح .

۲- شرح السنه از بغوی (۳۶۸۳) حدیث صحیح است .

۳- صحیح بخاری (۶۰۷۲) .

نصارا در مورد عیسی پسر مریم افراط و زیاده روی کردند، من بنده خدا هستم، پس بگویید: بنده و فرستاده خدا ﷻ).^۱

و در موسم حج، در حالیکه قیادت و رهبری مسلمانان را به عهده داشتند، نمونه و مثال های بی شماری از تواضع و فروتنی آنحضرت ﷺ به مردم هویدا گردید که به برخی آن اشاره می نمایم:

*- ایشان حج شان را بر شتری که پالان آن کهنه و فرسوده بود و چادری که چهار درهم ارزش نداشت، ادا نمودند.^۲

*- همچنان آنحضرت ﷺ نخواستند در امری از امور بر اصحاب شان برتری و مزیتی داشته باشند، و هنگامیکه عباس رضی الله عنه دید که مردم دستهای شان را در آب داخل می نمایند خواست از خانه برای ایشان آب طلب نماید، لیکن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشنهاد

۱- صحیح بخاری (۳۴۴۵).

۲- سنن ابن ماجه (۲۸۹۰) با تصحیح البانی (۲۳۳۷).

عباس رضی الله عنه را رد نموده فرمودند: (نیازی به آن ندارم، از آبی برایم بدهید که مردم نیز از آن می نوشند).^۱

*- نمونه دیگر از تواضع آنحضرت صلی الله علیه و آله اینکه اسامه بن زید رضی الله عنه را با خود از عرفه تا مزدلفه سوارشتر نمودند، درحالیکه اسامه رضی الله عنه از بردگان آزاد شده بود.^۲

*- همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله در میان راه بخاطر پاسخ به یک زن، توقف نموده و سخنانش را شنیدند سپس بوی پاسخ گفتند.^۳

*- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را هرکسی میتوانست به آسانی ملاقات نموده و نیاز خویش را به ایشان بازگو نماید، زیرا آنحضرت صلی الله علیه و آله دوست نداشتند دربان و یا نگهبانی داشته باشند تا مردم را از دیدن و یا سخن گفتن با ایشان باز دارند.^۴

۱- مسند احمد (۱۸۱۴) حدیث صحیح است و صحیح بخاری (۱۶۳۶).

۲- صحیح بخاری (۱۵۴۴).

۳- صحیح مسلم (۱۳۳۵).

۴- صحیح مسلم (۱۲۷۴) سنن ابن ماجه (۳۰۳۵) با تصحیح البانی (۲۴۶۱).

*- همچنان پیامبر اکرم ﷺ در ذبح قربانی هم اشتراک نمودند، و با دستان شریف شان شصت و سه شتر را ذبح نمودند.^۱ در حالیکه میتوانستند دیگران را به ذبح آن مکلف بسازند.

تواضع و شکسته نفسی و فروتنی آنحضرت ﷺ سبب شد که دوستی و محبت مردم به ایشان بیشتر شده و گرویده اخلاق عالی ایشان گردند، پس طلاب علم و دعوتگران بیشتر از همه به اقتداء به اخلاق عالی و تواضع و فروتنی پیامبر گرامی اسلام نیاز دارند، تا بتوانند در راه دعوت هرچه بیشتر بال تواضع و ملایمت را به مردم بگسترانند، بویژه با ناتوانان و بینوایان و کسانی که با زبان های مختلف صحبت می نمایند، زیرا برخورد و تعامل خوب با همچو مردمان رأس تواضع و فروتنی است. چنانکه عبدالله بن مبارک رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرموده است: (مرتبه بلند تواضع آنست که در برخورد با مردمانی که نسبت به تو کمتر از نعمتهای دنیا برخوردار اند، خویش را از مقامت چنان پایین جلوه دهی تا

۱- سنن ابن ماجه (۳۰۷۴) با تصحیح البانی (۲۴۹۴).

وی احساس کند که تو با داشتن ثروت و مقام دنیوی ات، فضیلت و برتری بروی نداری).^۱

پس باید باور داشت که تواضع و فروتنی فرصت را برای دعوتگران مهیا می سازد تا دل‌های حجاج را بدست آورده، اطمینان و اعتماد آنها را بخود جلب نمایند و در نتیجه، گفتار شان را به آسانی بپذیرند).

د- شفقت و مهربانی پیامبر اکرم ﷺ نسبت به مردم:

اسلام دین رحمت است، قوانین و احکام آن در اصول و فروع براساس محبت، شفقت، مهربانی و دلسوزی گذاشته شده است.^۲ بنا براین بدیهی است که پیامبر بزرگ اسلام ﷺ فرستاده نشده اند مگر بخاطر رحمت و شفقت و دعوت مردم بسوی رحمت بیکران الله سبحانه، قسمیکه خداوند جلّ و علا میفرماید: ﴿ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا

رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿۱۰۷﴾ الأنبياء: ۱۰۷

۱- احیاء علوم الدین : ۳/ ۳۴۲.

۲- الرياض الناضرة از سعدی : ۶۱.

(وترا نفرستادیم جز رحمتی برای عالمیان) و طوریکه خود ایشان ﷺ در بارهٔ خود فرموده اند: (همانا من رحمت - به مردم - فرستاده شده ام).^۱ همچنان فرموده اند: (من محمد هستم ... نبی توبه و نبی رحمت میباشم).^۲

رویهٔ ایشان ﷺ با مردم طوری بود که خداوند جلّ و علا در قرآن

مجید توصیف آنرا کرده: ﴿رَأَوْفٌ رَّحِيمٌ﴾ التوبه: ۱۲۸

(برمؤمنان رؤف و مهربان است) لذا رحمت، شفقت و مهربانی آنحضرت ﷺ عموم مردم را شامل میشد، بلکه مهربانترین مردم نسبت به خود آنها بودند، قسمیکه همه این گواه را دادند که آنحضرت ﷺ نسبت به آنها از خود آنها دلسوزتر و مهربانتر بوده اند، از امیمه رضی الله عنها روایت است که فرمود: (من در جملهٔ زنانی بودم که با رسول خدا ﷺ بیعت نمودم، ایشان بما فرمودند: (تا

۱- صحیح مسلم (۲۵۹۹).

۲- صحیح مسلم (۲۳۵۵).

حد توان و طاقت تان - بر شروط بیعت پایدار باشید - گفتم: خدا و رسولش ﷺ نسبت به ما از خود ما دلسوز تر اند.^۱

و یکی از یاران پیامبر خدا ﷺ ایشان را چنین توصیف می نماید: (پیامبر خدا ﷺ مشفق و مهربان بودند).^۲ دیگری آنحضرت ﷺ را چنین توصیف می کند: (هیچکسی را مهربانتر از رسول الله ﷺ بر خانواده ندیده ام).^۳ و در روایت دیگر: (بربندگان خدا ندیده ام).^۴ اینگونه مهربانی و شفقت ایشان بر مردم بود که محبت شان در اعماق قلب های آنها جاگرفته و در اطاعت از ایشان بریکدیگر سبقت می جستند، و در دوستی صادقانه شان از هیچ نوع فداکاری دریغ نمی ورزیدند، و از سوی دیگر آنحضرت ﷺ در رهبری و قیادت آنها، راه های سهل و آسان را برمیگزیدند.

در این موسم خجسته و دگردهم آبی بزرگ مسلمانان، شفقت و دلسوزی آنحضرت ﷺ در رهبری مردم و رهنمایی آنها با

۱- جامع ترمذی (۱۵۹۷) حدیث حسن و صحیح است، باتصحیح البانی (۱۳۰۰).

۲- صحیح بخاری (۶۲۸).

۳- صحیح مسلم (۲۳۱۶).

۴- شرح مسلم از نووی: ۷۶/۱۵، سیوطی هردورایت را صحیح خوانده است، الجامع الصغیر (۳۵۱).

اشکالی مختلف ظاهر گردید که برجسته ترین آن را ذیلاً یاد آور می شویم:

*- پیامبر اکرم ﷺ نماز های ظهر و عصر را در عرفات، و نماز مغرب و خفتن را در مزدلفه یکجا ادا نمودند، تا در ادا نمودن نماز ها بطور جداگانه، بر مردم رنج و مشقت نشود و از سوی دیگر حاجی بتواند سامان و اسباب سفر، و شترش را در جایی که میخواهد شب را بگذراند، به راحت و اطمینان خاطر جایجا نماید.

*- همچنان آنحضرت ﷺ به ناتوانان و بیماران اجازه دادند تا از مزدلفه بسوی منا بعد از پنهان شدن مهتاب در شب حرکت نمایند، تا اعمال یوم نحر (عید) را قبل از ورود مردم به منا، به آسانی ادا نموده و از ازدحام مردم در امان بمانند.^۲

*- همچنان آسانگیری ایشان نسبت به مردم در تقدیم و تأخیر ادای مناسک یوم نحر دلیل واضحی بر مهربانی و دلسوزی

۱- صحیح بخاری (۱۳۶).

۲- صحیح بخاری (۱۵۶۷).

آنحضرت ﷺ است ، در این روز هر که از تقدیم و یا تأخیر اعمال حج می پرسید، می فرمودند: (انجام بده اشکالی ندارد).^۱

*- آنحضرت ﷺ در مورد حاجتمندان توجه داشته و بر آنان تخفیف و سهولت می آوردند، قسمیکه به عباس رضی الله عنه اجازه دادند تا بخاطر آب دادن به حجاج، شبها را در مناه، بلکه درمکه بگذرانند.^۲ همچنان به شتربانان اجازه دادند که میتوانند شب در منا نمانند، و جمره زدن دو روز بعد از روز قربانی را در یکی از آن دو روز، یکجا پرتاب کنند.^۳

*- همچنان پیامبر اکرم ﷺ به ناتوانان و ضعیفانی که حج بر آنها واجب گردیده بود لیکن نظر به ضعف جسمانی حج کرده

۱- صحیح بخاری (۸۳) .

۲- صحیح بخاری (۱۷۴۵)، ابن قیم می نگارد: وقتیکه پیامبر خدا ﷺ به آب دهندگان و شتربانان اجازه خروج از منا را در شبهای تشریق دادند، پس کسانیکه از گم شدن مال و متاع و یا از عدم موجودیت پرستار با مریض درهراس اند و یا بیمارانی که نمیتوانند در منا بمانند، نظریه نص حدیث، شب ماندن در منا، از آنها نیز ساقط می گردد. زادالمعاد : ۲۹۰/۲.

۳- جامع ترمذی (۹۶۸) با تصحیح البانی (۷۶۳) .

نمی‌توانستند، اجازه دادند تا کسی دیگر را وکیل گرفته در عوض
شان حج نماید.^۱

*- ایشان ﷺ به خاطر شفقت و دلسوزی بر مردم گاهی عمل
افضل را ترک مینمودند، مانند سوارشدن بر شتر در طواف کعبه، و
سعی میان صفا و مروه، ولمس کردن حجر الاسود باعصا، و ترک
نمودن بوسه و اکتفا کردن به لمس نمودن حجر الاسود با دست،
حال آنکه سعی و طواف پیاده بهتر از سوار بودن است، لیکن
آنحضرت ﷺ بخاطر اینکه مردم ایشان را به خوبی دیده بتوانند و
همچنان در حضور ایشان کسی دور کرده و یا زده نشود، بر شتر
طواف نمودند.^۲

*- همچنان پیامبر اکرم ﷺ بخاطر همدردی و مهربانی بر بیماران،
به عیادت آنها رفته و راه های سهل و آسان را به آنها راهنمایی می

۱- صحیح مسلم (۱۳۳۵) و مسند احمد (۱۸۱۲) حدیث صحیح است .

۲- صحیح مسلم (۲۲۱۷) .

نمودند، تا از حج نمودن با ایشان ﷺ که نعمتی بزرگ خداوند ﷻ بر مردم بود، محروم نگردند.^۱

پس اگر میخواهی در این موسم عظیم رحمت خداوند ﷻ نصیبت گردد، برناتوانان و بینوایان ترحم و مهربانی کن، زیرا (مردمان مهربان و دلسوز را خداوند رحمن به لطف و مهربانی اش عفو نموده و میبخشد).^۲ و (کسی که رحم نکند مورد رحمت قرار نمی گیرد).^۳ و (کسی که بر مردم رحم نکند، خداوند ﷻ بر او رحم نمیکند).^۴ و (همانا خداوند ﷻ بر بندگان رحم کننده و مهربان خود رحم میکند).^۵ و بر حذر باش - اگر خواهان سرای آخرت و رستگاری هستی - از اینکه لطف و مهربانی و شفقت از تو فاصله

۱- صحیح بخاری شماره های (۴۶۹۹، ۴۸۵۳، ۵۸۹۶).

۲- جامع ترمذی (۱۹۲۴) حسن صحیح و با تصحیح البانی (۱۵۶۹).

۳- صحیح بخاری (۵۹۹۷).

۴- صحیح بخاری (۷۳۷۶).

۵- صحیح بخاری (۱۵۸۴).

گیرد و از قلبت بیرون گردد، زیرا (جز انسان بدبخت و شقی کسی دیگر از رحمت و شفقت بی بهره نمی ماند).^۱

هـ- نیکی و احسان پیامبر اکرم ﷺ به مردم:

هرگاه انسان به لذت های دنیا و عیش و عشرت آن بی تفاوت شده و آنرا حقیر بشمارد، دیگر هرگز احساس نا راحتی، رنج و مشقت نکرده در قلبش کینه و کدورتی در مقابل هیچ انسانی جا نمی گیرد، وجود این خصلت نیک در انسانها باعث برچیدن همه دشمنی، کینه و کدورت ها از جامعه شده، صفا و صمیمیت، محبت و دوستی خالص و بی آلاشی جایگزین آن میگردد. خداوند ﷻ نفس بشری را بر حسب احسان و نیکی، و دوستی با انسان های نیک و احسانگر سرشت نموده است، و چنین مردمان مقام، منزلت و ارزش زیادی میان افراد جامعه داشته و سخنان شان همیشه مورد پذیرش همه قرار میگیرد، خداوند ﷻ میفرماید: ﴿أَدْفَعُ

بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ فصلت: ۳۴

۱- جامع ترمذی (۱۹۲۳) حدیث حسن است، با تصحیح البانی (۱۵۶۸).

(به شیوه ای که نیکوتر است - بدی بدکار را - دفع کن، اگر این شیوه را در اخلاق و تعامل با دیگران در پیش گیری - بناگاه کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی مهربان است) یعنی: اگر با همچو روش نیکو، بدی را دفع کنی، دشمن کینه توز برایت مانند دوستی دلسوز میشود.

اگر در زندگی پیامبر اکرم ﷺ دقت نماییم، بدرستی در خواهیم یافت که آنحضرت ﷺ زندگی خویش را بین زهد واقعی، و کمال احسان و نیکی عیار نموده بودند، در حالیکه دو تا سه ماه میگذشت ولی آتشی در هیچ یک از خانه های پیامبر خدا ﷺ روشن نمی شد، غذای شان خرما و آب می بود.^۱ * آنحضرت ﷺ بیشتر از هرکسی سخاوت و دل و دست باز داشتند.^۲ جود و کرمی داشتند که توانایی آن در احدی نبود، و

۱- صحیح بخاری (۲۵۶۷). * - اگر پیامبر ﷺ زیب و زینت و مال و متاع دنیا را می خواستند، خداوند ﷻ به ایشان آنرا مهیا می ساخت، ولی آنحضرت ﷺ میدانستند که زندگی دنیا بی ارزش بوده و زندگی واقعی همانا زندگی آخرت است، لذا به دنیا و متاع آن بی میل بودند (مترجم).
 ۲- صحیح بخاری (۶).

همچو کسی که از فقر نمی هراسد، بخشش میکردند.^۱ ایشان ﷺ میفرمودند: (اگر من مثل کوه احد طلا می داشتم، خوش می بودم که سه شب بر من نگذرد و از آن چیزی ندم باقی نمانده باشد، جز چیزی را که برای قرض نگهداری کنم).^۲ اینگونه زهد و بی میلی ایشان با دنیا و متاع آن بخاطری بود که علاقه و محبت شان با خداوند ﷻ بیحد زیاد بود، چون خویش را بمنظور رضا و خوشنودی الله ﷻ فارغ نموده بودند، از عیش و عشرت دنیا دست کشیدند، تا آنکه همه دنیا در نزد ایشان برابر با یک بال پشه هم، ارزش و اهمیتی نداشت.

در موسم حج نیز احسان آنحضرت ﷺ با وجود اینکه قیادت و رهبری امت را بدوش داشتند، قابل شمارش نبوده در هر گوشه این مراسم بزرگ، نمونه و مثال های بارز و برجسته از احسان و نیکی آنحضرت ﷺ هویدا است. چون گنجایش ذکر کلیه نمونه های

۱- صحیح مسلم (۲۳۱۲).

۲- متفق علیه .

احسان، خوبی و مهربانی ایشان در اینجا نیست، لذا بطور فشرده چند حالت را ذکر می نماییم:

*- آنحضرت ﷺ در میقاتگاه مدینه، یکروز کامل انتظار کسانی ماندند که میخواستند با ایشان به حج بروند، ولی در رسیدن به مدینه تأخیر کرده بودند.^۱

*- پیامبر اکرم ﷺ بیشتر از هر زمانی در موسم حج بذل و عطا نمودند، ایشان ﷺ صد شتر را، اعم از گوشت، پوست، و پوششش زیر پالان آنها را بر فقرا و مساکین تقسیم نمودند.^۲ همچنان در چند موضعی دیگر بر مردم صدقه و خیرات دادند.^۳

*- ایشان ﷺ در این موسم بخاطر شادمانی و تسلیت خاطر یاران شان، خواهشات و آرزوهای آنان را بر آورده مینمود.^۴

۱- صحیح بخاری (۱۵۵۱) سیرت نبی از ابن کثیر: ۴ / ۲۱۵، زاد المعاد: ۲ / ۱۰۲.

۲- صحیح مسلم (۱۳۱۷).

۳- صحیح مسلم (۱۶۷۹)، سنن ابی داود (۱۶۳۳) با تصحیح البانی (۱۴۳۸).

۴- نگاه: صحیح بخاری (۱۵۱۸، ۱۶۸۰)، مسند احمد (۱۵۹۷۲) با اسناد حسن و (۲۷۲۹۰) و هیثمی

فرموده: هیچ یک از روایان این حدیث تجریح و یا تعدیل نشده اند. مجمع الزوائد: ۳ / ۲۶۱.

*- همچنان مهربانی و شفقت ایشان ﷺ بر اسامه بن زید رضی الله عنه و فضل بن عباس رضی الله عنه بود، که هنگام انتقال میان عرفات و مزدلفه و منا آنها را برشترشان سوار کردند.^۱

*- آنحضرت ﷺ در خطبه های شان در مورد ناتوانان و ضعیفان سفارش می نمودند تا در مورد تعلیم و دانش آنها توجه گردد و با آنان از آسانی و ملایمت کار گرفته و در توجیه و ارشاد آنها امور سهل و آسان بازگوشود.^۲

*- آنحضرت ﷺ در مورد امت شان نگران بودند، و در دعای شان به خداوند جل جلاله اصرار و زاری مینمودند تا امت اسلام از عذاب خداوند جل جلاله در امان بمانند، ایشان رضی الله عنه در دعاهای شب عرفه، و در مزدلفه، پیوسته اصرار می ورزیدند تا امت شان رستگار گردد، و هنگامیکه شخصی از ایشان طلب دعا کرد، آنحضرت رضی الله عنه همه را

۱- صحیح بخاری (۱۵۴۴).

۲- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

در دعایشان شریک نموده فرمودند: (خداوند جل و بالا همه تان را ببخشد).^۱

*- همچنان آنحضرت ﷺ در تبلیغ رسالت الهی تلاش می ورزیدند تا سخنان شان واضح، بی تکلف و رسا باشد، و اگر موضوعی مهم می بود، آنرا چند بار تکرار می نمودند.^۲

*- ایشان ﷺ سعی می ورزیدند تا یاران شان را از فتنه ها بدور نگهدارند و از اموری که سبب اتهام و یا گمان بد بر آنها میشد دوری جویند، بطور مثال: ایشان ﷺ گردن فضل بن عباس رضی الله عنه را هنگام نظر بسوی زن خثعمی تاب دادند، و وقتی که عباس رضی الله عنه سبب آنرا پرسید، فرمودند: (دختر و پسر جوان را دیدم - که بسوی همدیگر نگاه میکردند - و از شر شیطان در مورد شان نگران شدم).^۳ چنانکه آنحضرت ﷺ در مسجد خیف نماز جماعت ادا مینمودند که دوجوانی وارد مسجد شدند، چون نماز را در خانه های شان

۱- مسند احمد (۱۵۹۷۲) حدیث حسن است .

۲- جامع ترمذی (۶۱۶) با تصحیح البانی (۵۱۲) و مسند احمد (۱۸۹۸۹) با سند صحیح .

۳- جامع ترمذی (۸۸۵) حدیث حسن صحیح است، با تحسین البانی (۷۰۷).

خوانده بودند، در آخر مسجد نشستند و در جماعت اشتراک نکردند، ایشان ﷺ به آندو فرمودند: (اینچنین نکنید، هرگاه نماز خوانده و وارد مسجد شدید پس باجماعت نیز نماز بخوانید، زیرا پاداش نماز نافله برایتان نوشته میشود).^۱

پس اگر آرزو و امید کسب رضا و خوشنودی و فضل و کرم پروردگار را در دل می پرورانی، اخلاق خویش را موافق اخلاق رسول اکرم ﷺ، و کردار خویش را موافق با کردار آنحضرت ﷺ گردان، و بر ناتوانان و مستمندان و محتاجان در این موسم بافضیلت، نظر به وسع و توانت از مال، مصارف حج، علم و هر چیزی که باعث تقویت روحی و جسمی آنان میگردد دریغ موزر، زیرا خداوند ﷻ نیکوکاران و احسانگران را دوست میدارد،

طوریکه فرموده است: ﴿وَاحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ البقرة: ۱۹۵

۱- جامع ترمذی (۲۱۹) حدیث حسن صحیح است، با تصحیح البانی (۱۸۱).

(و نیکی کنید - با انفاق مال و غیر آن - که خداوند نیکوکاران را دوست میدارد). همچنان فرموده است: ﴿ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ ﴾ الرحمن: ۶۰ (مگر پاداش احسان جز احسان است؟) و اگر امیدوار آن هستی که خداوند ﷻ حج ترا بپذیرد و گناهانت را ببخشد، و بهشت برینش را نصیب گرداند، پس به خوار و مسکین طعام بده، و خود را با اخلاق و آداب نبوی مزین و آراسته گردان، زیرا کسیکه فرموده است که (حج مقبول و پذیرفته شده مکافاتى جز بهشت ندارد)^۱، همان کس (پیامبر بزرگ اسلام ﷺ) است که در پاسخ به مردیکه از نیکی در حج پرسید فرمودند: (نیکی در این روز های خجسته طعام دادن و سخن خوش و نیک میباشد)^۲.

۱- متفق علیه .

۲- مستدرک حاکم: ۶۵۸/۱، هیشمی آنرا در مجمع الزوائد حسن خوانده: ۲۰۷/۳، و البانی در صحیح

الجامع نیز حسن خوانده است (۲۸۱۹).

و- صبر و شکیبایی پیامبر اکرم ﷺ در برابر مردم:

صبر و ثبات و بردباری توشهٔ پرهیزگاران، وسیله و سامان دعوتگران، و راه توانمندی و اقتدار در زمین، و بلاخره گنجی کم یابی است که خیر فراوان در آن نهفته است، بدون صبر، نصر و پیروزی، و پیشوایی در زمین، و قیادت و رهبری مردم ناممکن است، چرا که صبر و بردباری مانع غضب شده و نفس را هنگام شتاب و بی پروایی اداره می کند، صبر و شکیبایی محبت را در میان می آورد، عزم را قوی، و فکر و اندیشه را راسخ و پخته میسازد، خلاصه اینکه صبر و ثبات نعمتی بزرگی است که خداوند ﷻ به بنده که خواسته باشد، ارزانی می نماید، چنانکه در حدیث شریف آمده: (وآنکه خود را به صبر وا دارد، خداوند ﷻ به وی توفیق صبر می دهد، و برای هیچکس بخشش و عطایی بهتر و وسیع تر از صبر داده نشده است).^۱ ازینرو هوشیاران و خردمندان، و فرمانروایان و بزرگان تاریخ معنای صبر را درست درک نموده بودند، عمر فاروق رضی الله عنه فرموده است: (خوبی های

۱- صحیح مسلم (۱۰۵۳).

زندگی خویش را در صبر و پایداری دریافتم).^۱ و علی رضی الله عنه می فرماید: (صبر و شکیبایی سواره ای است که هرگز نمی لغزد).^۲

صبر، استقامت و بردباری پیامبر بزرگ اسلام برای الله جل جلاله و در راه الله جل جلاله بود تا آنکه به حدکمالش رسید، ایشان در این راستا نفس را بر طاعت و فرمانبرداری خداوند جل جلاله وادار و ازنافرمانی و سرپیچی او تعالی جلوگیری می نمودند و به قضا و قدر الهی سرتسلیم فرود می آوردند. چون حج خود نوعی از جهاد بشمار می رود، لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این جهاد انواعی از صبر را در یک وقت و زمان مراعات می نمودند:

ایشان نسبت به همه اصحاب کرام مطیع و تابع پروردگار سبحان بودند، و در انجام طاعات از صبر و پایداری بی مانند و بی مثیلی برخوردار بوده اند، که با عاجزی و اطمینان قلبی و فروتنی به دعا و راز و نیاز می پرداختند.^۳

۱- صحیح بخاری معلقاً ص ۱۱۲۲ .

۲- مدارج السالکین از ابن قیم: ۲ / ۱۵۸ .

۳- صحیح بخاری شماره (۱۵۴۴، ۱۷۵۱) و صحیح مسلم (۱۲۱۸) .

ایشان پرهیزگارترین، آگاه ترین مردم به خداوند ﷻ بودند و هنگام تجاوز بر حریم خداوند ﷻ و یا پایمال شدن ارزشهای دینی، نسبت به همه ناراحت شده و خشمگین می شدند و دور ترین آنها از آن می بودند.^۱

اما صبر و تحمل آنحضرت ﷺ در برابر زحمت و مشقت رهبری و قیادت مردم بدون احساس خستگی و رنجش و عدم برخورد زشت با رعیت، امریست که هوش و خرد را به حیرت و شگفت می آورد که نیازی به ذکر دلیل ندارد، زیرا هر انسان با خرد اگر در بزرگی مسؤولیت و حال آنحضرت ﷺ در این حج با دقت نظر اندازد، درخواهد یافت که ایشان نمونه از صبر و تحمل و شکیبایی در برابر مردم و رعیت، در تاریخ بشریت اند.

و اگر در بزرگی وظیفه و مسؤولیتی که بدوش داشتند نظر افکنده شود در خواهیم یافت که ایشان از یکسو بنده پرتلاش و حریص بر انجام عبادات و قربات با عاجزی و فروتنی و اظهار خواری به خداوند ﷻ بودند، که مناسک حج را با وجه احسن و

۱- صحیح بخاری (۱۷۷۲ ، ۶۳۶۷) .

اکمل ادا می نمودند، و از سوی دیگر رهبر و قاید مردم، با خبر از حال و احوال رعیت بوده، و در راه اتحاد و همبستگی آنان کوشا بودند. ایشان ﷺ معلم و مرشد جمعیت بیشماری از مردم بودند که آنها را بسوی پیروزی و خیر و صلاح دنیا و آخرت دعوت می نمودند، قلب عزیز شان به خاطر ابلاغ و رسانیدن دعوت و رسالت الهی با وجه احسن، شدیداً در تپش می بود.

پیامبرگرمی ما ﷺ نمونه و الگو و مورد توجه مردم بودند، هرفردی از حجاج منتظر گفتار ایشان بودند، تا مانند ایشان عمل نموده و خط سیرشان را بیمایند.

علاوه بر آن زحمت، تکالیف و مشکلات حج آن زمان به هیچکس پنهان نبوده و وسایل راحت و سهولتی که امروز متوفر است، در آن زمان اصلاً وجود نداشته است، در چنین حالتی که سنش بیشتر از شصت سال است و نه همسر و سایر ضعیفان و ناتوانان از خویشان شان نیز در رکاب ایشان ﷺ قرار داشتند، رعایت و مسؤلیت همه آنان را از یک جهت، و رهبری و زمامداری امت را از جهت دیگر به عهده داشتند.

اما اگر در تعداد حج کننده گان این موسم دقت نماییم، می بینیم که تعداد آنها بسیار زیاد بود و درعین زمان اختلاف و مغایرت زیادی میان آنان وجود داشته است، که این فرق و اختلاف در دو جهت بنظر می خورد: از یک جهت وجود مردمانی که در اسلام سابقه داشتند و فهم و معلومات آنها در احکام اسلامی عمیق و قوی بود، از جهت دیگر مردمانی وجود داشتند که تازه به اسلام مشرف شده بودند، و درک و فهم آنها از اسلام سطحی و ضعیف بود و معلومات کامل بر امور شریعت نداشتند، همچنان فرق و اختلاف در نژاد، زبان، وطن، سن و سال، و وضعیت مالی و اجتماعی این مردمان نیز به شکل واضح به نظر می خورد، و بدیهی است که وجود همچو اختلافات و مغایرت ها در یک گردهم آیی و در یک سرزمین، زمینه فرق و اختلاف در درک و فهم و نظریات را در هر زمان و مکان فراهم می نماید، زیرا درخوی، مزاج، بستگی، لهجه، نیاز و احتیاجات آنان اختلاف و مغایرت وجود داشت .

علاوه بر آن حضور ناتوانان مانند بیماران، زنان، کودکان و بزرگسالان با ایشان ایجاب می کرد تا از لطف و مهربانی و دلسوزی آنحضرت ﷺ برخوردار گردیده و جویای احوال آنان باشد. با وجود اینهمه ایشان حقیقتاً انسانی با عظمت بودند که از صبر و تحمل بی مثیلی در این موسم برخوردار بودند، و چه بسا زحمات و سختی ها را در رهبری و قیادت امت متحمل شدند و همه رعیت را در قلب و مسیر واحد جمع نمودند.

پس برادر ارجمند! صبر و ثبات و همت را پیشه کن، همان گونه که پیامبرگرامی ما ﷺ آنرا در تمام عرصه های زندگی خویش عملی نمودند، زیرا ایمان راستین (صبر و بردباری و گذشت است).^۱ و خداوند سبحان با صابران است، و مزدشان را در مقابل صبرشان کامل و بدون حساب می دهد که هیچ شمارنده ای آن را به حد و مرزی محدود نمی تواند کرد، و صبر و بردباری را مانند چراغی برای قرار ده تا درحج و بعد از آن نیز رهنمونت باشد، و برطاعات و قربات مواظبت و ملازمت داشته و آنرا به وجه

۱- مسند احمد (۱۹۴۳۵) این حدیث با شواهدش صحیح است .

احسن ادا نما، از گناه بپرهیز، و چون به سوی آن فراخوانده شوی از آن بگریز تا در آن واقع نشوی، بر زحمت و مشقت و تکالیف دنیا و طاعات خداوند ﷻ ثابت قدم و استوار باش، و از بی قراری و شکوه و ناله و شکایت و غضب بر حذر باش که هیچ دست آوردی ندارد، و با مردم همیشه آمیخته و پیوسته باش و برآزار و اذیت آنان صابر و بردبار باش، و گذشت نما، طوریکه پیامبر ﷺ فرموده اند: (اجر و پاداش مؤمنی که با مردم آمیخته و پیوسته بوده و بر اذیت آنها صبرمی نماید، بیشتر و بزرگتر از مؤمنی است که از مردم دوری جسته و آزار و اذیت آنها را تحمل نمیتواند).^۱ چهره ات را در مقابل مردم ترش و پیشانیت را چین مده زیرا اینکار منافی با صبر و بردباری و گذشت است.

ز- نرمی و ملایمت پیامبر اکرم ﷺ با مردم:

ارشادات بسیاری بر فضیلت نرمی، ملایمت و میانه روی با دیگران وجود دارد که مسلمانان را بر آن تشویق و ترغیب نموده است، از جمله فرموده آنحضرت ﷺ: (همانا خداوند ﷻ نرمش را در همه

۱- سنن ابن ماجه (۴۰۳۲) با تصحیح البانی (۳۲۵۷).

کارها دوست میدارد)^۱. همچنان فرموده اند: (نرم رفتاری در هیچ چیزی نمی باشد جزاینکه آن را زینت میدهد و از هیچ چیزی بدور نمی شود مگر اینکه آن را زشت میسازد)^۲. و فرموده اند: (کسیکه از نرم رفتاری محروم شود، از تمام خیر محروم گردانیده شده است)^۳. بنابر اهمیت و مقام نرمش و مهربانی، آنرا رأس حکمت، زیب و زینت عمل، علامت دانش و دانستگی گفته اند، و از ثمره و حاصل نرمی و ملایمت، خوش خلقی و کنترل خشم و خشونت و پیروز شدن برآن است، نرمش و مهربانی، دوستی و محبت مردم را به انسان جلب نموده باعث ایجاد رحمت و شفقت میگردد، همچنان روح همدلی، تعاون و همکاری میان مردم را تقویت می بخشد.

پیامبر اکرم ﷺ با نرمش و مهربانی و شفقت آراسته بودند، ایشان نسبت به همه مردم از نرمی و آسانگیری و گذشت و بخشش

۱- صحیح بخاری (۶۰۲۴).

۲- صحیح مسلم (۲۵۹۴).

۳- صحیح مسلم (۲۵۹۲)، و سنن ابی داود (۴۸۰۹) لفظ حدیث از سنن ابو داود است.

برخوردار بودند، طوری که خداوند سبحان ایشان را توصیف نموده می فرماید: ﴿فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ آل عمران: ۱۵۹

(پس به سبب رحمتی از جانب الله با آنان نرمخوشدی، و اگر درشتخوی و سخت دل بودی، بدون شک از پیرامون تو پراکنده می شدند، پس از آنان درگذر و برای آنان آمرزش بخواه، و با آنان در کارها مشورت کن)، همچنان کسانی که با آنحضرت ﷺ همراه و پیوسته بودند حکایت نموده اند که ایشان (مشفق و مهربان بودند)^۱. و در روایت دیگر حکایت نموده اند که ایشان (دل نازک داشتند)^۲. و دیگری آنحضرت ﷺ را چنین توصیف نموده: (آنحضرت ﷺ بر ما دلسوز و مهربان بودند)^۳. در حج نیز اهتمام زیاد به امور امت داشتند، و با آنها به شفقت و مهربانی و دلسوزی

۱- صحیح بخاری (۶۲۸).

۲- صحیح مسلم (۶۷۴).

۳- متفق علیه .

پیشآمد می کردند که برخی از گوشه های آنرا بطور خلاصه یاد آور می شویم:

*- چون ایشان ﷺ مردم را دیدند که تلبیه را با عبارات مختلف و احياناً با کمی و زیادی بعضی کلمات، تکرار می نمایند، آنها را به عبارتی مشخص وادار نمودند.^۱ همچنان هنگامیکه مردم از عرفات بسوی مزدلفه حرکت نمودند، آنحضرت ﷺ بیشتر تلبیه می گفتند، اما برخی از اصحاب (لاإله إلاالله) را تکرار می نمودند. و برخی دیگر تکبیر می گفتند^۲، ولی ایشان ﷺ برآنان انکار نمودند، زیرا از مهربانی و شفقتی که برآنها داشتند، به گفتن یک عبارت معین مجبور شان نکردند.

*- پیامبر اکرم ﷺ در این حج از سهولت و آسانی های گوناگونی استفاده نمودند، مانند استخدام سایه بان و سوارشدن بر شتر هنگام عزیمت از مدینه بسوی مکه و هنگام انتقال میان مشاعر حج و غیره که اگر خلاف آن عمل می نمودند بدون شک مشکلات و

۱- صحیح مسلم (۱۲۱۸)، سنن ابو داود (۱۸۱۳) با تصحیح البانی (۱۵۹۸) و زادالمعاد: ۲/ ۱۶۱.

۲- صحیح بخاری شماره های (۱۶۵۹، ۱۶۸۶، ۱۶۸۷).

زحمات و تکالیف زیادی بر مردم وارد میگردید، زیرا آنها بلکه همه امت اسلامی تا روز قیامت به ایشان اقتدا می نمایند.^۱

*- همچنان آنحضرت ﷺ در اثنای ادا نمودن بعضی از اعمال حج مانند سعی و طواف بر شتر سوار شدند تا مردم از پیرامون ایشان رانده نشوند و یا در حضور ایشان کسی کتک نخورد.^۲

*- چنانکه ایشان ﷺ از آغاز تا پایان موسم حج سعی داشتند تا خویش را به مردم نمایان کنند تا بتوانند سوالها و مشکلات شان را به آنحضرت ﷺ مطرح نمایند و در اقتدا و اخذ فتوا و حل مسایل شان زحمت و مشقتی ایجاد نگردهد، ازینرو سوار بر شتر میشدند تا همه او را ببینند.

*- پیامبر اکرم ﷺ مثل همیشه، در حج نیز بر مردم سهولت و آسانگیری می نمودند، و اموریکه بلند تر از وسع و توان شان می

۱- متفق علیه، علما در مورد اینکه کدام یک در انتقال میان مشاعر حج افضل است، سواره یا پیاده؟ اختلاف نظر دارند: بطور عموم انتقال میان مشاعر سواره بهتر است زیرا پیامبر خدا ﷺ سوار انتقال می نمودند و همچنان اتفاق آن بیشتر از پیاده است و از سوی دیگر جسد تا اندازه راحت می گیرد و زمینه برای دعا و زاری و حضور قلب هموار می گردد. به تفسیر قرطبی مراجعه شود: ۴۰/۱۲.

۲- صحیح مسلم (۱۲۷۲، ۱۲۷۵).

بود، چه در مناسک حج و یا در امور مربوط به زمامداری و رهبری حجاج، آنان را بالاتر از طاقت شان مکلف نمی کردند، و هر که در سیرت و احوال ایشان ﷺ دقت نماید درخواهد یافت که آنحضرت ﷺ هیچ کسی را بیشتر از طاقت و توانش بکاری نگماشته اند.^۱

*- ایشان ﷺ با سکون و آرامش و وقار اعمال حج را ادا می نمودند. و در هنگام انتقال بین مشاعر حج به همین ترتیب راه را می پیمودند، تا مبادا بر دیگران رنج و مشقت واذیتی عاید نگردد.^۲ چون همه از ایشان تقلید و متابعت میکردند.

*- همچنان آنحضرت ﷺ خطبه روز عرفه را کوتاه ایراد نمودند،^۳ تا مردم خسته و آشفته نشوند.

*- همچنان ایشان ﷺ بعد از ادای طواف قدم، دیگر طرف خانه کعبه نرفتند تا وقتی که از عرفات برگشتند.^۱ و نظر به روایات

۱- سنن ابو داود (۱۹۰۵) با تصحیح البانی (۱۶۷۶).

۲- صحیح مسلم (۱۲۱۸)، سنن ابو داود (۱۹۶۶) با تحسین البانی (۱۷۲۹)، سنن ترمذی (۸۸۶) حدیث حسن صحیح است. با تصحیح البانی (۷۰۳).

۳- صحیح بخاری (۱۶۶۰).

صحیح - ایشان ﷺ ایام تشریق را در منا سپری کردند، و از آنجا بسوی کعبه معظمه نرفتند صرف بخاطر ادای طواف وداع سپس برگشت بسوی مدینه به آنجا تشریف بردند، حال آنکه مقام و منزلت و فضیلت طواف به همه هویدا بود، لیکن بخاطر شفقت و مهربانی و آسانگیری بر مردم از انجام آن منصرف شدند.^۲

*- آنحضرت ﷺ همیشه کار آسان را برمی گزیدند، و در حج نیز فرمان صادر نمودند کسانیکه باخود هدی (قربانی) نیاورده اند از احرام بیرون آیند، و در عرفات و مزدلفه نمازها را یکجا ادا نمودند، و در منا نمازها را قصر (کوتاه) می خواندند^۳ - چهار رکعتی را دو رکعت ادا مینمودند-.

*- پیامبر اکرم ﷺ اصحاب کرام را امر فرمودند تا قربانی شان را در جاهایی که فرود آمده اند - در منا- ذبح نمایند، قسمیکه از جابر رضی الله عنه - مرفوعاً- روایت شده که آنحضرت ﷺ فرمودند: (من

۱- صحیح بخاری (۱۵۴۵). سیرت نبی از ابن کثیر: ۴/ ۳۳۴.

۲- حجة الوداع از ابن حزم: ۱۲۴، زادالمعاد: ۳۱۰/۲، سیرت نبی از ابن کثیر: ۴/ ۴۰۴.

۳- صحیح بخاری (۱۶۵۶)، صحیح مسلم (۱۲۱۸).

در اینجا ذبح نمودم و سر زمین منا همه جای قربانی است، پس شما نیز در جاهایی که فرود آمده اید قربانی تان را ذبح نمایید)، همچنان آنحضرت ﷺ برای زنان اجازه دادند تا قبل از طلوع آفتاب بر جمره سنگ پرتاب نمایند، چون پرتاب سنگریزه در هنگام ازدحام برای زنان مشکل بود، آنحضرت ﷺ به آنها اجازه دادند تا قبل از طلوع آفتاب بر جمره سنگ بریزند، همچنان به آنان اجازه دادند تا پیش از دیگران بسوی جمرات حرکت نمایند.^۲

* - لطف و شفقت آنحضرت ﷺ بر مردم آنقدر زیاد بود که قلم از وصف آن عاجز می ماند، ایشان مردم را به شتاب نمودن در برگشت بسوی اهل و خانواده های شان تشویق نمودند، تا از یکسو انتظار اهل و خانواده آنها طول نکشد و از سوی دیگر سفرپاره از عذاب است و برانسان سنگینی می کند، بنابراین ایشان به اصحاب کرام چنین فرمودند: (هرگاه یکی از شما حجش را

۱- صحیح مسلم (۱۲۱۸).

۲- صحیح بخاری (۱۶۷۹)، سنن ابوداود (۱۹۴۲) ابن کثیر بعد ذکر این حدیث در سیرت نبی فرمود: تنها ابوداود آنرا نقل نموده لیکن اسناد خوب و قوی دارد و رجالش همه ثقه اند، و زاد المعاد: ۲۵۲/۲.

پایان رساند، باید در برگشت بسوی خانواده خود عجله نماید، زیرا در اینکار پاداشی بزرگ بوی است).^۱

*- همچنان آنحضرت ﷺ اصحاب کرام را امر می فرمودند تا برخویشتن نرمی و آسانی نمایند، بطور مثال ایشان را شخصی را دیدند که شتر قربانی با خود میبرد، فرمودند: (بر او سوار شو) گفت: این شتر قربانی است، فرمودند: (سوار شو) گفت: این شتر قربانی است، فرمودند: (وای بر تو! سوار شو)، این سخن را دو و یاسه بار تکرار نمودند.^۲ همچنان فرمودند: (بر شتر قربانی بانیکویی سوار شوید تا اینکه مرکبی دیگری دریا بید).^۳ و هنگام پرتاب سنگریزه بر جمره ها فرمودند: (ای مردم! یکدیگرتان را نکشید، و یکدیگرتان را زخمی نکنید، و هرگاه بر جمره سنگ پرتاب نمودید پس مانند خذف را (که میان دو انگشت گذاشته شود) پرتاب نمایید).^۴ چنانکه آنحضرت ﷺ به عمر فاروق رضی الله عنه فرمودند:

۱- مستدرک حاکم: ۱/۶۵۰، سنن بیهقی: ۵/۲۵۹ با تحسین البانی در صحیح الجامع (۷۳۲).

۲- صحیح بخاری (۱۶۸۹).

۳- صحیح ابن حبان (۴۰۱۵) با اسناد صحیح.

۴- مسند احمد (۱۶۰۷۸) با اسناد حسن لغیره، با تحسین البانی در صحیح الجامع (۷۸۹۰).

(ای عمر! تو مردی قوی هستی، پس - در بوسیدن - حجر الاسود بر مردم تنگی و فشار میار، تا مردمان ضعیف اذیت نشوند، و اگر خلوتی بود آنرا لمس کن، در غیر آن روبرویش بایست و لایله إلا الله و تکبیر بگو).^۱

*- ایشان ﷺ اصحاب کرام را در امری که خلاف میل و رغبت آنها واقع می گردید تسلی و دلداری داده و نمی خواستند دل‌های شان برنجد، طور مثال هنگامیکه آنحضرت ﷺ اصحاب کرام را امر فرمودند تا از احرام بیرون آیند، ناراحت شدند، زیرا خلاف توقع آنها این دستور صادر شد، آنها دوست داشتند چیزی را که پیامبر خدا ﷺ انجام میدهد، آنان نیز از ایشان پیروی کرده عملی نمایند و از احرام بیرون نیایند، سپس پیامبر اکرم ﷺ بخاطر دلداری آنان فرمودند: (اگر آینده کارم را می دانستم اینچنین نمی کردم، قربانی نمی آوردم، و اگر همراهم قربانی نبود من نیز از احرام بیرون می آمدم).^۲ و هنگامیکه صعاب بن جثامه رضی الله عنه سرین گوره

۱- مسند احمد (۱۹۰) حدیث حسن است، و سنن بیهقی: ۸۰/۵، و سیرت نبی از ابن کثیر: ۳۱۸/۴.

۲- صحیح بخاری (۷۲۳۰).

خری را به ایشان ﷺ بخشش نمود، ایشان ﷺ آنرا قبول نکردند - وقتی دیدند که آن مرد متأثر گردید - فرمودند: (چونکه ما در احرام هستیم، آنرا رد کردیم).^۱ و وقتی ابو قتاده رضی الله عنه گوره خری را شکار نمود و خودش در احرام نبود، رفقاییش از گوشت آن خوردند، درحالیکه آنان در شکار گوره خر نه کمک و نه اشاره کرده بودند، ولی باز هم در مورد آن متردد شدند که مبدا گناهی را مرتکب شده باشند، سپس از پیامبر خدا ﷺ سؤال کردند، آنحضرت ﷺ فرمودند: (آیا از میان شما کسی او را دستور به آن داده و یا به آن اشاره ای کرده است؟ گفتند: نه خیر، فرمودند: پس از گوشت متباقی آن بخورید). و در روایت دیگر آمده که ایشان فرمودند: (آیا چیزی از آن نزد تان باقی ماند است؟ گفتند: با ما پایش باقی مانده است، آنحضرت ﷺ آنرا گرفته و خوردند)^۲

متأسفانه در عصر حاضر بسیاری از حجاج احکام حج را نمیدانند، همچنان تعدادی بیشماری از مردمان عجم - کسانی که

۱- متفق علیه.

۲- صحیح مسلم (۱۱۹۶)، زاد المعاد: ۱۶۵/۲، سنن ابن ماجه (۳۰۹۳) باتصحیح البانی (۲۵۰۹).

عربی را نمیدانند- یا ناتوانان و یا بزرگسالانی میباشند که به مهربانی، شفقت، همکاری، راهنمایی، توجیه، نصیحت، همدردی، خدمت، احسان و نیکی نیاز دارند، که باید با آنها همکاری همه جانبه صورت گیرد، و این فرصتی خوب برای کسب ثواب، با مهربانی و احسان، و شفقت و همکاری کردن با آنان است.

پس برادر گرامی! با آنان رفتار نیک نما، وبال تواضع و فروتنی را هموار نما، و با نرمی و دلسوزی با آنان برخورد و تعامل کن، راه آسان را به آنها رهنمایی کن، از خشم، غضب، خشونت و غلظت بپرهیز، زیرا اینکار منافی با اخلاق اسلامی است. در حدیث شریف پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: (کسیکه بهره از نرمش و مهربانی داده شده، بدون شک بهره بزرگی از خیر بوی داده شده است، و کسیکه بهره از نرمی داده نشده، همانا از بهره خیر محروم گردیده است)^۱

۱- جامع ترمذی (۲۰۱۳) حدیث حسن صحیح است، باتصحیح البانی (۱۶۷۳).

ح - برخی دیگر از اموری که پیامبر اکرم ﷺ در رهبری مردم آنرا مراعات مینمودند:

پیامبر اکرم ﷺ در موسم حج به امور گوناگونی توجه داشته و آنرا انجام دادند که در کامیابی قیادت، و برخورد نیک با مردم، و برانگیختن احساسات، و پیروی و پذیرش تام آنها تأثیر بسزایی داشت که برجسته ترین آن از قرار ذیل است:

*- ترتیب و تنظیم نمودن مردم:

پیامبر اکرم ﷺ مردم را در منا منسجم و منظم نموده و هر گروه را در جای معینی قرار دادند، ایشان هر که را نظر به فضیلت و اولویتش در اسلام، و فداکاری در راه خدا ﷻ، در جای مناسبی قرار دادند، طوریکه از عبدالرحمن بن معاذ رضی الله عنه نقل است که وی از یکی از اصحاب پیامبر اکرم ﷺ نقل نموده که فرموده است: (پیامبر خدا ﷺ در منا به مردم خطبه ایراد نمودند و هر گروه را نظر به مقام و منزلت شان در اسلام در جاهایی مشخص جابجا نمودند، ایشان رضی الله عنه فرمودند: مهاجرین در اینجا فرود آیند، و به

سمت راست قبله اشاره نمودند، و انصار در اینجا فرود آیند، و به سمت چپ قبله اشاره نمودند، سپس مردمان دیگر در اطراف آنها قرار گیرند.^۱ و در روایت دیگری چنین آمده: (سپس دستور دادند تا مهاجرین در قسمت جلو مسجد فرود آیند و به انصار دستور دادند تا در قسمت عقب مسجد قرار گیرند، سپس مردمان دیگر را بعد از آنها قرار دادند).^۲

اما در عصر و زمان ما بسیاری از مشکلات که در اثنای انتقال میان مشاعر حج بوقوع می پیوندد، نتیجه آنست که برخی از مردم مصالح شخصی خویش را بر مصالح عامه ترجیح داده و به مقررات و قوانین گذاشته شده پابندی و التزام نداشته و به دیگران احترام قایل نیستند.

برادر ارجمند! حاجی محترم! چه خوب است که خودت را نمونه و الگوی نیک به دیگران ساخته و از مصالح و خواهشات

۱- سنن ابو داود (۱۹۵۱) با تصحیح البانی (۱۷۱۹).

۲- سنن ابو داود (۱۹۵۷) با تصحیح البانی (۱۷۲۴).

شخصی خویش در مقابل مصالح و نیازمندی های برادرانت تنازل نموده و از اخلاق نیک پیامبر اکرم ﷺ پیروی نمایی!

*- تشویق خدمت گزاران حجاج در موسم حج:

پیامبر اکرم ﷺ کارمندان و خدمتگزاران مردم در حج را در کارهای شان تشویق نمودند، و بر آنان آسانگیری نموده زمینه مناسب را به آنان مساعد نمودند، طوری که ایشان به عموی شان عباس رضی الله عنه اجازه دادند تا شب های منا را بنخاطر آب دادن به حجاج در مکه سپری نماید^۱، و هنگامیکه درجایی که برای حجاج آب میدهند آمده فرمودند: (به کار خود ادامه بدهید، زیرا بر اجرای کار نیک و پسندیده ای قرار دارید)^۲. به فضل و احسان خداوند جل جلاله امروز دیده می شود که رضاکاران و داوطلبان بی شماری در ساحاتی گوناگون به خدمت گذاری حجاج سهم فعال دارند، آنان اوقات گران خویش در راه توجیه، ارشاد، کمک و همکاری با حجاج صرف مینمایند، ولی در بسیاری از احوال حتی چهره و یا کلمه

۱- صحیح بخاری (۱۷۳۴).

۲- صحیح بخاری (۱۶۳۶).

خوشی را از کسی نمی بینند، بلکه بعضی احيان عوض شکر و تقدیر، سخنان زشت و نامناسبی را می شنوند و گاهی مورد اذیت، آزار، و سرزنش و نکوهش بعضی ها قرار می گیرند.

پس چه خوب است که با چنین اشخاص به آداب نبوی رفتار شود قسمیکه آنحضرت ﷺ فرموده اند: (کسیکه سپاسگزار مردم نباشد، شکر و سپاس خداوند ﷻ را نیز بجا نمی آورد).^۱ و همانطوری که رسول اکرم ﷺ از چنین اشخاص قدر دانی میکردند، امروز نیز باید تشویق و ترغیب شوند، تا باعث ادامه اعمال خیر آنها گردد، زیرا تشویق نمودن آنان را قوی و متین ساخته و نیروی درونی آنها را هرچه بیشتر قوت می بخشد.

* - پیامبر گرامی اسلام ﷺ بر حفظ حقوق مردم و حمایت آن از تلف شدن سعی و تلاش میورزیدند: بطورمثال هنگامیکه ام المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها به ایشان پیشنهاد بنا نمودن خانه را درمنا کرد تا برای آنحضرت ﷺ سایه بانی باشد، پیامبر اکرم ﷺ

۱- جامع ترمذی (۸۱) و فرمود حدیث حسن صحیح است، والبانی نیز آنرا در صحیح سنن ترمذی صحیح خوانده (۱۵۹۲).

پیشنهادش را قبول نکرده فرمودند: (منّا موضع فرود آمدن مردمان گذشته است)¹. یعنی منّا مشخص به کسی نیست، بلکه ملکیت همه مسلمانان است و اگر اینکار صورت گیرد بناهای دیگر نیز آباد خواهد شد که در نتیجه بر حجاج تنگی خواهد کرد. همچنان آنحضرت ﷺ از کمک نمودن با کارمندان آب زمزم در مکه امتناع ورزیدند، بیم از آنکه مبادا مردم به ایشان در اینکار نیز اقتدا نمایند و در نتیجه حقوق فرزندان بنی عبدالمطلب تلف خواهد شد، قسمیکه فرمودند: (اگر خوف این نباشد که مردم از دیدن من ازدحام نموده و مشکلاتی برای شما ایجاد میکنند، می آمدم و ریسمان آب کشی را بر اینجا - یعنی گردن خود - می نهادم)².

اما امروز، چه بسا حقوق حجاج بویژه حقوق مردمان ضعیف و ناتوان و بی خبر، بوسیله دنیا پرستان و ستمگران مانند شرکت ها و جمعیت های که سرپرستی حجاج را بدوش میگیرند

۱- جامع ترمذی (۸۸۱) حدیث حسن صحیح است، مستدرک حاکم: ۱/ ۶۳۸ حاکم فرمود: این حدیث برابر با شروط مسلم است، وذهبی باوی موافق است، سیرت نبی ابن کثیر: ۴/ ۳۹۸، صحیح ابن خزیمه: ۴/ ۲۸۴.

۲- صحیح بخاری (۱۶۳۶).

و یا برخی از حجاجی که مقام و منزلت این سرزمین پاک از دل های شان محو گردیده است، تلف و ضایع میگردد. پس حذرکن که در زمره چنین مردمان خدا ناترس و حرام پیشه مباشی، بلکه سعی و تلاش نما تا همچو مردمانی که در موسم حج بهره برداری نامشروع مینمایند نصیحت و توصیه نیک نموده و از محاسبه شدیدی که در پیش دارند، یادآور شوی.

* - جرأت در اظهار حق:

پیامبر بزرگ اسلام ﷺ مهربانترین و باحیاطترین مردم بودند، با وجود این صفات حمیده، از گفتن حق در مقابل هیچکسی تأخیر نمی ورزیدند، حتی اگر اشکالی هم ایجاد میشد و یا خلاف توقع جانب مقابل واقع میگردید، در این مورد مثال های بیشماری است که بر شجاعت و جرأت ایشان ﷺ در حق، و شخصیت قوی و عالی ایشان ﷺ دلالت دارد، از جمله:

* - آنحضرت ﷺ فضل بن عباس رضی الله عنه را در محضرعام از نگاه کردن بسوی دختر خنعمی بازداشتند.^۱ و هنگامیکه پدر فضل، عباس رضی الله عنه به ایشان گفت: ای رسول خدا! چرا گردن پسر عمویت را تاب دادید؟ فرمودند: دیدم که دختر و پسر جوان بسوی همدیگر می نگرند، از حیلۀ شیطان برآند و ترسیدم.^۲

* - همچنان هنگامیکه همسر ایشان صفیه رضی الله عنها دچار عادت ماهانه شد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گمان نمودند که وی طواف فرضی را در روز نحر انجام نداده است، فرمودند: (آیا وی نگهدارندهٔ ما - از برگشتن به مدینه - است؟).^۳

* - همچنان آنحضرت صلی الله علیه و آله به جوان تنومندی که از ایشان صدقه طلب نمود، چیزی ندادند، زیرا وی قادر به کسب و کار بود.^۴

* - واز مثال های برجسته که دلالت واضح بر جرأت ایشان در حق میکنند، پذیرفتن خواهش کسانی که با خود قربانی نیاورده بودند

۱- صحیح بخاری (۶۲۲۸).

۲- جامع ترمذی (۸۸۵) حدیث حسن صحیح است، با تصحیح البانی (۷۰۲).

۳- صحیح بخاری (۱۷۷۲).

۴- سنن ابو داود (۱۶۳۳) با تصحیح البانی (۱۴۳۸).

اینکه در احرام باقی بمانند که بیشتر صحابه از این جمله بودند، و خود ایشان ﷺ در احرام باقی ماندند و دیگران را به بیرون شدن از احرام دستور داده فرمودند: (اگر قربانی با خود نمی آوردم مانند شما از احرام بیرون می آمدم).^۱

پس ای برادر و خواهر مسلمان! هیچگاه از وجیبه امر به معروف و نهی از منکر و توصیه و توجیه و ارشاد نیک به مردم دست بردار، و همیشه سخن حق بگو هر چند خلاف میل و توقع دیگران واقع گردد، زیرا سهل انگاری در این موارد، ناتوانی و تنبلی و هراس تلقی میشود، نه شرم و حیا. و خداوند ﷻ از اظهار حق حیا نمی ورزد. سعی نما تا از پیامبر گرامی اسلام ﷺ پیروی نمایی، قسمیکه وصف شده اند که: (حیای رسول الله ﷺ از حیای دختر بکر - دوشیزه نوجوانی که هنوز شوهر نکرده باشد - در پرده و حجابش بیشتر بودند)^۲، با آن هم بخاطر خدا ﷻ خشمگین شده و در پی انتقام میشدند، قسمیکه ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها از صفات

۱- صحیح بخاری (۷۳۶۷).

۲- صحیح بخاری (۳۵۶۲).

حمیده ایشان ﷺ حکایت نموده است: (رسول ﷺ هرگز چیزی را با دست خویش نزده اند، نه زنی را و نه خادمی را، مگر اینکه جهاد فی سبیل الله نموده باشند، ایشان ﷺ از هیچ تجاوزی بر خود شان انتقام نگرفته اند مگر اینکه بر حریم شریعت الهی تجاوز شده باشد، و آنحضرت ﷺ فقط برای حق خداوند ﷻ انتقام می گرفتند).^۱

*- ترک سرزنش خطاکار:

پیامبر اکرم ﷺ با آنعه اصحاب کرام که مرتکب خطایی میشدند، تندی و درشتگویی و برخورد زشت نمی کردند، بلکه سعی مینمودند تا خطای آنان را اصلاح سازند، اگر خطا از روی نادانی میبود، در پی تعلیم و آموزش درست آن میشدند، و هیچگاهی بر شخص خطا کار ترکیز و خشونت نمی ورزیدند بلکه کوشش می نمودند تا خطا را اصلاح نموده و موقف درست را به آنان بیاموزند، بطور مثال:

۱- متفق علیه، لفظ از مسلم است.

*- آنحضرت ﷺ در جستجوی گوینده این سخن که گفت: (ما به منا می رویم درحالیکه از آلت های ما منی بچکد!) نشدند و سرزنش نکردند، بلکه آنان را تسلی داده و بکار بهتر راهنمایی نمودند، طوریکه فرمودند: (میدانید که من با تقوا ترین و صادق ترین و نیکوکارترین شما در بندگی خدا ﷻ نسبت به همه شما میباشم، اگر قربانی را با خود نمی آوردم، مانند شما از احرام بیرون می آمدم و اگر آینده کارم را می دانستم اینچنین نمی کردم و قربانی را با خود نمی آوردم.^۱

*- همچنان هنگامیکه فضل بن عباس رضی الله عنه بسوی زن خثعمی و دخترانی که می دویدند باربار نگاه می کرد، آنحضرت ﷺ به تاب دادن روی وی اکتفا کردند و او را سرزنش نکردند.^۲

*- همچنان آنحضرت ﷺ بردو مردیکه درخانه های شان نماز خوانده و به مسجد خیف آمدند و در آخر مسجد نشستند، تندی و خشونت نکردند، بلکه آنها را توجیه و توصیه نمودند تا کاری

۱- صحیح بخاری (۷۳۶۷).

۲- متفق علیه .

کنند که شک و شبهه از آندو رفع گردد، زیرا شاید برخی گمان می نمودند که آنها نماز نخوانده اند، پس دور کردن شک و شبهه از آندو مهمتر و اولی تر از دیگر امور بود.^۱

*- چنانکه آنحضرت ﷺ به دو مرد تنومندیکه خواستار صدقه از آنحضرت ﷺ شدند، سرزنش و یا سخن زشت نگفتند، بلکه آندو را باسخنان پر از حکمت شان در موقفی قرار دادند که خود آنها را رضی به نگرفتن صدقه شدند^۲، که این روش نشان دهنده بردباری و حکمت عالی آنحضرت ﷺ در برخورد شان با دیگران است.

پس آیا طلاب علم و دعوتگران این راه و روش نبوی را در دعوت شان عملی می نمایند؟ با تأسف برخی از مردم پند و اندرز شان با زشتی و تندى، سخنان شان مملو از تهدید، تحقیر و سرزنش بوده، و درآموزش و تعلیم، دیگران را به نادانی و بیخردی نسبت میدهند، که اینچنین شیوه نادرست و غلط نه تنها اصلاح نمی آورد بلکه خطا و گناه و فساد را بیشتر رشد داده، و مردم را برانجام

۱- جامع ترمذی (۲۹۱) حسن صحیح، باتصحیح البانی در صحیح سنن ترمذی (۱۸۱).

۲- سنن ابوداود (۱۶۳۳) باتصحیح البانی در صحیح سنن ابوداود (۱۴۳۸).

اعمال زشت و فسادکاری بیشتر از پیش می کشاند، شاید بعضی ملاقات باچنین دعوتگران را نپذیرفته و تصمیم برقطع رابطه و ترک آنها را گیرند!

ای کاش که اینچنین مردمان با خطا کاران مقابل نمیشدند و آنها را برحال خود شان میگذاشتند و به سوال های آنها پاسخ نمی گفتند، توصیه ما به کسانی که خداوند ﷻ به آنها علم دین عطا نموده و آنها را بمنظور پخش و نشر آن برگزیده است، اینست که از خداوند ﷻ بهر اسند از تندی، درشتگویی، خشونت، توهین، تحقیر و تهدید مردم بپرهیزند، و از اخلاق و آداب و کردار پیامبر بزرگ اسلام ﷺ پیروی نموده مردم را از دین سهل و آسان، دلسرد و گریزان نسازند.

* - اجتناب از زحمت و سختگیری بر مردم:

یکی از بزرگترین عوامل کامیابی و موفقیت پیامبر گرامی اسلام ﷺ در رهبری و قیادت این جمعیت انبوه مردم در حج، آسانگیری، و ترک امور بغرنج و پیچیده، و عدم تکلف بود، بلکه همه مسایل را بطور آسان و با شفافیت بیان می نمودند. و هرگاه کسی در

ارشادات و رهنمود های ایشان ﷺ هنگام قیادت مردم در حج دقت نماید، درخواهد یافت که هدف و غایه مردم آشکار و روشن، مرجع و مقام رهبری آنان بارزو معین، قوانین و احکام حج معلوم و واضح، و خط سیرحجاج معروف، زمان و مکان مناسب حج تحدید و تعیین شده بود، که اینکار خود، رعیت را آگاه و باخبر از امورمتعلق بحج گردانیده و هر شخصی میدانست که چه درپیش دارد و چه چیزی را باید انجام دهد و یا ندهد.

پس اگر روزی سر پرست یا مسؤل بخشی از امورحجاج مقرر شدی، تلاش نما تا وظیفه ات را با آگاهی تمام، دور ازسختگیری بررعیت، و ترک دشواری و پیچیدگی برآنان انجام دهی.

*-محبت و مهربانی با مردم:

پیامبر اکرم ﷺ از اخلاق عالی برخوردار بودند، ایشان ﷺ نرم خو، پرمهر و پرلطف، مهربان و مشفق، چهره بشاش، خوش خلق، و سینه فراخ داشتند، هرگاه با کسی روبرو میشدند متبسم می بودند، و اگر صحبت مینمودند، تبسم درچهره شان نمایان می شد، ایشان با اصحاب کرام خوشوقتی و خوش طبعی نموده، خوشی و

سرور را بر دل‌های شان داخل مینمودند.^۱ روایاتی زیادی وجود دارد که آنحضرت ﷺ در حج نیز با یاران شان محبت و خوش طبعی مینمودند، قسمیکه عبدالله بن عباس رضی الله عنه حکایت نموده است: (ما بچه های بنی عبدالمطلب نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مزدلفه آمدیم، درحالیکه بر مرکبهای ماسوار بودیم ایشان با دستشان آهسته بر رانهای ما زده فرمودند: (ای پسران عزیزم! تا که آفتاب طلوع نکرده بر جمره سنگریزه پرتاب نکنید).^۲

برادر مسلمان! توهم در حج هنگامیکه با مردم ملاقی میشوی، با چهره گشاده، خوش و خندان، سیمای پر از مهر، گفتار خوش، و رفتار نیک تعامل نما، تا دوستی و محبت آنان را کسب نموده و سخنان را با سینه فراخ بپذیرند، و از ثواب و پاداش بزرگ در نزد خداوند عز و جل برخوردار گردی.

۱- مختصر شمایل از ترمذی: ۲۰۰-۲۰۵، اخلاق النبی صلی الله علیه و آله و آداب از اصبهانی: ۱۸۰-۲۰۷.

۲- سنن ابن ماجه (۳۰۲۵) باتصحیح البانی در صحیح ابن ماجه (۲۴۵۱).

* - سنگینی، وقار و مظهر نیک پیامبر اکرم ﷺ:

پیامبر اکرم ﷺ در موسم حج نیز مانند همیشه، از وقار، روش نیک، مظهر زیبا، و چهره درخشان و تابان برخوردار بودند، ایشان توجه به مظهرشان داشتند و هیچکسی زیبا و خوش اندام تر از ایشان ﷺ دیده نمیشد، ایشان موی سرشان را تکریم مینمودند و در حج موی سرشانرا با مواد چسپناکی یکجا نمودند تا در مسیر راه مکه پریشان نشود.^۱ و در هنگام احرام بستن و در وقت بیرون شدن از احرام خویش را با بهترین عطر خوشبو مینمودند.^۲ همچنان قبل از احرام بستن غسل نمودند.^۳ و قبل از ورود به مکه نیز غسل نمودند.^۴ همچنان آنحضرت ﷺ از وقار و سنگینی برخوردار بودند، و هیچگاهی سخنان و حرکات ناشایسته از ایشان

۱- صحیح بخاری (۴۳۹۸).

۲- صحیح مسلم (۱۱۸۹)، سنن دارمی (۱۸۰۱).

۳- جامع ترمذی (۸۳۰) حدیث حسن غریب است والبابی آنرا در صحیح سنن ترمذی صحیح خوانده: (۶۶۴).

۴- صحیح مسلم (۱۲۵۹).

صادر نشده است.^۱ بنابراین دوستی و محبت و تقدیر بیش از حد ایشان در دل های مردم جاداشت، ایشان ﷺ در نظر همه مردم، بزرگ، عظیم، محترم، معزز و با هیبت بودند، شواهد و دلایل بی شماری در این مورد موجود است که بطور مثال حدیث حارث بن عمرو السهمی رضی الله عنه را ذکر می نمایم که فرمود: (نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در عرفات یا منا آمدم و مردم در اطراف شان حلقه زده بودند، مردمان بادیه می آمدند و هنگامیکه چهره ایشان را می دیدند، می گفتند: (این چهره مبارکی است).^۲

پس برادر ارجمند! به مظهر خود توجه و اهتمام نما، و خویشتن را به حیاء، ادب، وقار، تواضع آراسته نما، از خندیدن بسیار و بی مورد بپرهیز، و از زیاده روی و افراط در مزاح و شوخی حذرکن، هرگاه این صفات را در خویش آراسته نموده و جامه عمل پوشاندی، بدان که سخنان تو در اعماق دلهای مردم جا خواهد گرفت.

۱- سنن نسایی (۳۰۲۴) باتصحیح البانی (۲۸۲۷) و مسند احمد (۱۸۱۶) با اسناد صحیح .

۲- سنن ابوداود (۱۷۴۲) بانحسین البانی (۱۵۳۲).

صفاتی که یاد آور شدیم بخش کوتاهی از مظاهر کمال و صفات بزرگ پیامبر اکرم ﷺ در حج بود، این صفات و ویژگیهای بود که مردم را به پیامبر ﷺ نزدیک ساخته، ایشان ﷺ را محبوب دلها گردانیده و پیشوایی ساخته بود، که دلها به سوی شان متمایل میگشت و با اخلاص تام از ایشان ﷺ پیروی نموده و برتنفیز او امرشان سبقت می جستند.

پس کسانی که خواهان امامت و پیشوایی مردم اند، و آرزو دارند که مردم از آنان پیروی نمایند، باید خود را در برابر صفات حمیده و کارنامه های بزرگ پیامبر اسلام ﷺ قرار داده موقعیت خویش را در جامعه خویش دریابند، که آیا شایسته این مقام و منصب هستند یا نه؟ خاطر نشان باید کرد، کسیکه صفات و اخلاق و کارنامه های پیامبران خداوند ﷺ را در خود آراسته و پیراسته ننماید، و راهی را که آنها پیموده اند نپیماید، هرگز پیشوایی و رهبری مردم را بدست نخواهد آورد.

و در خاتمه:

بعد از شکرگذاری خداوند ﷻ از برادرانی که در تهیه این کتاب با من همکاری نموده و از نظریات گرانبهای شان مرا مستفید ساخته اند، صمیمانه سپاسگذارم.

و آنچه که در صفحات گذشته به رشته تحریر درآورده شده است، درخششی از احوال پیامبر گرامی اسلام ﷺ است که بوسیله بنده ناتوان با عجله و شتاب گردآورده شد، و از خداوند مهربان و بخشاینده مسئلت دارم که این کوشش بنده عاجز را مثمر و مفید گردانیده و به بارگاهش قبول فرماید و آنرا توشه ای برای برادران و خواهران مسلمان قرار دهد تا بتوانند در پرتو آن حج مبرور را انجام دهند، و بخشوده شده از همه گناهان به خانه های شان برگردند.

موضوع این کتاب بالاتر از آنست که بنده عاجز و ناتوانی مانند من آنرا با تفصیل و بطور کامل جمع آوری نماید، بلکه نیاز به بحث و جستجو و دقت و بازرسی و رسیدگی کامل و دقیق دارد، از خداوند ﷻ آرزو دارم تا کسی از اهل علم و دانش را توفیق عطا

فرماید که این موضوع را دقیقتر و مفصل تر جمع آوری کند و حق آنرا چنان که شایسته است ادا نماید، موفقیت و کامگاری تنها بدست خداوند عزوجلله است و تنها به او باید امید وار بود، پس او ما را کافی است و او تعالی بهترین کارساز است.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله و صحبه و من سار علی نهجه و اقتفی أثره الی یوم الدین.